

تیر ۱۴۰۵

ترجمه ویژه نامه انگلیسی شماره ۲۹۸

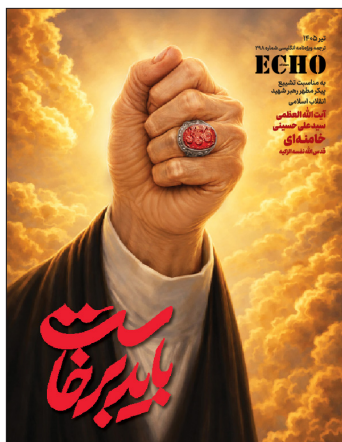
ECHO
of Islam

به مناسبت تشییع
پیکر مطهر رهبر شهید
انقلاب اسلامی

آیت الله العظمی
سید علی حسینی
خامنه‌ای
قدس الله نفسه الزکیه

سید
باید بر خفا





تیر ۱۴۰۵

زیر نظر:

دکتر حسین دیوسالار
معاون توسعه همکاری‌های علمی
و فرهنگی

مدیر مسئول:

مهدی فیاضی

ویراستار:

سید محمد ذوالفقاری

مدیر اجرایی و روابط عمومی:

مریم حمزه‌لو
مدیر هنری: امید بهزادی
نشر دیجیتال و تعاملی:
امیر اردستانی

تلفن:

۰۰۹۸۲۱-۸۸۹۳۴۳۰۲

۰۰۹۸۲۱-۸۸۹۳۴۳۰۳

فکس:

۰۰۹۸۸۸۹۰۲۷۲۵

Website: www.alhodapub.com

Email: alhodapub@gmail.com

- ۴ کلید واژه‌های راهبردی جریان ساز رهبر شهید - مهدی فیاضی
- ۶ پیام‌های رئیس‌جمهور، مراجع تقلید و علما به مناسبت شهادت رهبر انقلاب اسلامی
- ۱۲ تشییع رهبر شهید؛ فرازی بلند در تاریخ معاصر جهان- دکتر محمد مهدی ایمانی پور
- ۱۶ به مناسبت تشییع شهید امام سید علی خامنه‌ای- دکتر علی عباسی
- ۲۰ ویژگی‌های بارز رهبر شهید انقلاب اسلامی، از زبان رهبر معظم انقلاب اسلامی...
- ۳۲ نظرات امام خمینی(ره) در مورد رهبر شهید(ره)
- ۳۴ تا آخرین نفس...
- ۳۸ جانشین آیت‌الله شهید خامنه‌ای کیست؟ زندگینامه مختصر آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای
- ۴۲ ۱۰ نکته راهبردی و کلیدی رهبر شهید انقلاب اسلامی درباره خلیج فارس و تنگه هرمز
- ۴۴ گزیده‌هایی از بیانیه رهبر شهید درباره «گام دوم انقلاب اسلامی» خطاب به ملت ایران
- ۴۶ پیام اول رهبر شهید انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی
- ۴۹ نامه دوم رهبر شهید انقلاب به عموم جوانان در کشورهای غربی
- ۵۲ نامه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به دانشجویان حامی مردم فلسطین در دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا (نامه سوم)
- ۵۶ پیام‌های شخصیت‌های خارجی به مناسبت شهادت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای(ره)
- ۶۳ دو شعر از احمد امور زبار، انگلستان - شجره طیبه
- ۶۶ دین شمس الدین- از اندیشمندان و شخصیت‌های برجسته اسلامی اندونزیایی
- ۶۷ محمد فیصل عبدالعزیز- مالزی- رئیس سازمان پرسه مالزی، حقوقدان
- ۶۸ پروفیسور آدولفو مورگانتی- ایتالیا- استاد دیالوگ بین ادیان
- ۶۹ شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی و کودکان میناب؛ نقض عاقدانه قوانین بین‌المللی و حقوق بشر
- ۷۲ پژواک‌های عدالت: آفریقا در کانون دیدگاه امام سید علی خامنه‌ای- شیخ عبدالله ماکوینجا، زیمبابوه
- ۷۸ امام سید علی خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه) احیاگر روحیه حسینی- ماریا پاملا جی، فیلیپین
- ۸۲ عروج شخصیتی برجسته: هنگامی که ولی امر در مقام شهادت از مرکب فرود می‌آید- محمد البحر المحضار، یمن
- ۸۶ ایران در میان جوشش و تپش، حافظ نخستین آب‌هاست - دکتر رونی آلفا - لبنان
- ۹۰ امام شهید، آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای... - دکتر هناء سعاده، الجزایر
- ۹۸ امام خامنه‌ای شهید، رهبری بزرگ و استثنایی در رویارویی با استکبار جهانی- شیخ ماهر حمود، لبنان
- ۹۸ برجسته‌ترین ویژگی‌های دوران رهبری امام خامنه‌ای- محمدصادق الهاشمی، عراق
- ۱۰۴ اعمال روند قانون اساسی برای معرفی جانشین رهبر شهید



کلید واژه های راهبردی جریان ساز رهبر شهید

نویسنده : مهدی فیاضی - مدیرمسئول نشریه

سازی، بعثت مردم، مشارکت مردمی، بسیج مردمی، امید، خودباوری، ما می-توانیم، قله، مردم سالاری دینی، خودسازی، جامعه پردازی، نظام سازی، تمدن سازی، گام دوم انقلاب، تمدن نوین اسلامی، نظم نوین جهانی، جوانی جمعیت، جوان گرایی، عدالت، مبارزه با فساد، طهارت اقتصادی، استقلال، آزادی، معنویت، اخلاق، سبک زندگی، شهادت، عزت، حکمت، مصلحت، نهضت ترجمه معکوس، امت، مظلومین جهان، تحصیل، تهذیب، ورزش، هویت اسلامی - انقلابی، هویت اسلامی - ایرانی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و ...

با پیگیری ۳۶ ساله این مفاهیم عمیق در ساختارهای کشور و توسط توده مردم ایران و خارج از ایران غفلت و عقب افتادگی یکصد و پنجاه ساله دنیای ایرانیان و دنیای مسلمانان و مظلومان جهان تا حد معجزه گونه ای جبران و ترمیم شد تا سطحی که شتاب دستاوردهای این حرکت و جهش دشمنان بشریت و انسانیت و آزادی و عدالت را به جنایت شهادت ایشان کشاند و انشاء الله این راه تا حصول نتایج آرمانی با هدایت ولی فقیه جدید و رهبرسوم انقلاب آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای (حفظه الله تعالی) با بعثت مردم با قوت و با امید ادامه خواهد داشت.

این ویژه نامه به مناسبت تشییع با عظمت و محزون آن رهبر جهانی با مطالبی از نقاط مختلف جهان تولید شده است. در این ویژه نامه خوانندگان محترم غیر ایرانی با ابعاد مختلف این رهبر الهی و مردمی بیشتر آشنا می شوند و ادله «چرا باید برخاست» و افق «خشم و خروش حماسی جهانی» را مرور می نمایند.

رهبر جهانی شهید آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (قدس الله نفس الزکیه) در ۳۶ سال رهبری خود در ایام و منطقه ای پرفتنه علاوه بر کار بست روش های علمی- قرآنی برای مدیریت کلان، روش های نوآورانه ای را برای رسالت رهبری خود بکار می بردند تا علاوه بر مدیریت، بالندگی اجتماعی عمیق در ملت ایران و امت جهانی مظلومان و مستضعفان و مسلمانان ایجاد نمایند و حرکت با ثمر و توأمان پیوند امت- امامت را نیز معماری و مهندسی نمایند.

یکی از روش های ایشان خلق و تسری گفتمانی- اجرایی کلیدواژه های بنیادین- راهبردی- آینده نگارانه- جریان ساز بود تا نیازهای کوتاه مدت و میان مدت و افق های بلند مدت ملی و فراملی، منطقه ای و فرا منطقه ای تامین گردد که خاستگاه منظومه این مفاهیم مبانی مدیریتی، علمی، قرآنی و نیاز حرکت جامعه بود.

به مناسبت تشییع با شکوه ایشان مرور آن کلید واژه ها مرور نقاط عطف رهبری ایشان برای التزام مریدان و سمت و سوی حرکت رهروان جهانی اش می باشد.

اهم برخی از آن کلیدواژه ها عبارتند از :

نهضت علمی، جهاد علمی، دانش بنیان، وجدان کاری، کار مضاعف، همت مضاعف، مدیریت جهادی، اقتصاد مقاومتی، جهش تولید، جنگ نرم، شبیخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی، آتش به اختیار، تحول بنیادین، پیوست فرهنگی، مهندسی فرهنگی، حماسه سیاسی، جهاد تبیین، سلطه ناپذیری، استکبارستیزی، غرب آسیا، بیداری اسلامی، محور مقاومت، عمق استراتژیک، شبکه

پیام های رئیس جمهور، مراجع تقلید و علما به مناسبت شهادت رهبر انقلاب اسلامی



پیام تسلیت رئیس جمهور

بسم الله الرحمن الرحيم

و دوراندیشی، پایداری و ایستادگی در برابر ظلم، دلبستگی به امام خمینی و آرمان های انقلاب اسلامی، رأفت و عظوفت، علم و حلم و صداقت و ایمان خالصانه به پروردگار متعال از شهید بلندمرتبه امام خامنه ای نامی جاودان و ماندگار در بلندای تاریخ معاصر پابه پای امام خمینی (ره) برجای گذاشت. حقا که جز شهادت در معرکه نبرد با دشمنان اسلام، شایسته و لایق نام و مقام آیت الله العظمی سید علی خامنه ای نبود. جمهوری اسلامی ایران خون خواهی و انتقام از عاملین و آمرین این جنایت تاریخی را وظیفه و حق مشروع خود می داند و با تمام توان خود به تحقق این مسئولیت و تکلیف بزرگ خواهد پرداخت. اینجانب با تسلیت مجدد به امت اسلامی، ملت شریف ایران و عموم علاقمندان و رهروان این زعیم جاویدان بر عزم راسخ و اراده خلل ناپذیر خود برای ادامه راه این بزرگمرد تاریخ تأکید می نمایم و از درگاه خداوند متعال، توفیق همدلی و همبستگی روزافزون مسئولان و ملت شریف ایران را در مسیر تحقق آرمان های بلند انقلاب اسلامی و گسترش عدالت و آزادی در جامعه مسئلت دارم.

«و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لاتشعرون» با کمال اندوه و تأثر و تأسف فرمانده بزرگ امت اسلام، رهبر عالی قدر و معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای به دست شقی ترین اشقیای عالم، به شهادت رسید. این رخداد بزرگترین ابتلای امروز جهان اسلام است. ترور عالی ترین مقام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و زعیم و مرجع برجسته جهان تشیع، توسط محور منحوس امریکایی - صهیونی اعلام جنگ آشکار با مسلمانان خصوصا شیعیان اقصی نقاط عالم محسوب می شود. ایران عزیز در طی ۳۷ سال هدایت داهیان و رهبری شهید عالی مقام حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای راه نورانی حضرت امام خمینی (ره) را با صلابت و اقتدار ادامه داد و به کانون استکبارستیزی و استقلال طلبی بدل شد. رهبری بزرگ و الهی که با تکیه بر اراده، رأی و نظر مردم به ملت ایران عزت و کرامت بخشید و چون استوانه ای سترگ، خار چشم دشمنان اسلام و ایران بود. تدبیر



حضرت آیت الله العظمی سیستانی

بسم الله الرحمن الرحيم

”إنا لله وإنا إليه راجعون“

با اندوهی عمیق، شهادت رهبر عالی قدر جمهوری اسلامی، حضرت آیت الله آقای خامنه‌ای (رضوان الله علیه)، را به مردم شریف ایران و عموم مسلمانان جهان تسلیت عرض می‌کنم.

جایگاه رفیع آن بزرگوار و نقش منحصر به فردشان در سکان داری نظام جمهوری اسلامی طی سال‌های متمادی بر همگان آشکار است .

بی‌تردید دشمنان با به شهادت رساندن ایشان و تجاوز گسترده نظامی به کشور، در پی ضربه زدن به ایران عزیز هستند. از ملت بزرگ این مرز و بوم انتظار می‌رود در این شرایط دشوار و حساس، با حفظ وحدت و انسجام ملی، اجازه ندهند متجاوزان به اهداف شوم خود دست یابند.

از خداوند متعال برای آن فقید سعید علو درجات و رضوان الهی، و برای همه داغ‌دیدگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم.
ولا حول ولا قوة إلا بالله العلی العظیم.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

با تأثر عمیق، شهادت رهبری معظم آیت‌الله آقای حاج سید علی خامنه‌ای «رضوان الله تعالی علیه» را به حوزه‌های علمیه و بیت مکرّم و آقا‌زادگان گرامی و به مردم صبور و وفادار ایران و عموم مسلمانان جهان تسلیت عرض می‌کنم.

آن بزرگوار به‌عنوان شاگرد برجسته و تربیت‌شدهٔ مکتب بنیان‌گذار انقلاب، با اعتقاد به مسیر و عدم تردید در مواجهه با مشکلات، عمر گرانقدر خویش را با صلابت و ارادهٔ قوی و از جان‌گذشتگی و با عزت و اقتدار و پرکاری مثال‌زدنی در این راه گذاشت. آن مجاهد، خدمات ارزنده‌ای انجام داد که این شاءالله ذخیرهٔ آخرت ایشان باشد.

اکنون دشمن خبیث که دست‌پلیدش به خون زنان و کودکان و بی‌گناهان، بارها آلوده شده است، در حال تجاوز و وحشیانه به میهن اسلامی و به خاک و خون کشیدن افراد بی‌گناه است. تاریخ این مرز و بوم، فراز و نشیب‌های بسیار به خود دیده است و آنچه که توانسته مکتب اسلام راستین و مردم مؤمن این دیار را پایدار نگه دارد، دست‌سپرستی و عنایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام و آگاهی مردم و توکل آنان به خداوند و عمل به وظایف شرعی بوده است.

در این شرایط حساس، انتظار است مردم شریف ایران که دل در گرو محبت خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام دارند با وجود تفاوت سلیقه‌ها و با دل‌گیری از برخی اتفاقات گذشته، اتحاد خویش را بیش از گذشته حفظ و تقویت نمایند و با موااسات و همدلی و با سرلوحه قراردادن مواظظ حضرات معصومین علیهم‌السلام، از هرگونه دوقطبی‌سازی در جامعه پرهیز نمایند و در حفظ امنیت و آرامش بکوشند.

مسئولین و دست‌اندرکاران نیز باید برای عبور از شرایط دشوار و خنثی کردن توطئه دشمنان اسلام، با توکل به خداوند و دوراندیشی و تدبیر دقیق و نظارت بر دستگاه‌ها، به وظائف خویش و خدمت صادقانه به مردم عمل کنند.

در این ایام و لیالی ماه مبارک رمضان، همه مؤمنین را به دعا و ارتباط با خداوند متعال و توسل به حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام، به ویژه استغاثه به ساحت مقدس حضرت ولی‌عصر «عجل الله فرجه الشریف» سفارش می‌کنم.

ضمن عرض تسلیت به خانواده‌های داغدار از حوادث اخیر، و دعا و آرزوی سلامتی برای مجروحین و آسیب‌دیدگان، با تضرع و استغاثه از خداوند متعال، تعجیل در ظهور موعود اُمم حضرت بقیة‌الله‌الأعظم (ارواحنا فداه) را مسألت دارم تا با برقراری قسط و عدل، رنج‌های بشریت پایان یابد.



حضرت آیت‌الله العظمی وحید خراسانی

شفقنا- در پی شهادت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، دفتر حضرت آیت‌الله وحید خراسانی مراتب تسلیت این مرجع تقلید را اعلام کرد.

به گزارش شفقنا، فرزند ارشد حضرت آیت‌الله وحید خراسانی در تماس تلفنی با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی عراقی، مسئول دفتر رهبر انقلاب در قم، پیام تسلیت و ابراز تأثر عمیق این مرجع تقلید را به بازماندگان خصوصاً آقا‌زادگان ابلاغ نمود. این مرجع تقلید برای ایشان حشر با صاحب این ماه حضرت امیر المومنین علیه السلام و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت نمودند.



پیام حضرت آیت‌الله العظمی

شبیری زنجان

بسم الله الرحمن الرحيم



پیام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

امت بزرگ اسلام، حق طلبان جهان و ملت شریف و مقتدر ایران! بار دیگر دست پلیدترین دشمنان قسم خورده انسانیت از آستین کفر بیرون آمد و رهبر فرزانه انقلاب و سکان دار مبارزه با استکبار جهانی را در مسیر نورانی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به فوز شهادت رساند.

رهبری بیدار و شجاع که در تمام دوران حیات خویش در مسیر انقلاب اسلامی، در برابر طوفان حوادث و مشکلات و فشارها به حق مقاومت نمود و به آرزوی دیرین خود رسید و به خیل شهیدان و امام شهیدان پیوست؛ «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ».

اگرچه این ضایعه بسیار سنگین است، اما تاریخ اسلام گواه است که جهاد در راه حق همواره با ایثار خون آبیاری شده و این شهادت‌ها، بهای عزت، استقلال و مقدمه ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) خواهد بود.

در این برهه حساس و سرنوشت ساز، تذکر چند نکته اساسی خطاب به همه مردم عزیز ایران اسلامی و عموم مسلمانان جهان ضروری است:

۱. همواره به یاد داشته باشیم که دست قدرت خدا برتر و بالاتر از همه قدرت‌هاست. در این ابتلائات، مبدا سستی راه یابد؛ چراکه وعده یاری خداوند تخلف ناپذیر است؛ «إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ». همان گونه که قرآن کریم درباره فقدان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم هشدار می‌دهد که (وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ

پیام حضرت آیت الله العظمی سبحانی

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

«إِنَّمَا الْحَيَاةُ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ»

خبر شهادت مظلومانه رهبر جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله خامنه ای قدس سره و نیز کشتار جمعی از هموطنان مظلوم، به ویژه زنان و کودکان بی دفاع، موجی از اندوه و تأثر در میان امت اسلامی، به ویژه ملت شریف ایران، بوجود آورد.

اینجانب این حادثه جانگداز و مولمه را به پیشگاه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، عموم امت اسلامی، به ویژه علمای اعلام و مراجع عظام، و بالأخص خانواده‌های محترم شهدا تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال، برای آنان علو درجات، رحمت واسعه و رضوان الهی مسئلت داریم.

حضرت آیت الله خامنه ای مصداق راستین این کلام بود که «إِنَّمَا الْحَيَاةُ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ»؛ از دوران جوانی تا واپسین لحظات عمر شریف خویش، با قلم و بیان و جان و دل، در راه تبیین تعالیم اسلام و مدیریت حکیمانه کشور تلاش نمود تا روزی که در ماه مبارک رمضان، به فیض عظیم شهادت نائل آمد و مهمان جد بزرگوارش، مولای متقیان امام علی (ع) گردید.

از خداوند متعال مسئلت داریم که خون پاک این مظلومان را بی پاسخ نگذارد و انتقام آنان را از دشمنان خبیث و منحوس و ددمنش بگیرد، و از ملت بزرگ ایران خواهانیم انسجام و وحدت کلمه را حفظ کنند خدای متعال حافظ این کشور و این نظام است. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ



پیام حضرت آیت الله العظمی فیاض

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

خبر شهادت رهبر انقلاب جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله خامنه ای به دست دشمنان اسلام و مسلمین موجب تأثر عمیق اینجانب گردید.

ایشان در این سالهای طولانی رهبر خردمندان و دلسوزی برای ملت ایران و مسلمانان بودند. بنده این ضایعه بزرگ و جانکاه را خدمت ولی عصر ارواحنا فدا و علمای اعلام و مردم شریف ایران و دوستان آن فقید بزرگ تسلیت عرض نموده، برای آن بزرگوار رحمت و غفران الهی و حشر با اجداد طاهرینش و برای همه دوستان و بالخصوص خانواده محترم و آقازادگان مکرمش صبر جمیل و اجر جزیل از خداوند متعال خواهانم.

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

پیام حضرت آیت الله العظمی

نوری همدانی

حضرت آیت الله نوری همدانی به مناسبت شهادت رهبر انقلاب اسلامی ایران پیامی صادر کردند.

به گزارش شفقنا، متن پیام حضرت آیت الله نوری همدانی بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

شهادت رهبر حکیم و شجاع انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله خامنه ای «رضوان الله تعالی علیه» پاداش یک عمر اخلاص و

خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُبِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا، شهادت خادمان دین نیز نباید موجب کمترین تزلزلی در اراده ها شود. این انقلاب شجره طیبه ای است که به شخص قائم نبوده و به فضل الهی و با تمسک به «إن الله مع المتقين»، پرچم این نهضت هرگز بر زمین نخواهد ماند، إن شاء الله.

۳. اکنون هنگام رسالت سنگین مجلس خبرگان رهبری فرا رسیده تا طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بی فوت وقت و با قاطعیت به وظایف خود عمل نماید که تصمیم این مجلس شرعاً و قانوناً فصل الخطاب است.

۴. بر تمامی قوای حکومتی و کارگزاران نظام فرض است که با انگیزه های مضاعف و تدبیری هوشمندانه تر، به تکالیف خود که برای چنین روزی تدبیر شده عمل نموده و امور کشور را پیش برند و اجازه ندهند در زندگی مردم و نظم و آرامش جامعه کمترین خللی ایجاد گردد.

۵. ما در میانه یک جنگ تمام عیار هستیم. نیروهای نظامی و انتظامی مقتدر که مایه دلگرمی مردم هستند، باید با صلابت و بدون کمترین ماماشات، هرگونه توطئه و التهاب آفرینی دشمنان را در نطفه خفه کرده و با تدبیر به مقابله با آنان تا نابودی کامل بپردازند.

۶. رمز پیروزی ما اتحاد است. وظیفه شرعی همه دلسوزان و آحاد ملت، صیانت از یکپارچگی صفوف و مقابله با نفوذ و شایعه پراکنی دشمنان است.

۷. ملت ایران و جهان اسلام، منتقم خون رهبر شهید انقلاب هستند. عاملان اصلی این جنایت، دولت مستکبر آمریکا و رژیم منحوس صهیونی است و این انتقام جویی وظیفه دینی همه مسلمانان جهان است تا شر این جنایتکاران از دنیا برچیده شود.

۸. از دعا و توسل غافل نشویم که ما در سایه امام حی و ناظر خود هستیم و او ما را تنها نخواهد گذاشت. با قلبی مالا مال از حزن اما امیدوار به نصرت الهی، دست تضرع به درگاه الهی برداشته و برای پیروزی حق دعا می کنیم.

در پایان، اینجانب شهادت رهبر بزرگوار انقلاب، همراهان ایشان و عده ای از کودکان و مردم مظلوم و بی گناه کشورمان را به محضر بقية الله الأعظم (ارواحنا فدا) و عموم مسلمانان و آزادیخواهان جهان و به ویژه مردم عزیز ایران تسلیت عرض نموده، برای آن عزیزان علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر جزیل از درگاه احدیت مسألت دارم.

والسلام على عباد الله الصالحين



پیام تسلیت آیت الله العظمی جوادى آملی

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی طی پیامی شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای و شهادت جمعی از فرماندهان را تسلیت گفتند.

متن پیام معظم له بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

شهادت رهبر بزرگوار حضرت آیت الله خامنه‌ای و شهادت جمعی از فرماندهان سانه سنگینی است.

رهبری که عمر پر برکت را در صیانت اسلام، عزت مسلمین و استقلال مملکت صرف کرد. توصیه مهم آن رهبر راحل، حفظ وحدت امت اسلامی، استقلال مملکت و تمامیت ارضی بود.

ارتحال آن قائد عظیم را به امت اسلامی تسلیت، علو درجه معظم له و صبر جمیل امت اسلامی و اجر جزیل خاندان مکرم ایشان را از خدای سبحان مسئلت می‌نماییم.

مجاهدت و بندگی بود که پروردگار متعال او را به آرزوی همیشگی و خواسته مستمر در دعاهايش نائل نمود.



مردی که در دوران نزدیک به چهار دهه رهبری بعد از امام راحل «رحمت الله علیه» همانند همان مقتدای خود هیچگاه برای غیر خدا کاری نکرد و تصمیمی نگرفت و سخنی بر زبان جاری نکرد. در علم و عمل، تقوا و شجاعت ممتاز بود، هیچگاه حتی در هنگامه‌ی خطر خود را از ملت خویش جدا نکرد.

بی‌شک آمریکا جنایتکار و صهیونیست خونخوار به پایان راه خود رسیدند و این بار نیروهای مسلح قدرتمند پاسخ قطعی و فراموش ناشدنی خواهند داد، در این شرایط خاص ملت بزرگ ایران و همه آزادیخواهان با حفظ خشم مقدس خود در مقابل دشمن، توجه داشته باشند حفظ وحدت و همبستگی و پرهیز از هرگونه اختلاف واجب و ضروری است، باید با حضور در صحنه و انسجام همه اقشار مردم دشمن را ناامید کرد.

و ان شاء الله خبرگان ملت نیز به وظیفه تاریخی خود عمل خواهند کرد و دشمن خواهد دانست که مسیر انقلاب با قدرت ادامه خواهد پیدا کرد.

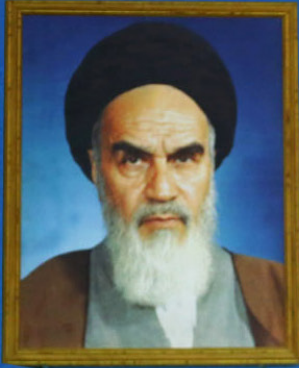
شهادت این رهبر بزرگ جهان اسلام را به پیشگاه حضرت بقیةالله الأعظم «عجل الله تعالی فرجه الشریف» و امت اسلام و همه آزادیخواهان جهان تبریک و تسلیت عرض می‌کنم.

تشییع رهبر شهید؛ فرازی بلند در تاریخ معاصر جهان

■ محمد مهدی ایمانی پور
رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی



ملت سرافراز ایران و مردم آزاده دنیا پس از گذشت چهار ماه، خود را برای برگزاری مراسم تشییع رهبر فقید و شهید خود حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (رضوان الله تعالی علیه) آماده می سازند. در تاریخ ملت‌ها، لحظه‌هایی وجود دارد که فراتر از یک رویداد عادی است؛ لحظه‌هایی که نه تنها زمان حال، بلکه حافظه تاریخی انسان‌ها را نیز شکل می‌دهند. این لحظه‌ها، عموماً بازتابی از عواطف جمعی، دغدغه‌های مشترک و آرمان‌های عمیق یک جامعه است که منجر به شکل‌گیری گفتمانی ماندگار می‌شوند. تشییع پیکر مطهر حضرت امام خامنه ای (رضوان الله تعالی علیه) از این جنس رخدادهاست؛ واقعه‌ای که در ظاهر، مراسمی برای وداع با یک رهبر بزرگ است، اما در حقیقت، آغازی برای بسط اندیشه‌های کمتر شنیده شده و فرصتی برای رویش‌های جدید است. بی‌جهت نیست که گفته می‌شود بسیاری از فرصت‌ها از دل تهدیدها و بسیاری از ظرفیت‌ها بدنبال فقدان‌ها بدست می‌آید.



خلق یک بیداری مجدد جهانی را داراست. این اجتماع گسترده، نه تنها وداع با یک رهبر حکیم و فقید، بلکه گواهی بر زنده بودن ارزش‌هایی است که بارها در گفتار و کردار ایشان دیده و شنیده شده است.

رهبر شهید و فرزانه انقلاب اسلامی ایران پس از رحلت جانگزار بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، هدایت سکان انقلاب اسلامی را در دست گرفتند. در طول ۳۶ سال زعامت ایشان، منظومه گفتمانی مقاومت در منطقه و جهان جان گرفت و ملت‌های آزاده دنیا علایم و نمادهای شکست و استیصال جبهه باطل را به کرات مشاهده نمودند. ریل گذاری ایشان در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، گویای عزم راسخ این امام شهید در هدایت انسان‌های آزاده (از هر قوم و ملیت و مذهبی) به سوی نقطه عطف رهایی از چنگال ستم و ظلم بود.

تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب اسلامی و حماسه بی نظیری که در مراسم وداع شاهد آن خواهیم بود، قطعاً مولد بیداری و مسئولیت پذیری بیشتر در میان دوست داران و پیروان بیشمار ایشان و انتشار میراث فکری، معنوی و تمدنی این شهید راه حقیقت و عزت در سرتاسر جهان خواهد شد. برگزاری مراسم مذکور در ایام محرم الحرام، سالروز شهادت رهبر آزادگان جهان، یکبار دیگر یاد آور پیروزی خون بر شمشیر است و حق بر باطل است.

مراسم تشییع شهید امام خامنه ای (رضوان الله تعالی علیه)، فرصتی بی بدیل برای بازخوانی آرمان‌های ایشان و بازتعریف مسیر آینده خواهد بود. در چنین لحظه‌هایی، نسل‌های جوان

از اینرو مقام معظم رهبری (دام عزه) در سی و هفتمین سالگرد ارتحال امام خمینی ره فرمودند: «اکنون فرصت تازه‌ای برای معرفی عملی و تحقق بخشیدن به مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز شهید به‌عنوان رهبران مظلوم اما مقتدر و البته پیروز انقلاب اسلامی در سراسر جهان فراهم شده است.»

مراسم تشییع شهید امام خامنه ای (رضوان الله تعالی علیه) صرفاً حرکت یک پیکر مطهر در خیابان‌ها و میادین نیست؛ بلکه صحنه‌ای است که در آن، تاریخ و تمدن یک ملت به هم می‌پیوندند و فراز بلندی از تاریخ معاصر جهان را شکل می‌دهد. فرازی که مردمانی از ملیت‌های مختلف و نسل‌های گوناگون، با نگرش‌های متفاوت را کنار هم قرار می‌دهد و پیوندی عمیق میان ملت‌ها می‌سازد. این حضور گسترده و پرمعنا نشان می‌دهد که رهبر شهید انقلاب اسلامی صرفاً یک شخصیت سیاسی یا اجتماعی نیست؛ ایشان حامل یک اندیشه عمیق، یک گفتمان پرمخاطب و یک افق فکری جدید است که در جان پیروان و دلدادگان و شیفتگان حریت و آزادی، ریشه دوانده است.

تشییع رهبر فقید و سعیدی که تا آخرین لحظه عمر بابرکت خویش سر در برابر ظلم و ستم دشمنان فرود نیارود، تجلی بخش قدرت ایمان و معنویت است. در جهانی که «قدرت» اغلب با انباشت ثروت، قدرت‌های سخت و معادلات سیاسی تعریف می‌شود، این مراسم یادآور حقیقتی عمیق‌تر است: حقیقتی که نشان می‌دهد اقتدار معنوی از اقتدار نظامی، اقتصادی و سیاسی بالاتر است و نیروی ایمان و معنویت همچنان قدرت گردآوردن دل‌ها و شکل دادن به حرکت‌های بزرگ انسانی و فراتر از آن،



تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب، نه صرفاً یک مراسم سوگواری، بلکه خاستگاهی برای تجدید عهد با معظم له و خلف صالح ایشان حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای (دام عزه) محسوب می شود. رهبری جوان، حکیم و آگاه که روایتگر و هدایتگر اندیشه های امام شهید در ایران، منطقه و جهان خواهد بود. امام سوم انقلاب اسلامی نیز به مانند پدر دور اندیش و بزرگمرد خویش، دارای این دغدغه هستند که چگونه جهانی عادلانه تر، انسانی تر و سرشار از معنویت بسازند؛ جهانی که آرمان های بزرگی که رهبر شهید آن را نمایندگی می کردند در آن زنده بماند.

در نهایت، مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی، رویدادی تاریخی خواهد بود که در آن یک ملت مبعوث شده نشان می دهد آموزه ها و ارزش های به جا مانده از رهبرش، تا چه اندازه در جان مردم ریشه دارد. و همین ریشه های عمیق است که می تواند زمینه ساز حرکت های تازه، اندیشه های نو و شکل گیری افق های تمدنی جدید شود. از دل چنین لحظه هایی است که تاریخ مسیرهای تازه ای می گشاید. سوگ، به آگاهی بدل می شود؛ پاسداشت، به مسئولیت؛ و خاطره، به انگیزه ای برای ساختن آینده. این مراسم عظیم، آغازی برای تداوم یک راه است؛ راهی که در اذهان، دل ها و حرکت های آینده بشر ادامه می یابد. انشالله.

با پرسشی جدی روبه رو می شوند: چگونه می توان راهی را که یک رهبر تحول گرا و آینده ساز آغاز کرده، ادامه داد؟ پاسخ به این پرسش، به تدریج به شکل گیری جریان های جدید فکری و فرهنگی می انجامد. اندیشه ها شکوفا می شوند، گفتمان ها توسعه می یابند و افق های تازه ای پیش روی جامعه گشوده می شود. رهبر فقید انقلاب اسلامی بارها جوانان ملتهای جهان، از جمله جوانان آمریکایی و اروپایی را مخاطب خویش قرار داده و الگوی گذار به نظم نوین، معنوی و سلطه ستیز را برای آنها ترسیم فرموده اند. اکنون زمان عمل به این نقشه راه فرا رسیده است. هنگامی که انسانها از فرهنگ ها و زبان های گوناگون، حول محور یک شخصیت معنوی گرد هم می آیند، پیام این حضور فراتر از مرزهای جغرافیایی شنیده می شود. جهان درمی یابد که در پس این اجتماع عظیم، نوعی معنای خاص نهفته است که نمی توان آن را صرفاً با معیارهای رایج قدرت توضیح داد. این همان جایی است که یک مراسم سوگواری، به یک پیام تمدنی تبدیل می شود. پیام چنین رویدادی آن است که اندیشه های ریشه دار حضرت امام خامنه ای (رضوان الله تعالی علیه) زنده خواهند ماند و به نقشه راه ترسیم نظم جدید جهانی و تمدن نوین اسلامی مبدل خواهد شد. در این میان، دانشگاه ها، مراکز فرهنگی، نهادهای اجتماعی و حتی کنشگران مردمی، هر یک می توانند بستری برای ادامه و توسعه آن اندیشه باشند.



به مناسبت تشییع شهید امام سید علی خامنه‌ای



■ مقاله دکتر علی عباسی

رئیس جامعه المصطفی و عضو شورای عالی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

رویکرد ما از ابتدا روشن و ثابت بوده است: ما طرفدار صلح و امنیت هستیم، به گفت‌وگو و تفاهم باور داریم و در پی ایجاد پل‌های همکاری میان ملت‌ها و کشورها بر پایه احترام متقابل، عدالت و برابری هستیم. هیچ‌گاه در پی سلطه بر دیگران نبوده‌ایم، به سرزمین دیگران چشم طمع نداشته‌ایم و نخواسته‌ایم اراده خود را با زور بر کسی تحمیل کنیم. خواسته ما تنها زندگی با عزت و آزادی و مشارکت در ساختن جهانی عادلانه‌تر و آرام‌تر بوده است.

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی مبارک به رهبری امام خمینی (قدس سره) تا امروز، جمهوری اسلامی ایران هرگز آغازگر هیچ جنگ یا تجاوزی نبوده و هیچ‌گاه نقش طرف مهاجم یا آغازکننده حمله علیه دیگران را نداشته است. برعکس، همواره کوشیده‌ایم در مسیر دستیابی به صلح واقعی، امنیت پایدار و ثبات همه‌جانبه گام برداریم؛ نه فقط برای کشور عزیزمان، بلکه برای سراسر منطقه و همه جهان.





هیچ شرایطی از آن‌ها عقب‌نشینی نمی‌کنیم.

ملت سرافراز ما هرگز در برابر ستمگران سرفرود نمی‌آورد، حتی اگر این راه به فدا کردن جان بینجامد. این همان مسیری بود که رهبر شهید ما، سید امام خامنه‌ای، در آن گام برمی‌داشت. ایشان حتی لحظه‌ای از اصول انسانی و اسلامی خود عقب‌نشینی نکرد و در راه مبارزه با ظلم و طغیان و برای اعتلای کلمه حق استوار ماند.

امام شهید همواره و خستگی‌ناپذیر در جست‌وجوی سعادت و خیر انسان‌ها بود؛ فارغ از مرزها و تفاوت‌ها و با نگاهی فراگیر به همه مذاهب، اقوام و باورها، بدون هیچ‌گونه تبعیض و تفاوت‌گذاری.

اما این اصل والا و رویکرد صلح‌طلبانه هرگز مانع نشده و نخواهد شد که در برابر هرگونه تجاوز یا حمله به کشور عزیزمان، حاکمیت ملی ما، دین و مقدساتمان، یا دوستان و هم‌پیمانانمان در منطقه و جهان، با قاطعیت و قدرت پاسخ دهیم. دفاع از خود حقی مشروع و مقدس است و صلح به معنای تسلیم شدن، ضعف یا پذیرش ظلم و تجاوز نیست.

ما مردمی صلح‌دوست هستیم، اما در عین حال ذلت و خواری را نمی‌پذیریم. هرگاه ضرورت ایجاد کند، در دفاع از خود، حقوق و کرامت خویش تردید نخواهیم کرد. این توازن ماست: صلح همراه با قدرت، حکمت همراه با شجاعت و پابندی به اصولی که در

او همه توان، امکانات و وقت خود را برای تحقق رفاه، آسایش و سعادت بشریت به کار می‌گرفت.

وی اعتقاد راسخی داشت که سعادت حقیقی و آزادی کامل انسان تنها با رهایی از سلطه حاکمان ستمگر و آزاد شدن از بندهای استبداد و طغیان امکان‌پذیر است؛ زیرا انسان در زنجیر ظلم و استثمار نمی‌تواند زندگی شرافتمندانه‌ای داشته باشد و استعدادها و آرمان‌های خود را شکوفا کند.

از همین رو بر این باور بود که امت اسلامی وظیفه‌ای مقدس و مسئولیتی تاریخی دارد تا با شجاعت و استواری در برابر مستکبران و ستمگران بایستد و برای دستیابی به آزادی، کرامت انسانی و استقلال کامل، متحد و هم‌صدا شود. ملتی که ذلت را بپذیرد، پیشرفت نخواهد کرد و مردمی که در برابر ظلم تسلیم شوند، قادر به ساختن آینده‌ای درخشان نخواهند بود.

جست‌وجوی آزادی و استقلال واقعی در عرصه‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز از مهم‌ترین اولویت‌های رهبر شهید بود. او باور داشت که استقلال حقیقی با شعار به دست نمی‌آید، بلکه حاصل تلاش، سازندگی و کار جدی در همه حوزه‌های حیاتی است.

از این رو دانشمندان و پژوهشگران را به کسب علم و دانش، نوآوری و خلاقیت و ارتقای توانمندی‌های خود برای خدمت به جامعه تشویق می‌کرد. همچنین جوانان را همواره به تلاش، پشتکار و بهره‌گیری از ظرفیت‌هایشان برای ساختن آینده‌ای بهتر فرا می‌خواند و آنان را از ناامیدی و وابستگی به دیگران برحذر می‌داشت. او جوانان را سرمایه و امید امت و دانشمندان را چراغ راه پیشرفت و هدایت می‌دانست.

رهبر شهید حقیقتاً پدری مهربان و دلسوز برای این امت بود؛ با قلبی سرشار از محبت و رحمت، فرزندان این ملت را در آغوش می‌گرفت و برای تحقق آرزوها و خواسته‌های آنان در مسیر زندگی شرافتمندانه و آزاد تلاش می‌کرد. او تنها یک رهبر یا مرشد نبود، بلکه پدری معنوی بود که دردها و شادی‌های مردم را احساس می‌کرد و مصلحت و آینده آنان را بر هر چیز دیگری مقدم می‌دانست.

او مصداق زنده این آیه شریفه بود: «از میان مؤمنان، مردانی هستند که بر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستادند؛ برخی به عهد خود وفا کردند و به شهادت رسیدند و برخی در انتظارند، و هرگز پیمان خود را تغییر ندادند.»

او در تمام لحظات زندگی پربرت خود، نمونه صداقت با خدا و وفاداری به عهد الهی بود؛ بر اصول و ارزش‌های خود استوار ماند و سختی‌ها و حوادث هرگز او را از مسیر حق باز نداشت. عمر شریف خویش را در انتظار صبورانه یاری خداوند سپری کرد؛ انتظاری فعال و همراه با تلاش و مجاهدت، نه انفعالی و منفعلانه. او بذره‌های خیر و نیکی را می‌کاشت و با امید و صبر پرورش می‌داد و به وعده الهی و نصرت خداوند یقین داشت.

اما اراده و حکمت الهی بر آن قرار گرفت که زندگی پربرت او با بهترین سرانجامی که هر مؤمن راستین آرزو می‌کند، یعنی شهادت در راه خدا، به پایان برسد. بدین‌سان به عالی‌ترین درجات و والاترین مقام‌ها دست یافت و به آرزوی دیرینه خود، یعنی دیدار پروردگار در مقام شهادت، ناآل شد. شهادت او نقطه اوج عمر سراسر جهاد، مبارزه و خدمت بود و گواهی بر صداقت نیت، اخلاص عمل و وفاداری او به پیمان الهی به شمار می‌رفت.



ویژگی های بارز رهبر شهید
انقلاب اسلامی، از زبان رهبر
معظم انقلاب اسلامی،

حضرت آیت الله سید مجتبی
حسینی خامنه ای (دام ظلّه)

اولین پیام حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای (دام ظلّه)

حق آن را در حال تلاوت قرآن کریم در صبحگاه روز دهم
رمضان المبارک به شما اعطا فرمودند.

● مجاهدت و گذشتن از راحتی های گذرای دنیا

این کرسی سابقه‌ی جلوس کسی را دارا است که بعد از
بیش از شصت سال مجاهدت در راه خدا و گذشتن از
انواع لذایذ و راحتی‌ها، به گوهری تابناک و چهره‌ای ممتاز،
نه فقط در عصر حاضر، بلکه در طول تاریخ حکمرانان این
کشور بدل شده است.

● تکیه به حق

هم حیات و هم نوع مرگ او عجین با شکوه و عزّتی ناشی
از تکیه به حق بود.

● ایستادگی در برابر خصم تا آخرین لحظه از عمر

من این توفیق را داشتم که پیکر ایشان را بعد از شهادت
زیارت کنم؛ آنچه دیدم کوهی از صلابت بود؛ و شنیدم که
مشت دست سالمش را گره کرده بود.

● وارد کردن مردم در همه عرصه ها و تحقّق مفهوم جمهوریت

از جمله هنرهای رهبر شهید و سلف کبیر ایشان، وارد
کردن مردم در همه‌ی عرصه‌ها و بصیرت و آگاهی دادن
مستمر به ایشان، و در مقام عمل تکیه بر نیروی آنان
بود. ایشان این‌طور معنای حقیقی جمهور و جمهوریت را
فعلیّت بخشیدند و از عمق جان هم به آن معتقد بودند.
اثر واضح این مطلب در این چند روزی که کشور بدون
رهبر و بدون فرمانده کلّ قوا بود، دیده شد.

● شهادت طلبی

شما همیشه مشتاق این عاقبت بودید تا بالاخره حضرت

● صبر و حلم در برابر توهین ها و هتک حرمت ها

مظلومیتهای زیادی را مقتدرانه و با حلم تحمّل کردید و
خم به ابرو نیاوردید.

● توجّه و اهمّیت فراوان به پیشرفت ملت ایران و همه ملت های جبهه مقاومت

امیدواریم از قِبَل مقام قربی که در جوار انوار طّیبه و
صدّیقین و شهدا و اولیا برایتان فراهم گشته، باز هم
به فکر پیشرفت این ملت و همه‌ی ملت‌های جبهه‌ی
مقاومت بوده باشید و برای آن وساطت نمایید؛ همچنان
که در حیات دنیوی خود چنین بودید.

پیام حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای به مناسبت فرارسیدن سال ۱۴۰۵

● توجّه مستمر به موضوع اقتصاد

رهبر شهیدمان اعلی‌الله مقامه در سالهای مختلفی محور
اصلی و شعار سال را متوجه امر اقتصاد کرده بودند.

● دلسوزی و اهمّیت قائل شدن برای شرایط همسایگان هم کیش

بنده از دیرباز در مورد پاکستان میدانستم که کشوری
است که مورد علاقه خاص رهبر شهیدمان بود که
نمونه‌اش در بغض گلوی ایشان در خطبه‌های نماز بخاطر
سیل ویرانگری که جان مردم هم‌کیش ما را در آنجا
تهدید می‌کرد ظاهر شد.

پاسخ رهبر انقلاب به پیام تسلیت و بیعت شیخ نعیم قاسم دبیرکل حزب الله لبنان

● استقامت، ایستادگی، صبر و مقاومت مستمر در برابر
سرسخت ترین دشمنان جهان اسلام

بی هیچ تردیدی، استقامت، ایستادگی و صبر در برابر
سرسخت ترین دشمنان جهان اسلام یعنی آمریکا و
نیروی نیابتی آن در منطقه - رژیم سفاک صهیونیستی -
از برجسته ترین ویژگی های امام قائد شهید بود. این
مقاومت و پایداری در طول سالیان متمادی رهبری
آن قائد عظیم تداوم یافت و تقدیم شهدای گرانقدری
همچون حاج قاسم سلیمانی و دیگر فرماندهان ارشد
سپاه پاسداران و ارتش، بزرگترین گواه بر درستی این
مسیر است.

● حمایت از جبهه مقاومت در برابر خصم صهیونیستی -
آمریکایی

بار دیگر مؤکداً اعلام می دارم که سیاست ثابت جمهوری
اسلامی ایران، در تداوم راه امام راحل و قائد شهید، بر
استمرار حمایت از مقاومت در برابر دشمن صهیونیستی -
آمریکایی استوار است.

پیام حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی
خامنه ای به مناسبت چهلمین روز شهادت قائد
عظیم الشأن انقلاب (قدس الله نفسه الزکیه)
و مسائل مهم مربوط به جنگ تحمیلی سوم

● فقاہت، زمان شناسی، بصیرت، مجاهدت، عمل به علم،
عبودیت مخلصانه، ایمان به وعده های الهی
همه میدانند که قائد شهید ما، فقیهی زمان شناس و

بصیر، مجاهدی خستگی ناپذیر و چون کوه استوار و
محکم، عالمی عامل و ربانی، اهل ذکر و تهجد و تضرع
به درگاه ربوبی و توسل به ذوات مقدسه معصومین
صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین، و از عمق جان،
مؤمن به وعده های الهی بودند.

● ایران دوستی و توجه به مردم به عنوان عنصر اصلی انقلاب
از خصوصیات دیگر ایشان ایران دوستی و تلاش مستمر
برای استقلال هرچه بیشتر ایران عزیز بود که در کنار
آن بر وحدت کلمه و انسجام ملی تأکید داشتند. ایشان
عمری را در تلاش برای برپائی نظام اسلامی و قوام و
بقاء آن طی کردند و در عین حال جمهوری اسلامی بدون
مردم از نظر ایشان بی معنا می نمود.

● ظرافت در اندیشه و نگرش به امور
در عین اقتدار و صلابت، بهره وافی از ظرافت در اندیشه
و نگرش به امور داشتند.

● توجه به جوانان و پیشرفت علمی کشور
به ظرفیتهای کشور خصوصاً جوانان توجه ویژه ای مبذول
میکردند. به علم و فناوری و پیشرفت در سایه آن اهمیت
میدادند.

● ارادت به خانواده شهدا و ایثارگران
برای خانواده معظم شهدا و جانبازان و ایثارگران عزیز ارج
خاصی قائل بودند.

● هنر شناسی و هنر پروری
این روزها در بعضی از رسانه ها مکرراً صحبت از هنر و
هنر شناسی و هنر پروری ایشان به میان می آید. این
عنصر در عین اینکه به تنهایی میتواند ارزش زیادی را





بلید برقا

بخصوص در سالهای ابتدائی دوران زعامت و رهبری خود با نظر به افقهای دور دست، به آن اقدام کردند.

● هنر قدرتمند سازی ساختار نظامی کشور

هنر دیگر ایشان اقدام به قدرتمندسازی ساختار نظامی کشور بود که ملت ایران در دو جنگ تحمیلی اخیر از آثار مثبت آن مطلع و بهره‌مند شدند.

● هنر ابداع و ابتکار در زمینه های مختلف

همچنین قدرت ابداع و ابتکار در ابعاد مختلف اعم از علمی و راهبردی و سیاستگذاری، از دیگر هنرهای ایشان بود که شمه‌ای از آن در تدوین سیاستهای کلی نظام منعکس می‌باشد.

برای شخصیت یک نفر ایجاد کند و مسلماً در رهبر عزیزمان به معنی واقعی و در حد عالی وجود داشت، در مقایسه با سایر عناصر وجودی و امتیازات ایشان، کوچک به نظر می‌آید. بنده بشخصه از ایشان هنرهای متعددی را سراغ دارم.

● هنر تربیت و پرورش اجتماع

یک هنر بزرگ ایشان که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، هنر تربیت و پرورش اجتماع از طریق ساخت افکار و روحیات و عواطف توده‌های عظیم مردم و گروههای اجتماعی بود.

● هنر نهاد سازی های هدفمند

هنر دیگر ایشان نهادسازی‌های هدفمندی بود که



● قدرت خلق معانی بدیع و گفتمان عمومی

و نیز قدرت خلق معانی از طریق ساخت به‌هنگام واژگان و ترکیبهای بدیعی که هریک انبوهی از معانی را خلق و حمل میکرد و از آن، گفتمان عمومی عمل می‌آمد.

علیهم اجمعین نداشت. شاید بتوان آنچه این عنایات و توجهات را به سمت آن بزرگوار جلب کرد را در تلاش و مجاهدت بی‌وقفه و خالصانه او در راه اعلاء کلمه‌ی حق، خلاصه کرد.

● هنرپیش بینی حوادث دوردست

و از جمله، هنری که در اثر صیقل خوردن روح بلند ایشان در شداید و امتحانات و ابتلائات و به‌خاطر صبر و استقامت در مسیر حق حاصل شده بود، هنر پیش‌بینی حوادث دوردست بود که اَلْمُؤْمِنُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ.

● برخورداری از روحیه مبارزه با طاغوت و فداکاری و ایثار

در راه خدمت مخلصانه به پدر بزرگوارشان اما به‌طور ویژه غیر از سختی‌های مبارزه با دستگاه خائن حکومت پهلوی، ایشان از یک فرصت خاص دیگر در مسیر انجام وظیفه، بهره زیادی بردند که عموم مردم معمولاً از آن اطلاع ندارند. این‌طور تقدیر شده بود که سید جوان بشدت جویای علم و البته طالب عمل، در وقتی که پدر بزرگوارش در معرض نایبائی قرار داشت، پس از سالیانی زانو زدن در محضر اساتید عالی‌مقام، همه زمینه‌های

● تلاش و مجاهدت بی‌وقفه در راه اعلاء کلمه حق

همه این هنرها و مزیتها منشائی جز عنایات خاصه الهی و توجه خاص سرورمان و آباء طاهرین ایشان صلوات‌الله



دستگاه ساواک او را خمینی خراسان خوانده بود.

● **قرار گرفتن به عنوان الگوی مقاومت، ایستادگی و اعتقاد به عقیده ای مشترک برای مردم**

بنای بر تأسی به افعال خاصی از آن جناب کم کم فراگیر میشود؛ از جمله مردم عزیزمان از مشت گره کرده آن جناب در حین شهادت درسها آموختند و اکنون همین

ظاهری پیشرفت علمی و آینده ساز در قم را رها کرده و با اعتماد به فضل الهی، خود را وقف پدر نماید. تفضل الهی در پی این ایشار این گونه ظاهر شد که ناگهان سیدعلی خامنه ای در سنین قبل از سی سالگی مانند خورشیدی از خراسان سر برآورد و بزودی یکی از ارکان فکری و مبارزاتی قلمداد شد و همزمان در علوم متداول هم پیشرفتهای قابل توجهی نمود؛ به طوری که در سالهای دهه پنجاه،

پیام رهبر انقلاب به مناسبت روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت فردوسی

● **توجه به مفهوم زبان و ادب فارسی در مقام عاملی تمدن ساز**

زبان و ادب فارسی یکی از بزرگترین ظرفیتها برای ترویج فرهنگ و تمدن غنی ایران اسلامی در گستره‌ی جهانی است؛ و توصیه‌ی رهبر حکیم و شهیدمان اعلی‌الله مقامه‌الشریف به قدرتمند شدن زبان فارسی، چراغ راه اقتدار «تمدن ایرانی-اسلامی» می‌باشد.

پاسخ رهبر انقلاب به نامه جمعی از فعالان مردمی حوزه جمعیت

● **توجه به مسئله جمعیت و لزوم افزایش آن**
این امر یکی از مهمترین دغدغه‌های رهبر عظیم‌الشأن شهیدمان اعلی‌الله مقامه‌الشریف بوده است که در بسیاری از جلسات، مراودات، و دیدارهای عمومی و اختصاصی بر آن تأکید داشتند و همچنان از مهمترین مسائل راهبردی نظام قلمداد میشود.

پیام رهبر انقلاب به مناسبت دومین سالگرد شهادت شهید رئیسی و بزرگداشت شهدای خدمت

● **تربیت شهیدان و اشخاص برجسته ملی**
از مطهری و بهشتی و رجائی و باهنر، تا رئیسی و آل‌هاشم و امیرعبداللہیان و لاریجانی، صدها شخصیت برجسته و تربیت‌یافته‌ی مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز اعلی‌الله مقامهماالشریف که دفتر خدمت خالصانه

مشت‌گره‌کرده برای بعضی نوعی نماد مشترک از عقیده شده است. این‌گونه است که بار دیگر ثابت میشود که تأثیر شهید بیش از فرد حاضر است و صدای رسای او در دعوت به توحید و حق‌طلبی و مبارزه با ظلم و تباهی، پرطنین‌تر و پیامش نافذتر از دوره حیات او بوده

اطلاعیه دفتر رهبر معظم انقلاب درباره تماس‌های مکرر برخی اқشار مردم

احساس محبت و مودت نسبت به تمام مردم ایران و صبر و حلم در برابر توهین‌های برخاسته از تبلیغات دروغین دشمن با توجه به پاسخ مکرر ایشان به موارد مشابه در زمان حیات پربرکت خود که بارها فرمودند: همه ملت ایران فرزندان من هستند و من دعاگوی آنها هستم و چنین عزیزانی را هم بخشیده و حلال کرده و خواهم کرد، اعلام می‌داریم که همه این عزیزان آسوده خاطر باشند که مورد بخشش آن دل‌مهربان که همچون اقیانوس همه مردم را در خود گنجانده بود، هستند.

پیام فرمانده کل قوا به مناسبت ۲۹ فروردین ماه، خجسته زادروز ارتش جمهوری اسلامی ایران

● **ممارست و تلاش برای حفظ و ارتقا قدرت ارتش در جهات مختلف**

از سوئی دیگر بیست و نهم فروردین ماه سالروز تولد یگانه‌ی دوران، رهبر عظیم‌الشأن شهیدمان هم هست؛ کسی که بیشترین تلاش را از دهه‌ی اول انقلاب برای حفظ ارتش در مقابل نغمه‌های شوم انحلال آن و سپس برای ارتقاء توانمندیهای آن در جهات مختلف به‌عمل آورد.

و مجاهدانه‌ی مسئولان جمهوری اسلامی را با امضاء
خونین خود مزین کردند.

**پیام رهبر انقلاب به مناسبت عید غدیر و
سی و هفتمین سالگرد ارتحال حضرت امام
خمینی (ره) و سالگرد آغاز رهبری حضرت
آیت الله شهید سیدعلی خامنه‌ای**

● سخنوری حکیمانه و هدایت‌گری مسیر آینده ایران
اولین ۱۴ خرداد است که پدر مهربان امت، مرید و
یار وفادار و برجسته‌ی مکتب امام، رهبر عظیم‌الشأن
شهید انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی سیدعلی
خامنه‌ای اعلی الله مقامه الشریف میهمان ضیافت الهی
شده و طنین صدای پیر صلابت و کلام حکیمانه و نافذش
در مرقد مطهر امام شنیده نمی‌شود. اما مجموعه‌ی



عظیم‌الشان شهید و با هدایت مستقیم یا غیرمستقیم ایشان صورت گرفته است؟

● احیا استعداد و آمادگی وجودی ملت ایران در حفظ و پاسداشت ارزش‌های ایرانی-اسلامی و خونخواهی شهیدان کدام نیروی عظیم می‌توانست ملت خواب‌زده و مسحور استکبار و استعمار را در شرایطی که انسداد و خفقان و وابستگی همه‌جانبه به غرب حاکم بود، در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ بیدار کند؟ کدام قدرت جاذبه می‌توانست

بیانات و مکتوبات ده ساله‌ی بنیانگذار جمهوری اسلامی و سی‌وشش ساله‌ی رهبر عظیم‌الشان شهید، گنجینه‌ی ارزشمند و بی‌بدیلی برای همه‌ی ما و چراغ راه مسیر آینده است.

● هدایتگری و برانگیختن ملت ایران در تحقق بخشیدن به حرکت‌های فراگیر

مگر نه این است که مهمترین حرکت‌های فراگیر و برانگیختگی ملت ایران، در دوران خمینی کبیر و خامنه‌ای





میلیونها نفر را در دوازدهم بهمن ۱۳۵۷ برای استقبال و در چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ برای بدرقه‌ی امام امت به خیابانها بکشاند؟ و در آخرین نمونه‌ی شگفت‌انگیز، کدام نیروی مستحکم و اراده‌ی پولادین بود که از سحرگاه دهم اسفند ۱۴۰۴ ملت ایران را آن‌چنان مبعوث کرد و به میدان آورد که با انگیزه‌ای والا با گذشت بیش از سه ماه کماکان پرحرارت به خونخواهی رهبر شهید خود و سایر شهیدان به خون خفته و به پاسداشت حریم نظام اسلامی و وطن عزیزشان در میدان حاضر هستند و صفوف چند ده میلیونی جان‌فدایان را برای تحقق آرمان رهبر شهید و اقامه‌ی حق و قیام لله مستحکم کرده‌اند؟ آری این خمینی کبیر و خامنه‌ای عظیم‌الشأن شهید بودند که این استعداد و آمادگی را در ملت عزیز ایران کشف و احیاء نمودند و همواره به آن ارج ویژه‌ای می‌نهادند.

● قدم گذاشتن در مسیر صحیح امام خمینی (ره)، جوانگرایی و تعمیق بینش مردم

صد البته نمونه‌ی دیگر این قسم تأثیر، از آن خود خامنه‌ای عزیز است که قدم در مسیر سلف صالح خود گذاشت و قریب به چهار دهه رهبری انقلاب و نظام اسلامی، با اعتماد به جوانان و تعمیق و ارتقاء سطح بینش و نگرش مردم، جامعه را به چنان سطحی از آمادگی رساند که پس از واقعه‌ی عظیم شهادتش، نصابی تازه از بعثت ملت ایران شکل گرفت.



● نظام سازی و جامعه پردازی در راه تعمیق و گسترش آرمان های امام راحل (ره)

امام رحمة الله علیه پدیدآورنده ی تحولی بزرگ و تاریخی در سطح ایران، امت اسلامی و جهان می باشد که رهبر شهید اعلی الله مقامه الشریف به تعمیق و گسترش و استمرار آن پرداخته و برای تکامل و تحقق آن، نظام سازی و جامعه پردازی نمود. در همین راستا حضرت ایشان علاوه بر زنده نگهداشتن مکتب امام در کلام و قلم و عمل و در دیدارهای گوناگون خود، چهاردهم خرداد را به فرصت میثاق سالیانه ی ملت با امام خمینی تبدیل کرده و منظومه ای از اصول، سیاستها و خطوط مکتب امام را تشریح و تبیین می فرمود.

● احیای روحیه خودباوری در ایرانیان

از جمله بعضی آموزه های احیاناً تکرار شونده ی آن، این بود که ملت ایران، ملّتی مؤمن، باهوش و شجاع است؛ و اینکه مردم، صاحبان اصلی کشور و منشأ قدرت آن هستند؛ و اینکه این مردم هر تحول صحیحی را که دنبال کنند میتوانند رقم زنند و شعار «ما می توانیم» را در عرصه های مختلف عینیت بخشند.

● احیای روحیه ظلم ستیزی و حمایت از مظلوم و تبیین دشمنی بنیادین آمریکا با ملت ایران

از دیگر آن آموزه ها، لزوم حمایت از مظلوم به عنوان وظیفه ی اسلامی، انسانی و ایرانی است. و اینکه نظام سلطه و در رأس آن آمریکا با این ملت و هویت ممتاز، و تسلیم ناپذیریش مشکل دارد.

نظرات امام خمینی (ره)

در مورد رهبر شهید (ره)

در جلسه‌ای با حضور سران سه قوه، آقای نخست‌وزیر (موسوی) و حاج احمد آقا در محضر امام بحث شد. حرف ما با حضرت امام این بود که اگر خدای ناکرده برای جنابعالی اتفاقی بیفتد، ممکن است خلاء رهبری پیش بیاید. ایشان گفتند: «خلاء

نقل قول از مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: «امام خمینی (ره) در یک جلسه عمومی و یک بار نیز در یک جلسه خصوصی به بنده فرمودند که آقای خامنه‌ای بهترین فرد برای رهبری انقلاب اسلامی است.»



کرد: «حضرت امام بارها از جناب عالی به عنوان مجتهدی مسلم و بهترین فرد برای رهبری نام بردند. انتخاب شایسته و بسیار خدایسندانه حضرت عالی، باعث شادی تمام دوستداران اسلام و انقلاب اسلامی در جهان گردید. حضرت عالی از چهره‌های درخشان انقلاب اسلامی ایران بوده و همواره مورد تایید و تکریم امام عزیزمان بوده‌اید.» خانم زهرا مصطفوی دختر امام (ره) هم گفته بود: «من شخصا از محضر امام درباره رهبری (بعد از ایشان) پرسیدم و ایشان از آیت‌الله خامنه‌ای نام بردند و پرسیدم که آیا شرط مرجعیت و اعلیت در رهبری لازم نیست و ایشان نفی کردند و از مراتب علمی ایشان پرسیدم و صریحا فرمودند که ایشان اجتهادی را که برای ولی فقیه لازم است، دارد.»

بخشی از نامه امام خمینی (ره) به رهبر شهید انقلاب بعد از ترور نافرجام ایشان در سال ۱۳۶۰

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید علی خامنه‌ای - دامت افاضاته.

خداوند متعال را شکر که دشمنان اسلام را از گروهها و اشخاص احمق قرار داده است، و خداوند را شکر که از ابتدای انقلاب شکوهمند اسلامی هر نقشه که کشیدند و هر توطئه که چیدند و هر سخنانی که کردند ملت فداکار را منسجم‌تر و پیوندها را مستحکم‌تر.

اکنون دشمنان انقلاب با سوءقصد به شما که از سلاله رسول اکرم و خاندان حسین بن علی هستید و جرمی جز خدمت به اسلام و کشور اسلامی ندارید و سربازی فداکار در جبهه جنگ و معلمی آموزنده در محراب و خطیبی توانا در جمعه و جماعات و راهنمایی دلسوز در صحنه انقلاب می‌باشید، میزان تفکر سیاسی خود و طرفداری از خلق و مخالفت با ستمگران را به ثبت رسانند.

اینان با سوءقصد به شما عواطف میلیونها انسان متعهد را در سراسر کشور بلکه جهان جریحه‌دار نمودند. من به شما خامنه‌ای عزیز، تبریک می‌گویم که در جبهه‌های نبرد با لباس سربازی و در پشت جبهه با لباس روحانی به این ملت مظلوم خدمت نموده، و از خداوند تعالی سلامت شما را برای ادامه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم.

رهبری پیش نمی‌آید و شما آدم دارید.» گفتیم: «چه کسی؟» ایشان در حضور آقای خامنه‌ای گفتند: «همین آقای خامنه‌ای»

بنیانگذار انقلاب اسلامی در دوران حیاتش بارها او (شهید آیت الله خامنه‌ای) را مورد تایید قرار داده بودند و از او به عنوان بازوی توانای جمهوری اسلامی و خورشید روشنی‌بخش آن یاد می‌کرد و می‌گفت: «اینجانب که از سال‌ها قبل از انقلاب با جناب عالی ارتباط نزدیک داشته‌ام و همان ارتباط ... بحمدالله تا کنون باقی است، جناب عالی را یکی از بازوهای توانای جمهوری اسلامی می‌دانم و شما را چون برادری که آشنای به مسائل فقهی و متعهد به آن هستید و از مبانی فقهی مربوط به ولایت مطلقه فقیه جدا جانبداری می‌کنید، می‌دانم و در بین دوستان و متعهدان به اسلام و مبانی اسلامی از جمله افراد نادری هستید که چون خورشید روشنی می‌دهید.»

امام خمینی (ره) در بخش دیگری از سخنان خود که پیش از تنفیذ حکم ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای انجام شده بود، عنوان کرده بودند: «خداوند متعال بر ما منت نهاد که افکار عمومی را برای انتخاب رئیس‌جمهوری متعهد و مبارز در خط مستقیم اسلام و عالم به دین و سیاست هدایت فرمود. من به شما، خامنه‌ای عزیز، تبریک می‌گویم که در جبهه‌های نبرد با لباس سربازی و در پشت جبهه با لباس روحانی به ملت مظلوم خدمت نموده و از خداوند تعالی، سلامت شما را برای ادامه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم. ایشان ... به حکم قرآن کریم، اشداء علی الکفار و رحماء بینهم بوده‌اند.»

حجت‌الاسلام مرحوم حاج سید احمد خمینی نقل می‌کند: «وقتی که آیت‌الله خامنه‌ای در سفر کره (شمالی) بودند، امام گزارش‌های آن سفر را از تلویزیون می‌دیدند. از آن منظره دیدار از «کره»، استقبال مردم و سخنانی‌ها و مذاکرات در آن سفر خیلی جالب بود و امام گفته بودند الحق ایشان شایستگی رهبری را دارند.»

فرزند امام همچنین خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای عنوان

تا آخرین نفس...



شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴ هجری شمسی مطابق با ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ میلادی. حمله‌ای توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی در میانه ماه رمضان امام خامنه‌ای را به شهادت می‌رساند؛ در حالی که او، بر خلاف برخی از شاهان و رهبران که در حال فرار یا ذیلانه کشته شده‌اند، ایستاده در میدان و در حال انجام وظیفه بود؛ نه در پناهگاه، نه دور از صحنه. بر خلاف آن چیزی که رسانه‌های غربی به تصویر می‌کشیدند که «او در پناهگاه مخفی شده». این اولین تحریف آنها نبود. برای سال‌ها رسانه‌های غربی تلاش کردند تا چهره‌ای مخدوش از او به نمایش بگذارند، اما او واقعاً که بود؟

به همین دلیل، حمایت امام خامنه‌ای از فلسطین تنها یک موضع سیاسی نبود؛ بلکه نشانه‌ای بود از ایستادن در سمت درست تاریخ.

اما برای فهم این روحیه، باید به نقطه شروع برگشت. سید علی حسینی خامنه‌ای، فرزند مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید جواد حسینی خامنه‌ای، از علما و مجتهدان عصر خود، در ۱۹ آوریل ۱۹۳۹ در مشهد مقدس چشم به جهان گشود. او دومین پسر خانواده بود. زندگی سید جواد خامنه‌ای، مانند بسیاری از روحانیون و مدرسان علوم دینی، بسیار ساده می‌گذشت. و این سادگی، از همان آغاز، او را با سختی آشنا کرد و روحیه‌ای سخت‌کوش و مقاوم در وجودش ساخت. از ابتدای کودکی و پس از پایان دبستان، وارد دنیای طلبگی شد؛ مسیری که از همان ابتدا با نظم، مطالعه و انضباط فکری همراه است.

با گذر به جوانی، او خود را در میانه مبارزه‌ای یافت که قرار بود نظم سیاسی ایران را دگرگون کند. این روحانی جوان، خیلی زود به یکی از هسته‌های فعال مبارزه علیه رژیم پهلوی بدل شد؛ در فضایی که تعقیب و فشار، جزء روزمرگی مبارزان بود و انتقال پیام نهضت، هزینه داشت. خستگی‌ناپذیری‌اش از همان آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی در سال ۱۳۴۱ آشکار است؛ از نخستین کسانی بود که وارد میدان شد و فعالیت‌هایش در طول پانزده سال مبارزه، به شش بار دستگیری انجامید. آخرین

اما این همه ماجرا نیست. در کنار سیاست، او رهبری فرهیخته، معنوی و حکیم بود؛ شخصیتی که درباره حکمرانی، به‌جای تبعیت از شرق و غرب، الگوی متفاوتی را به جهان ارائه داد. او به‌عنوان عالم شیعه و مرجع دینی، در موضوعات مختلف صاحب نظر بود و مجموعه‌ای گسترده بیش از ۱۲۰ جلد کتاب بر اساس سخنرانی‌ها و مباحث او تدوین شده است: از فلسطین تا ادبیات فارسی، از سیره سیاسی اهل‌بیت تا معارف اسلامی. و در کنار این وجه علمی، ذوق هنری هم داشت؛ علاقه‌مند به شعر و شاعری بود و بیش از ۶ غزل سرود.

اما در میان همه این ابعاد، یک ویژگی کلیدی برجستگی داشت: ایستادگی در برابر ظلم و سلطه‌طلبی. این پایداری، یک شعار مقطعی نبود؛ بلکه ستون فقرات یک مشی سیاسی و اخلاقی بود. یعنی ایستادگی در برابر اجبار، نه به تحقیر، و دفاع از کرامت حتی به بهای سنگین‌ترین هزینه‌ها.

همین اصل، در واکنش او به فشارهای خارجی جاری بود، و در حمایت بی‌وقفه‌اش از فلسطین نیز نمود داشت. او فلسطین را صرفاً یک نزاع دوردست منطقه‌ای نمی‌دانست، بلکه آن را یک پرسش اخلاقی و سرنوشت‌ساز زمانه می‌دید، شاخصی که نشان می‌داد افراد، دولت‌ها و ملت‌ها واقعاً در چه جایگاهی قرار دارند؛ شاخصی برای سنجش اینکه کسی در کنار مظلوم می‌ایستد یا ظالم، عدالت را انتخاب می‌کند یا سکوت را.

بار، در دی ۱۳۵۳، او را به شکنجه‌گاه ساواک، زندان کمیتۀ مشترک ضدخوابکاری در تهران، منتقل کردند؛ جایی که به گفته خودش، سخت‌ترین روزهای حبس را تجربه کرد. اما حتی در سخت‌ترین لحظات هم تسلیم جایی ندارد. برای شکستن روحیه‌اش، در زندان ریش او را تراشیدند؛ واکنش او اما شکستن فضای تحقیر بود با یک لبخند و یک جمله:

«الحمدلله... مدت‌ها بود چانه‌ام را ندیده بودم که دیدم...»

پس از زندان، تبعید آغاز شد؛ سال‌هایی دور از خانه، اما نه دور از مبارزه. در تبعید هم، به تربیت و سازمان‌دهی هسته‌های مبارزاتی ادامه داد؛ انگار میدان عوض می‌شد، اما مسیر نه.

پس از پیروزی انقلاب، به امامت جمعه تهران منصوب شد؛ تریبونی که فقط جای سخن نیست، جای سازمان‌دهی اجتماعی و ایجاد حرکت و پویایی در میان مردم است. از همان سال‌ها مشخص بود او رهبری کاریزماتیک است و توانایی او در بسیج مردم، این‌بار از منبر، مرحله تازه‌ای از نفوذ بر قلب‌ها را رقم زد.

با آغاز تجاوز رژیم بعثی صدام علیه ایران در سال ۱۳۵۹، او به جنگ رفت. در این دوره، آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان روحانی جوان، نقش فرمانده میدانی را تجربه می‌کند؛ حضوری که با همکاری افرادی مانند مصطفی چمران و شکل‌گیری سازوکارهایی برای جنگ‌های نامنظم گره می‌خورد. به‌عنوان نماینده امام خمینی، در جلسات اتاق جنگ حاضر می‌شود و در هماهنگی‌های پشتیبانی و تدارکات نقش ایفا می‌کند.

این تجربه، حضور در خطوط مقدم و آشنایی مستقیم با میدان، از او چهره‌ای می‌سازد که امنیت را «از نزدیک» فهمیده و بعدها برای هدایت ساختار نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی، پشتوانه عملی داشت.

سپس... سال ۱۹۸۱ فرا رسید، تلاش کردند او را ترور کنند...

حمله‌ای که او را با جراحاتی مرگبار روبه‌رو کرد، اما اراده‌اش

را عمیق‌تر و استوارتر ساخت.

او دوباره به مسیر مبارزه بازگشت، این‌بار با عزمی راسخ‌تر از پیش...

و با همان تجربه میدان وارد هشت سال ریاست‌جمهوری خود در دوران جنگ تحمیلی شد.

در آن سال‌ها، سیاست خارجی‌ای مستقل را دنبال کرد، رها از اتکا به شرق و غرب، و همزمان، در متن جنگ باقی ماند، در حالی که سیاست‌های اقتصادی را در حمایت از اقشار محروم پیش می‌برد.

پس از رحلت امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی برگزیده شد.

با پایان جنگ و در طول سال‌های رهبری‌اش، همان روحیه استقامت ادامه یافت.

او به‌روشنی دریافته بود که اگر ایران بخواهد در برابر فشار قدرت‌های خارجی،

چه از مسیر جنگ، تهدید نظامی، یا تحریم‌های اقتصادی، تسلیم نشود، باید قدرتمندتر شود.

در زمانی که ایران پس از هشت سال جنگ ایران و عراق به‌شدت آسیب‌دیده بود، در طول بیش از ۳۷ سال رهبری او، کشور به یک قدرت اثرگذار منطقه‌ای بدل شد، با تمرکز بر بازسازی، گسترش توانمندی‌ها، و تثبیت استقلال در تصمیم‌گیری.

در منطقه‌ای اشباع از تهدید...

جایی که ایالات متحده به شعله‌ور شدن جنگ‌های نیابتی دامن زده است، امام خامنه‌ای بنیان یک نظم امنیتی چندلایه را بنا نهاد، چارچوبی برای تقویت بازدارندگی،

و کاهش آسیب‌پذیری؛ و در عین حال، پایه‌ای برای چتر حمایتی جمهوری اسلامی

از ملت‌های تحت ستم در سراسر منطقه.

و حاصل آن...

شکل‌گیری توان دفاعی و موشکی‌ای بود که بر ظرفیت‌های بومی استوار است.

تحت رهبری او، ایران پیش از انقلاب، کشوری ضعیف و

و سرانجام در صبح ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، پس از یک عمر ایستادگی، او با «شهادت» جاودانه شد و عاشورایی دیگر رقم زد. ایستادن برای حق، و نپذیرفتن ذلت اصولی بود که او هیچ گاه زیر پا نگذاشت و حمایت از فلسطین به عنوان یکی از مصادیق «آزادگی انسان‌ها از ظلم» نیز در این راستا بود. و اگرچه جسمش از میان امت رفت، اما نامش به عنوان رهبری مقتدر که بر قلب‌ها حکومت می‌کند، رهبری که هرگز زیر بار زور نرفت و ایران را به شکوه و عزت رساند، در تاریخ ماندگار می‌ماند.

بیانات:

امام حسین (علیه السلام) فرمود: مثلی لا یُبایعُ مثلَ یزید؛ کسی مثل من، با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند. ملت ایران در واقع می‌گویند: ملّتی مثل ما، با این فرهنگ، با این سابقه، با این معارف عالی، با سردمدارانی مثل افراد فاسدی که امروز در آمریکا بر سر کارند، بیعت نخواهد کرد. ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

و در مسیر امام حسین (علیه السلام)؛ مسیر فداکاری، کرامت، و سر فرود نیاوردن در برابر ظلم، امام خامنه ای نیز به شهادت رسید؛ شهادتی که خود، به الگویی از استقامت بدل می‌شود. استقامت او...

نهال انقلاب اسلامی را که به دست امام خمینی کاشته شده بود، به ثمر رساند؛ و استقلال را برای ایران معنا کرد. و نشان داد که ملت امام حسین، هرگز مردم فلسطین را تنها نخواهد گذاشت.

شهادت پایان نیست؛ آغاز است،

تولد ستاره‌ای است که نورش مرزهای زمان و مکان را درمی‌نوردد.

اکنون آن نور، در میان امت اسلامی و میان آزادی خواهان جهان، شروع به تابیدن کرده...

برای مقاومت در برابر تحقیر

برای ایستادن در برابر زورگویی

وابسته، با حاکمانی که اراده‌شان بدون اشاره‌ی غرب پیش نمی‌رفت و به راحتی از شمال و جنوب اشغال می‌شد، به کشوری مستقل تبدیل شد که امروز زیر شدیدترین فشارها و پیچیده‌ترین تهدیدها می‌ایستد و عقب نمی‌نشیند.

هم‌زمان، در اقتصاد، ایران زخمی پس از جنگ را با الگوی پیشرفت مستقل، نه در سایه شرق و نه در مدار غرب، به سمت صنعتی شدن سوق داد؛ تا حتی زیر سنگینی تحریم‌ها هم بتواند نیازهای اساسی خود را تأمین کند. و در سیاست، در امتداد راه امام خمینی، مردم سالاری دینی را استحکام بخشید؛ نهالی که با رأی مردم کاشته شد، با تکیه بر همان اراده عمومی به درختی تنومند بدل شد، مدلی که ستونش مردم‌اند، نه فرد؛ و به همین دلیل، پس از او هم پابرجا می‌ماند.

ریشه ایستادگی امام خامنه ای صرفاً محاسبه قدرت نیست. بر خلاف منطق «قانون جنگل» که می‌گوید ضعیف باید تسلیم شود یا حذف می‌شود، او آن را بر ایمان بنا می‌کند: ایمان به خدا و وعده الهی. این باور که اگر جامعه‌ای بر حق بایستد و هزینه آن را بپذیرد، «پیروزی» فقط یک احتمال نیست؛ یک وعده حتمی است. همین نگاه است که پیوند میان سیاست، معنویت و مقاومت را توضیح می‌دهد.

بیانات مربوط به پیروزی در صورت ایستادگی و ایمان به وعده الهی

خدای متعال در قرآن وعده‌هایی داده است که این وعده‌ها تخلف‌ناپذیر است. وعده داده است «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامُكُمْ»؛ (۱) وعده داده است که «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»؛ (۲) وعده داده است که «انَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»؛ (۳) وعده داده است که «وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ»؛ (۴) اگر خدا را نصرت کنید خدا به شما ثبات قدم خواهد داد و شما را نصرت خواهد کرد؛ آنچه به سود مردم است، ماندگار است، ماندنی است و کفهای روی آب، رفتنی است و ناحق و باطل همان کف روی آب است. ۱۴۰۲/۰۳/۱۴

جانشین آیت الله شهید خامنه‌ای کیست؟ زندگینامه مختصر آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه الله)

آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه الله)
در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۴۸ میلادی در شهر مشهد و
در فضایی علمی و معنوی متولد شد.
سید مجتبی دوران کودکی خود را در فضایی سپری
کرد که به تدریج شاهد اوج‌گیری خیزش‌های انقلابی
علیه رژیم سلطنتی پهلوی بود؛ سید علی خامنه‌ای
نیز از جمله روحانیون جوانی بود که در جنبش
سیاسی ضد رژیم حضوری فعال داشت. در آن
دوران، خانه آن‌ها بارها مورد هجوم مأموران ساواک
قرار گرفت و سید علی چندین بار زندانی و تبعید
شد؛ رویدادهایی که زندگی و خاطرات سید مجتبی
را مستقیماً با دوران پیش از انقلاب اسلامی سال
۱۳۵۷ پیوند داد.





تهران در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۶۶ — در حالی که تنها ۱۷ سال داشت و پدرش رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران بود — داوطلبانه به رزمندگان در جبهه‌های جنگ پیوست. او در گردان «حبیب بن مظاهر» از لشکر «محمد رسول الله (ص)» خدمت کرد و در چندین عملیات مهم در جبهه‌های غرب و شمال‌غرب

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ منجر به فروپاشی رژیم پهلوی و تشکیل جمهوری اسلامی ایران شد. مدتی بعد، یعنی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، ارتش صدام حسین با حمایت برخی قدرت‌های بین‌المللی و کشورهای منطقه به ایران حمله کرد. سید مجتبی پس از پایان تحصیلات دبیرستان در مدرسه علوی

کشور حضور یافت.

پس از پایان جنگ تحمیلی، سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در سال ۱۳۶۸ برای تکمیل تحصیلات حوزوی خود راهی شهر قم — که کانون علوم اسلامی است — شد و تا اوایل سال ۱۳۷۱ در آن شهر اقامت گزید. پس از آن، وی به تهران بازگشت و به ادامه تحصیلات حوزوی خود در آنجا پرداخت؛ همچنین از سال ۱۳۷۴، هم‌زمان با تحصیل، به تدریس برخی دروس مقدماتی حوزوی در زمینه فقه و اصول در مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی مشغول شد.

سال ۱۳۷۸ نقطه عطفی در زندگی سید مجتبی بود. در این سال، او با «خانم زهرا حداد عادل» ازدواج کرد و حاصل این ازدواج، دو پسر به نام‌های محمدباقر و محمدامین و یک دختر به نام فاطمه بود.

آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای پس از ازدواج، برای تکمیل تحصیلات حوزوی و ارتقای مراتب معنوی، بار دیگر به همراه خانواده به شهر قم هجرت کرد. او در عالی‌ترین سطوح دروس حوزوی (موسوم به درس خارج) شرکت جست و بدین ترتیب، بیش از ۱۷ سال را با جدیت و فعالیت فراوان صرف فراگیری عالی‌ترین مباحث فقهی نمود.

او در سال ۱۳۷۹ در قم به تدریس خصوصی مباحثی همچون «رسائل» و «مکاسب» (از عالی‌ترین سطوح فقه و اصول) پرداخت و این کار تا سال ۱۳۸۳ ادامه یافت. پس از آن، یعنی در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، تدریس عالی‌ترین سطوح فقهی نظیر «مکاسب» را در یکی از مدارس علمیه قم آغاز کرد و در سال ۱۳۸۶، تدریس دروس «خارج» (عالی‌ترین سطح آموزش فقه و اصول) را در مدرسه علمیه فیضیه (مهم‌ترین حوزه علمیه ایران) شروع نمود.

یکی از ویژگی‌های آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای که بارها از سوی اطرافیانش مورد اشاره قرار گرفته، ساده‌زیستی و فروتنی اوست. او در خانواده‌ای روحانی پرورش یافت که همواره به داشتن سبک زندگی بسیار ساده شهره بود؛ فضایی که در آن قناعت و پرهیز از تجمل‌گرایی، جنبه‌ای اخلاقی محسوب می‌شد و این رویه در زندگی شخصی، متأهلی و خانوادگی او نیز تداوم یافته و همچنان

رعایت می‌شود. آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، علی‌رغم جایگاه اجتماعی و سیاسی خود، با تواضع، فروتنی و به شیوه‌ای بسیار صمیمانه با دیگران تعامل می‌کرد.

فروتنی و تواضع آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در نخستین پیام ایشان به عنوان رهبر کشور به وضوح نمایان بود؛ پیامی که در آن، ایشان خود را هم‌تراز «رهبر شهید» نمی‌دانستند و هم‌زمان بر نقش بنیادین مردم تأکید می‌ورزیدند. ایشان در آن بیانیه، با فروتنی، قدرت اصلی کشور را به ملت ایران نسبت دادند. همچنین در پیام نوروزی خود، از تعاملاتشان با مردم در تاکسی‌ها سخن گفتند تا بدین وسیله، دغدغه‌ها و نگرانی‌های آنان را از نزدیک لمس و درک کنند.

با توجه به موضع آیت‌الله سید علی خامنه‌ای مبنی بر عدم تصدی مناصب عالی دولتی توسط فرزندان‌شان و همچنین تمایل سید مجتبی به دوری از هیاهوی رسانه‌ای و حفظ گمنامی، او در دوران حیات پدر هرگز عهده‌دار هیچ‌گونه مسئولیت رسمی نبوده است. با این حال، وی به عنوان مشاور و امین برای پدر و بازویی توانمند برای نظام، در عرصه‌های گوناگونی نقش آفرینی کرده است؛ از جمله تعاملات مستمر مشورتی با فرماندهان نیروهای مسلح، ارتباط مؤثر با جبهه مقاومت، پیگیری مسائل راهبردی، برگزاری جلسات تخصصی با صاحب‌نظران برای تبیین سیاست‌های کلان، شناسایی و حمایت از استعدادهای برتر و تقویت مراکز علمی.

در پی حملات وحشیانه آمریکایی-صهیونیستی در ۹ اسفند ۱۴۰۴ که منجر به شهادت رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای شد، امت اسلامی غرق در اندوهی عمیق گردید. در حالی که ملت ایران با استقامت و انسجامی مثال‌زدنی یاد و راه رهبر فقید خود را گرامی می‌داشتند، مجلس خبرگان در کوتاه‌ترین زمان ممکن تشکیل جلسه داد و پس از بررسی شرایط و مصالح عالیه نظام اسلامی، در تاریخ ۱۷۹۹ اسفند ۱۴۰۴ — که با شب نوزدهم ماه مبارک رمضان و یکی از شب‌های قدر مصادف بود — آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای را با اکثریت آرا به عنوان رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران معرفی کرد.

۱۰ نکته راهبردی و کلیدی رهبر
شهید انقلاب اسلامی درباره
خلیج فارس و تنگه هرمز
پیروزی ایران در خلیج فارس:
طلوع نظامی نوین در منطقه



- ۱ حضور بیگانگان آمریکایی و استقرار آن‌ها در سرزمین‌های منطقه خلیج فارس: عامل اصلی ناامنی در منطقه
- ۲ ناتوانی پایگاه‌های سست و متزلزل آمریکا حتی در تأمین امنیت خودشان
- ۳ آینده درخشان منطقه خلیج فارس: آینده‌ای بدون حضور آمریکا و در خدمت پیشرفت، رفاه و شکوفایی ملت‌های آن
- ۴ «سرنوشت مشترک» ما با همسایگانمان در پیرامون آب‌های خلیج فارس و دریای عمان
- ۵ بیگانگان متجاوز در خلیج فارس جایی ندارند، مگر در قعر آب‌های آن
- ۶ زنجیره پیروزی‌های ایران اسلامی در خلیج فارس: طلوع نظامی نوین در سطح منطقه‌ای و جهانی
- ۷ تضمین امنیت خلیج فارس با ارج نهادن عملی به موهبت مدیریت ایران بر تنگه هرمز
- ۸ پایان دادن به بهره‌برداری دشمن متخاصم از تنگه هرمز
- ۹ تأمین رفاه و پیشرفت به نفع تمامی ملت‌های منطقه از طریق مدیریت جدید تنگه هرمز و چارچوب حقوقی مربوط به آن
- ۱۰ شاد نمودن دل‌های مردم ایران از طریق رمنافع اقتصادی حاصل از مدیریت جدید تنگه هرمز

گزیده‌هایی از بیانیه رهبر شهید درباره «گام دوم انقلاب اسلامی» خطاب به ملت ایران



به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، بیانیه‌ای را در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر کردند که سیاست‌های کلان آینده انقلاب را تعیین می‌کرد.

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، با پشت سر گذاشتن چالش‌های متعدد و دستیابی به پیشرفت‌های چشمگیر، هم‌زمان با فرارسیدن چهلمین سالگرد خود، پنجمین دهه حیاتش را با خوش‌بینی آغاز کرد. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، برای روشن ساختن مسیر پیش رو، بیانیه «گام دوم انقلاب» را صادر کردند؛ بیانیه‌ای که ضمن برجسته ساختن دستاوردهای عظیم چهار دهه گذشته، رهنمودهایی بنیادین را برای «تلاشی بزرگ جهت ساختن ایرانی اسلامی و باشکوه» ارائه می‌دهد.

۵. ترویج سبک زندگی اسلامی و مقابله با ترویج سبک زندگی غربی.

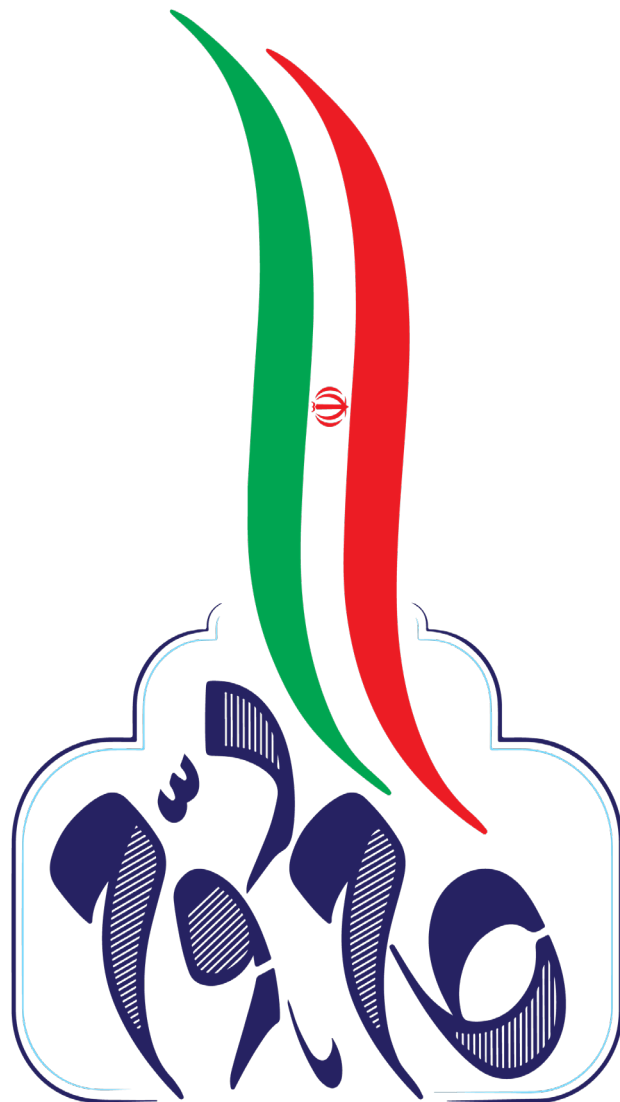
۶. تأکید بر استقلال و آزادی.

۷. ارتقای عزت ملی، روابط خارجی و تعیین مرز با دشمنان.

این بیانیه، مسیرهای اصلی حرکت انقلاب اسلامی را ترسیم کرده و تمایزات آن را از تمدن‌های غربی و شرقی روشن می‌سازد.

برای مطالعه بیشتر در مورد گام دوم انقلاب، لطفاً به لینک زیر مراجعه کنید:

The-Sec-7615/https://english.khamenei.ir/news)ond-Phase-of-the-Revolution-Statement-and-dressed-to-the



بیانیه «گام دوم انقلاب» به مثابه مانیفستی جدید خطاب به ملت ایران، به‌ویژه جوانان، و سندی راهبردی برای «مرحله دوم خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» است که فصلی نو در حیات جمهوری اسلامی می‌گشاید. این گام دوم، انقلاب را به هدف والای آن، یعنی برپایی تمدن نوین اسلامی، نزدیک‌تر خواهد ساخت.

درک صحیح از گذشته برای پیمودن مراحل آینده ضروری است. رهبر انقلاب در بخش نخست بیانیه، ضمن تبیین ابعاد درخشش انقلاب و شاخص‌های عزت ملی، حس اعتماد و باور به اینکه «ما می‌توانیم» را تقویت کردند.

در این بیانیه، عوامل کلیدی برای تحقق آرمان بزرگ ساختن «ایران اسلامی» و ترسیم نقشه راه آینده ارائه شده است. نخستین عامل کلیدی، توجه به شعارهای انقلاب و حفظ هوشیاری است؛ چرا که غفلت از این شعارها زیان‌بار است.

همان‌طور که در این بیانیه تأکید شده است، ما باید شناختی صحیح از انقلاب و دستاوردهای آن داشته باشیم. ما در حوزه‌های گوناگونی پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم؛ از جمله در زمینه‌های حمل‌ونقل، علم و فناوری، مشارکت عمومی، آگاهی سیاسی (در سطوح داخلی و بین‌المللی)، عدالت در توزیع آب و برق، توسعه صنعتی، سدسازی، مسکن و ارتقای معنویت.

مسیر تاریخی انقلاب اسلامی، آن‌گونه که پیش‌تر توسط رهبر انقلاب تبیین شده، به‌وضوح مشخص است. ایشان برای نخستین بار در سال ۱۳۸۰، فرآیندی پنج‌مرحله‌ای را ترسیم کردند که از «انقلاب اسلامی» آغاز شده و به ترتیب به «نظام اسلامی»، «دولت اسلامی»، «جامعه اسلامی» و سرانجام «تمدن اسلامی» منتهی می‌شود. بر اساس این الگو، دو مرحله نخست — یعنی انقلاب اسلامی و نظام اسلامی — محقق شده‌اند و اکنون تأکید بر مرحله «دولت اسلامی» است. محورهای اصلی بیانیه «گام دوم» که می‌توانند مبنایی برای تعیین اهداف و ارزیابی عملکرد باشند، عبارت‌اند از:

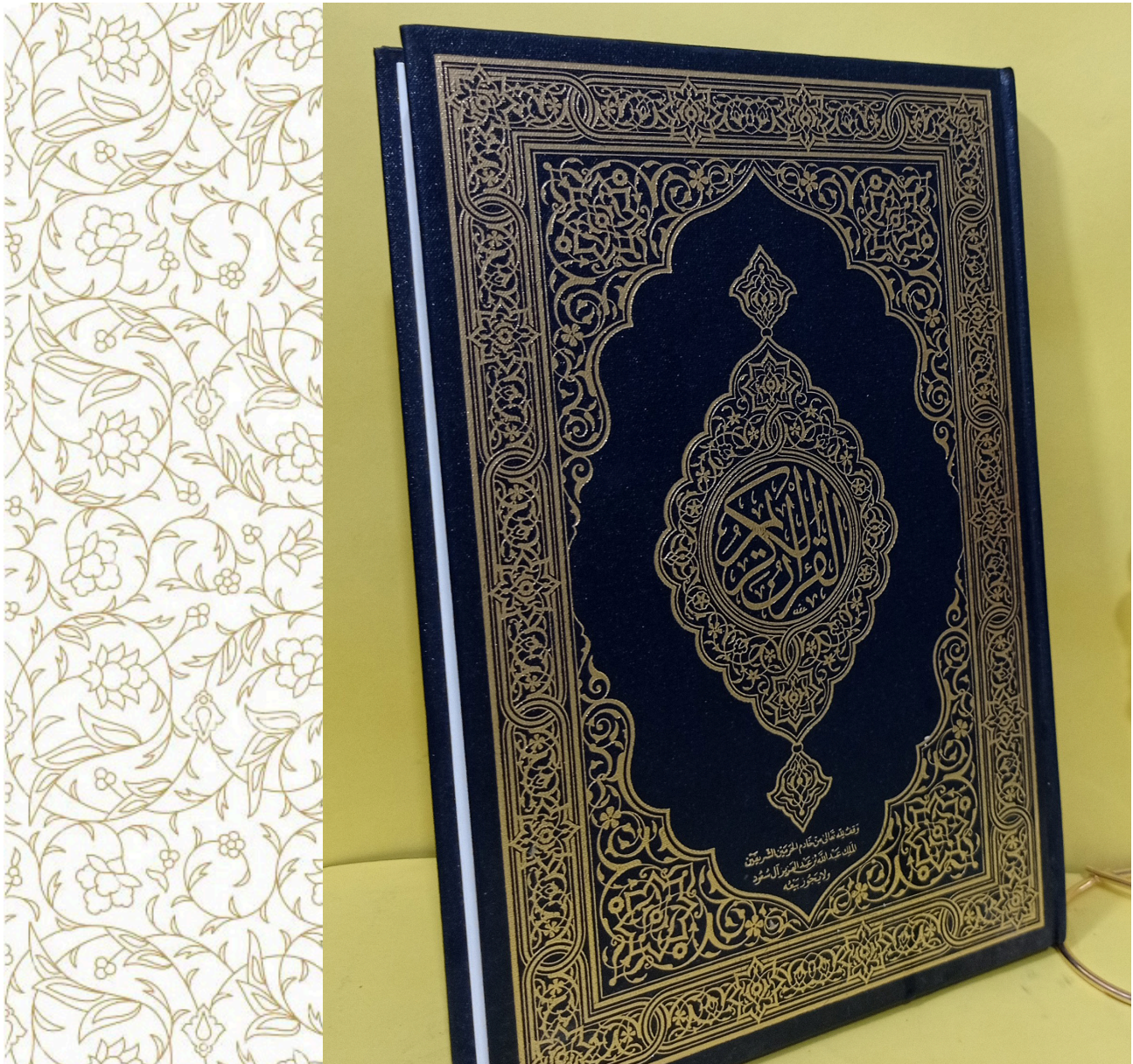
۱. پیشروی در مرزهای علم برای شتاب بخشیدن به رشد علمی.
۲. دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان.
۳. ترویج معنویت و جلوگیری از گسترش ضدمعنویت و بی‌اخلاقی.
۴. گسترش عدالت و مبارزه با فساد، به‌ویژه در نهادهای دولتی.

پیام اول رهبر شهید انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی

بسم الله الرحمن الرحيم

به عموم جوانان در اروپا و امریکای شمالی

حوادث اخیر در فرانسه و وقایع مشابه در برخی دیگر از کشورهای غربی مرا متقاعد کرد که درباره‌ی آنها مستقیماً با شما سخن بگویم. من شما جوانان را مخاطب خود قرار میدهم؛ نه به این علت که پدران و مادران شما را ندیده می‌انگارم، بلکه به این سبب که آینده‌ی ملت و سرزمینتان را در دستان شما میبینم و نیز حس حقیقت‌جویی را در قلبهای شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم. همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمیکنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.



اخیر پیرامون تاریخ، می‌بینید که در تاریخنگاری‌های جدید، رفتارهای غیر صادقانه و مزورانه‌ی دولتهای غربی با دیگر ملت‌ها و فرهنگهای جهان نکوهش شده است. تاریخ اروپا و آمریکا از برده‌داری شرمسار است، از دوره‌ی استعمار سرافکننده است، از ستم بر رنگین‌پوستان و غیر مسیحیان خجل است؛ محققین و مورّخین شما از خونریزی‌هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملیّت و قومیت در جنگهای اوّل و دوّم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکندگی میکنند. این به‌خودی‌خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگوکردن

سخن من با شما درباره‌ی اسلام است و به‌طور خاص، درباره‌ی تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه میگردد. از دو دهه پیش به این سو — یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی — تلاشهای زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمیخواهم به «هراس‌های» گوناگونی که تاکنون به ملت‌های غربی القاء شده است، بپردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی



بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می‌خواهم از روشنفکران خود بپرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته‌های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمی همچون شیوهی برخورد با فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری میشود؟

شما بخوبی میدانید که تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از «دیگری»، زمینه‌ی مشترک تمام آن سودجویی‌های ستمگرانه بوده است. اکنون من می‌خواهم از خود بپرسید که چرا سیاست قدیمی هراس‌افکنی و نفرت‌پراکنی، این بار با شدتی بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است؟ چرا ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد؟ مگر چه معانی و ارزشهایی در اسلام، مزاحم برنامه‌ی قدرتهای بزرگ است و چه منافعی در سایه‌ی تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین میگردد؟ پس خواسته‌ی اول من این است که درباره‌ی انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید.

خواسته‌ی دوم من این است که در واکنش به سیل پیشداوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء میکند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گیرانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. من اصرار نمی‌کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید بلکه می‌گویم اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانده شود. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های

است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگر چه هیچکس به‌صورت فردی نمیتواند شکافهای ایجاد شده را پر کند، اما هریک از شما میتواند به قصد روشنگری خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکافها بسازد. این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگر چه ناگوار است اما میتواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنج‌کاو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نو پیش روی شما قرار میدهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیشداوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزرده‌گی کمتر و وجدانی آسوده‌تر به نگارش درآورند.

سیدعلی خامنه‌ای
۱۳۹۳/۱۱/۱

تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مأخذ دست اول آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آشنا شوید. من در اینجا مایلم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزشهایی طی قرون متمادی، بزرگترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟

من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت، سد عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بیطرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطاتی، مرزهای جغرافیایی را شکسته



نامه دوم رهبر شهید انقلاب به عموم جوانان در کشورهای غربی

بسم الله الرحمن الرحيم

به عموم جوانان در کشورهای غربی
حوادث تلخی که تروریسم کور در
فرانسه رقم زد، بار دیگر مرا به گفتگو

با شما جوانان برانگیخت. برای من
تأسفبار است که چنین رویدادهایی
بستر سخن را بسازد، اما واقعیت
این است که اگر مسائل دردناک،

زمینه‌ای برای چاره‌اندیشی و محملی
برای همفکری فراهم نکند، خسارت
دوچندان خواهد شد. رنج هراسانی
در هر نقطه از جهان، به‌خودی‌خود برای

هموعان اندوه‌بار است. منظره‌ی کودکی که در برابر دیدگان عزیزانش جان می‌دهد، مادری که شادی خانواده‌اش به عزا مبدل می‌شود، شوهری که پیکر بی‌جان همسرش را شتابان به سوی میبرد، و یا تماشاگری که نمیداند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده‌ی نمایش زندگی را خواهد دید، مناظری نیست که عواطف و احساسات انسانی را برنینگیزد. هرکس که از محبت و انسانیت بهره‌ای برده باشد، از دیدن این صحنه‌ها متأثر و متألم می‌شود؛ چه در فرانسه رخ دهد، چه در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه. قطعاً یک‌ونیم میلیارد مسلمان همین احساس را دارند و از عاملان و مسببان این فجایع، منزجر و بیزارند. اما مسئله این است که رنجهای امروز اگر مایه‌ی ساختن فردایی بهتر و ایمن‌تر نشود، فقط به خاطره‌هایی تلخ و بی‌ثمر فرو خواهد کاست. من ایمان دارم که تنها شما جوانهایی که با درس گرفتن از ناملایمات امروز، قادر خواهید بود راه‌هایی نو برای ساخت آینده بیابید و سدّ بیراهه‌هایی شوید که غرب را به نقطه‌ی کنونی رسانده است

درست است که امروز تروریسم درد مشترک ما و شما است، اما لازم است بدانید که ناامنی و اضطرابی که در حوادث اخیر تجربه کردید، با رنجی که مردم عراق، یمن، سوریه، و افغانستان طیّ سالهای متمادی تحمل کرده‌اند دو تفاوت عمده دارد؛ نخست اینکه دنیای اسلام در ابعادی بمراتب وسیع‌تر، در حجمی انبوه‌تر و به مدّت بسیار طولانی‌تر قربانی وحشت‌افکنی و خشونت بوده است؛ و دوّم اینکه متأسفانه این خشونت‌ها همواره از طرف برخی از قدرتهای بزرگ به شیوه‌های گوناگون و به شکل مؤثر حمایت شده است. امروز کمتر کسی از نقش ایالات متّحده‌ی آمریکا در ایجاد یا تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله‌های شوم آنان بی‌اطلاع است. در کنار این پشتیبانی مستقیم، حامیان آشکار و شناخته‌شده‌ی تروریسم تکفیری، علی‌رغم داشتن عقب‌مانده‌ترین نظامهای سیاسی، همواره در ردیف متّحدان غرب جای گرفته‌اند، و این در حالی است که پیشروترین و روشن‌ترین اندیشه‌های برخاسته از مردم‌سالاری‌های پویا در منطقه، بی‌رحمانه مورد سرکوب قرار گرفته است. برخورد دوگانه‌ی غرب با جنبش بیداری در جهان اسلام، نمونه‌ی گویایی از تضاد در سیاستهای غربی است

چهره‌ی دیگر این تضاد، در پشتیبانی از تروریسم دولتی اسرائیل دیده می‌شود. مردم ستم‌دیده‌ی فلسطین بیش از شصت سال است که بدترین نوع تروریسم را تجربه می‌کنند. اگر مردم اروپا اکنون چند روزی در خانه‌های خود پناه می‌گیرند و از حضور در مجامع و مراکز پرجمعیت پرهیز می‌کنند، یک خانواده‌ی فلسطینی ده‌ها سال است که حتّی در خانه‌ی خود از ماشین کشتار و تخریب رژیم صهیونیست در امان نیست. امروزه چه نوع خشونت‌ی را میتوان از نظر شدّت قساوت با

شهرک‌سازی‌های رژیم

صهیونیست مقایسه کرد؟ این رژیم بدون

اینکه هرگز به‌طور جدّی و مؤثر مورد سرزنش متّحدان پرنفوذ خود و یا لاقلاً نهادهای بظاهر مستقلّ بین‌المللی قرار گیرد، هر روز خانه‌ی فلسطینیان را ویران و باغها و مزارعشان را نابود میکند، بی‌آنکه حتّی فرصت انتقال اسباب زندگی یا مجال جمع‌آوری محصول کشاورزی را به آنان بدهد؛ و همه‌ی اینها اغلب در برابر دیدگان وحشت‌زده و چشمان اشک‌بار زنان و کودکانی روی می‌دهد که شاهد ضرب و جرح اعضای خانواده‌ی خود و در مواردی انتقال آنها به شکنجه‌گاه‌های مخوفند. آیا در دنیای امروز، قساوت دیگری را در این حجم و ابعاد و با این تداوم زمانی می‌شناسید؟ به گلوله بستن بانویی در وسط خیابان فقط به جرم اعتراض به سرباز تا دندان مسلّح، اگر تروریسم نیست پس چیست؟ این بربریت چون توسّط نیروی نظامی یک دولت اشغالگر انجام می‌شود، نباید افراطی‌گری خوانده شود؟ یا شاید این تصاویر فقط به این علّت که شصت سال مکرراً از صفحه‌ی تلویزیون‌ها دیده

شده، دیگر نباید وجدان ما را تحریک کند .

آیا عذرخواهی صادقانه بهتر نیست؟ رنجی که در این سالها دنیای اسلام از دورویی و چهره‌آرایی مهاجمان کشیده است، کمتر از خسارت‌های مادی نیست.

بسم الله الرحمن الرحيم
به محرم جوانان در لایه‌های سالی

جوانان عزیز! من امید دارم که شما در حال یا آینده، این ذهنیت آلوده به تزویر را تغییر دهید؛ ذهنیتی که هنرش پنهان کردن اهداف دور و آراستن اغراض مودیان است. به نظر من نخستین مرحله در ایجاد امنیت و آرامش، اصلاح این اندیشه‌ی خشونت‌زا است. تا زمانی که معیارهای دوگانه بر سیاست غرب مسلط باشد، و تا وقتی که تروریسم در نگاه حامیان قدرتمندش به انواع خوب و بد تقسیم شود، و تا روزی که منافع دولتها بر ارزشهای انسانی و اخلاقی ترجیح داده شود، نباید ریشه‌های خشونت را در جای دیگر جستجو کرد.

#LETTER4U

لشکرکشی‌های سالهای اخیر به دنیای اسلام که خود قربانیان بی‌شماری داشت، نمونه‌ای دیگر از منطق متناقض غرب است. کشورهای مورد تهاجم، علاوه بر خسارت‌های انسانی، زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی خود را از دست داده‌اند، حرکت آنها به سوی رشد و توسعه به توقف یا کندی گراییده، و در مواردی ده‌ها سال به عقب برگشته‌اند؛ با وجود این، گستاخانه از آنان خواسته میشود که خود را ستم‌دیده ندانند. چگونه میتوان کشوری را به ویرانه تبدیل کرد و شهر و روستایش را به خاکستر نشاند، سپس به آنها گفت که لطفاً خود را ستم‌دیده ندانید! به جای دعوت به نفهمیدن و یا از یاد بردن فاجعه‌ها،

متأسفانه این ریشه‌ها طی سالیان متمادی، بتدریج در اعماق سیاست‌های فرهنگی غرب نیز رسوخ کرده و یک هجوم نرم و خاموش را سامان داده است. بسیاری از کشورهای دنیا به فرهنگ بومی و ملی خود افتخار میکنند، فرهنگهایی که در عین بالندگی و زایش، صدها سال جوامع بشری را بخوبی تغذیه کرده است؛ دنیای اسلام نیز از این امر مستثنا نبوده است. اما در دوره‌ی معاصر، جهان غرب با بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته، بر شبیه‌سازی و همانندسازی فرهنگی جهان پافشاری میکند. من تحمیل فرهنگ غرب بر سایر ملتها و کوچک شمردن فرهنگهای مستقل را یک خشونت خاموش

و بسیار زیان‌بار تلقی می‌کنم. تحقیر فرهنگ‌های غنی و اهانت به محترم‌ترین بخش‌های آنها در حالی صورت می‌گیرد که فرهنگ جایگزین، به‌هیچ‌وجه از ظرفیت جانشینی برخوردار نیست. به طور مثال، دو عنصر «پرخاشگری» و «بی‌بندوباری اخلاقی» که متأسفانه به مؤلفه‌های اصلی فرهنگ غربی تبدیل شده است، مقبولیت و جایگاه آن را حتی در خاستگاهش تنزل داده است. اینک سؤال این است که اگر ما یک فرهنگ ستیزه‌جو، مبتذل و معناگریز را نخواهیم، گنهاریم؟ اگر مانع سیل ویرانگری شویم که در قالب انواع محصولات شبه هنری به سوی جوانان ما روانه می‌شود، مقصّریم؟ من اهمّیت و ارزش پیوندهای فرهنگی را انکار نمی‌کنم. این پیوندها هر گاه در شرایط طبیعی و با احترام به جامعه‌ی پذیرا صورت گرفته، رشد و بالندگی و غنا را به ارمغان آورده است. در مقابل، پیوندهای ناهمگون و تحمیلی، ناموفق و خسارت‌بار بوده است. با کمال تأسف باید بگویم که گروه‌های فرومایه‌ای مثل داعش، زاییده‌ی این‌گونه وصلتهای ناموفق با فرهنگ‌های وارداتی است. اگر مشکل واقعاً عقیدتی بود، میبایست پیش از عصر استعمار نیز نظیر این پدیده‌ها در جهان اسلام مشاهده می‌شد، درحالی‌که تاریخ، خلاف آن را گواهی می‌دهد. مستندات مسلم تاریخی بروشنی نشان می‌دهد که چگونه تلاقی استعمار با یک تفکر افراطی و مطرود، آن‌هم در دل یک قبیله‌ی بدوی، بذر تندروی را در این منطقه کاشت. وگرنه چگونه ممکن است از یکی از اخلاقی‌ترین و انسانی‌ترین مکاتب دینی جهان که در متن بنیادین خود،

گرفتن جان یک انسان را به مثابه‌ی کشتن همه‌ی بشریت میدانند، زباله‌ای مثل داعش بیرون بیاید؟

از طرف دیگر باید پرسید چرا کسانی که در اروپا متولد شده‌اند و در همان محیط، پرورش فکری و روحی یافته‌اند، جذب این نوع گروه‌ها میشوند؟ آیا میتوان باور کرد که افراد با یکی دو سفر به مناطق جنگی، ناگهان آن‌قدر افراطی شوند که هم‌وطنان خود را گلوله‌باران کنند؟ قطعاً نباید تأثیر یک عمر تغذیه‌ی فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولّد خشونت را فراموش کرد. باید در این زمینه تحلیلی جامع داشت، تحلیلی که آلودگی‌های پیدا و پنهان جامعه را بیابد. شاید نفرت عمیقی که طیّ سالهای شکوفایی صنعتی و اقتصادی، در اثر نابرابری‌ها و احیاناً تبعیض‌های قانونی و ساختاری در دل اقشاری از جوامع غربی کاشته شده، عقده‌هایی را ایجاد کرده که هر از چندی بیمارگونه به این صورت گشوده می‌شود.

به‌رحال این شما هستید که باید لایه‌های ظاهری جامعه‌ی خود را بشکافید، گره‌ها و کینه‌ها را بیابید و بزدايید. شکافها را به جای تعمیق، باید ترمیم کرد. اشتباه بزرگ در مبارزه با تروریسم، واکنش‌های عجولانه‌ای است که گسست‌های موجود را افزایش دهد. هر حرکت هیجانی و شتاب‌زده که جامعه‌ی مسلمان ساکن اروپا و آمریکا را که متشکل از میلیون‌ها انسان فعال و مسئولیت‌پذیر است، در انزوا یا هراس و اضطراب قرار دهد و بیش از گذشته آنان را از حقوق اصلی‌شان محروم

سازد و از صحنه‌ی اجتماع کنار گذارد، نه تنها مشکل را حل نخواهد کرد بلکه فاصله‌ها را عمق، و کدورتها را وسعت خواهد داد. تدابیر سطحی و واکنشی — مخصوصاً اگر وجاهت قانونی بیابد — جز اینکه با افزایش قطب‌بندی‌های موجود، راه را بر بحرانهای آینده بگشاید، ثمر دیگری نخواهد داشت. طبق اخبار رسیده، در برخی از کشورهای اروپایی مقرراتی وضع شده است که شهروندان را به جاسوسی علیه مسلمانان وامیدارد؛ این رفتارها ظالمانه است و همه میدانیم که ظلم، خواهناخواه خاصیت برگشت‌پذیری دارد. وانگهی مسلمانان، شایسته‌ی این ناسپاسی‌ها نیستند. دنیای باختر قرن‌ها است که مسلمانان را بخوبی می‌شناسد؛ هم آن روز که غریبان در خاک اسلام میهمان شدند و به ثروت صاحبخانه چشم دوختند، و هم روز دیگر که میزبان بودند و از کار و فکر مسلمانان بهره جستند، اغلب جز مهربانی و شکیبایی ندیدند. بنابراین من از شما جوانان می‌خواهم که بر مبنای یک شناخت درست و با ژرف‌بینی و استفاده از تجربه‌های ناگوار، بنیانهای یک تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام پی‌ریزی کنید. در این صورت، در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهید دید بنایی که بر چنین شالوده‌ای استوار کرده‌اید، سایه‌ی اطمینان و اعتماد را بر سر معمارانش می‌گستراند، گرمای امنیت و آرامش را به آنان هدیه می‌دهد، و فروغ امید به آینده‌ای روشن را بر صفحه‌ی گیتی میتاباند

سیدعلی خامنه‌ای

۸ آذر ۱۳۹۴



نامه حضرت آیت الله خامنه‌ای به دانشجویان حامی مردم فلسطین در دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا (نامه سوم)

بسم الله الرحمن الرحيم

این نامه را به جوانانی مینویسم که وجدان بیدارشان آنها را به دفاع از کودکان و زنان مظلوم غزه برانگیخته است.

در برابر مردم بی‌دفاع فلسطین به کار گرفت و بی‌اعتنا به همه‌ی ارزشهای وجدانی و انسانی و دینی، روزبه‌روز بر بی‌رحمی و ترور و سرکوبگری افزود.

جوانان عزیز دانشجو در ایالات متحده‌ی آمریکا! این، پیام همدلی و همبستگی ما با شما است. شما اکنون در طرف درست تاریخ — که در حال ورق خوردن است — ایستاده‌اید. شما اکنون بخشی از جبهه‌ی مقاومت را تشکیل داده‌اید، و در زیر فشار بی‌رحمانه‌ی دولتتان — که آشکارا از رژیم غاصب و بی‌رحم صهیونیست دفاع میکند — مبارزه‌ای شرافتمندانه را آغاز کرده‌اید.

دولت آمریکا و شرکایش، حتی از یک احم در برابر این تروریسم دولتی و ظلم مستمر، دریغ کردند. امروز هم برخی اظهارات دولت ایالات متحده در قبال جنایت هولناک غزه بیش از آنچه واقعی باشد، ریاکارانه است. «جبهه‌ی مقاومت» از دل این فضای تاریک و یأس‌آلود سر برآورد و تشکیل دولت «جمهوری اسلامی» در ایران، آن را گسترش و توانایی داد.

جبهه‌ی بزرگ مقاومت در نقطه‌ای دور، با همین ادراک و احساسات امروز شما، سالها است مبارزه میکند. هدف این مبارزه، توقفِ ظلم آشکاری است که یک شبکه‌ی تروریست و بی‌رحم به نام «صهیونیست‌ها»، از سالها پیش بر ملت فلسطین وارد ساخته و پس از تصرف کشورشان، آنها را زیر سخت‌ترین فشارها و شکنجه‌ها گذاشته است. نسل‌کشی امروز رژیم آپارتاید صهیونیست، ادامه‌ی رفتار بشدت ظالمانه در ده‌ها سال گذشته است.

سردمداران صهیونیسم بین‌المللی که بیشترین بنگاه‌های رسانه‌ای در آمریکا و اروپا متعلق به آنها یا زیر نفوذ پول و رشوه‌ی آنها است، این مقاومت انسانی و شجاعانه را تروریسم معرفی کردند! آیا ملتی که در سرزمین متعلق به خود در برابر جنایتهای اشغالگران صهیونیست از خود دفاع میکند، تروریست است؟ و آیا کمک انسانی به این ملت و تقویت بازوان او کمک به تروریسم به شمار میرود؟

فلسطین یک سرزمین مستقل است با ملتی متشکل از مسلمان و مسیحی و یهودی، و با سابقه‌ی تاریخی طولانی. سرمایه‌داران شبکه‌ی صهیونیستی پس از جنگ جهانی، با کمک دولت انگلیس، چند هزار تروریست را بتدریج وارد این سرزمین کردند؛ به شهرها و روستاهای آن هجوم بردند؛ ده‌ها هزار نفر را کشتند یا به کشورهای همسایه راندند؛ خانه‌ها و بازارها و مزرعه‌ها را از دست آنان بیرون کشیدند، و در سرزمین غصب‌شده‌ی فلسطین، دولتی به نام اسرائیل تشکیل دادند.

سردمداران سلطه‌ی قهرآمیز جهانی، حتی به مفاهیم بشری هم رحم نمیکنند. رژیم تروریست و بی‌رحم اسرائیل را دفاع‌کننده از خود وانمود میکنند، و مقاومت فلسطین را که از آزادی و امنیت و حق تعیین سرنوشت خود دفاع میکند، «تروریست» مینامند!

بزرگترین حامی این رژیم غاصب، پس از نخستین کمکهای انگلیسی، دولت ایالات متحده‌ی آمریکا است که پشتیبانی‌های سیاسی و اقتصادی و تسلیحاتی از آن رژیم را یکسره ادامه داده و حتی با بی‌احتیاطی غیر قابل بخشش، راه برای تولید سلاح هسته‌ای را به روی او گشوده و به او در این راه کمک کرده است.

من می‌خواهم به شما اطمینان دهم که امروز وضعیت در حال تغییر است. سرنوشت دیگری در انتظار منطقه‌ی حساس غرب آسیا است. بسیاری از وجدانها در مقیاس جهانی بیدار شده و حقیقت در حال آشکار شدن است. جبهه‌ی مقاومت هم نیرومند شده و نیرومندتر خواهد شد. تاریخ هم در حال ورق خوردن است.

رژیم صهیونیست از روز اول، سیاست «مشت آهنین» را

بجز شما دانشجویان ده‌ها دانشگاه در ایالات متحده، در کشورهای دیگر هم دانشگاه‌ها و مردم به پا خاسته‌اند. همراهی و پشتیبانی استادان دانشگاه از شما دانشجویان حادثه‌ی مهم و اثرگذاری است. این میتواند در قبال شدت عمل پلیسی دولت و فشارهایی که بر شما وارد میکنند،



مقاومت با فراگیری و عمل به این دستورها و صدها نظائر آن به پیش میرود و به پیروزی خواهد رسید؛ باذن الله. توصیه میکنم با قرآن آشنا شوید.

سیدعلی خامنه‌ای
۱۴۰۳/۳/۵

تا اندازه‌ای آرامش‌بخش باشد. من نیز با شما جوانان احساس همدردی میکنم و ایستادگی شما را ارج مینهم. درس قرآن به ما مسلمانان و به همه‌ی مردم جهان، ایستادگی در راه حق است: فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ؛ (۱) و درس قرآن درباره‌ی ارتباطات بشری این است: نه ستم کنید و نه زیر بار ستم بروید: لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ. (۲) جبهه‌ی

پیام‌های شخصیت‌های

خارجی به مناسبت

شهادت

آیت‌الله العظمی

سید علی خامنه‌ای

(رضوان الله

تعالی علیه)



نبیه بری

نبیه بری، رئیس مجلس لبنان، در پی شهادت آیت‌الله خامنه‌ای در حمله روز شنبه آمریکا و اسرائیل، پیام تسلیتی صادر کرد و اظهار داشت که این شهادت موجب تقویت امت اسلامی خواهد شد.



جنبش جهاد اسلامی فلسطین

جنبش جهاد اسلامی فلسطین و شاخه نظامی آن روز یکشنبه در بیانیه‌ای شهادت آیت‌الله خامنه‌ای را تسلیت گفتند و اعلام کردند که راه فداکاری‌ها و مبارزات ایشان در حمایت از آرمان فلسطین را گرامی می‌دارند. این جنبش همچنین تأکید کرد که هدف قرار دادن رهبران، نیروهای مقاومت را از ادامه راهشان باز نمی‌دارد و بر اعتماد کامل خود به توانایی جمهوری اسلامی ایران برای غلبه بر این بحران و ادامه راه رهبرانش تأکید کرد.



پاپ لئوی چهاردهم

پاپ لئوی چهاردهم، رهبر کلیسای کاتولیک، نسبت به حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران ابراز «نگرانی عمیق» کرد و افزود که صلح با تهدید یا سلاح‌های مرگبار محقق نخواهد شد. به گزارش «واتیکان نیوز» در روز یکشنبه، پاپ در واکنش به حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران، با اشاره به گسترش خشونت در خاورمیانه، از کشورها خواست تا مسئولیت اخلاقی خود را برای دستیابی به صلح به خاطر آورند.



رئیس‌جمهور پوتین

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، ضمن ابراز عمیق‌ترین مراتب تسلیت خود در پی ترور رهبر ایران توسط آمریکا و اسرائیل، این اقدام را نقض تمامی موازین اخلاق انسانی و قوانین بین‌المللی خواند. پوتین افزود که از آیت‌الله خامنه‌ای همواره در روسیه به عنوان دولتمردی برجسته یاد خواهد شد؛ شخصیتی که نقشی بسزا در توسعه روابط دوستانه میان مسکو و تهران و ارتقای مناسبات موجود به سطح مشارکت راهبردی جامع ایفا کرد.



رئیس جمهور ترکیه

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، شهادت رهبر انقلاب اسلامی را تسلیت گفت. اردوغان روز یکشنبه در پیامی در شبکه اجتماعی «ایکس»، ضمن ابراز تأسف از ترور آیت الله خامنه‌ای در حمله مشترک آمریکا و اسرائیل، برای ایشان طلب رحمت الهی کرد و مراتب تسلیت و همدردی خود را به نمایندگی از کشور و ملت ترکیه به ملت برادر ایران ابراز داشت.



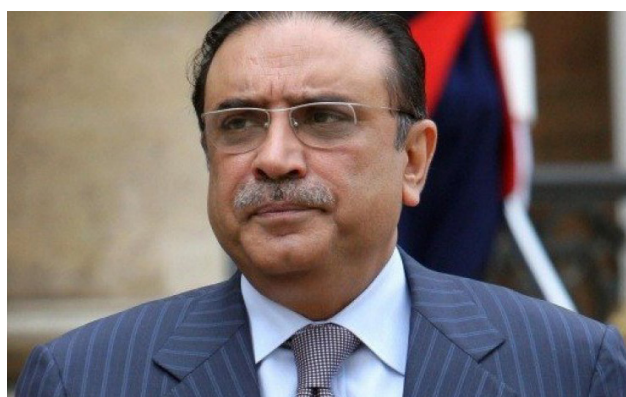
جمهوری آذربایجان

وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان نیز در تماس تلفنی با وزیر امور خارجه، دکتر عراقچی، شهادت آیت الله خامنه‌ای را تسلیت گفت. در جریان این گفتگو، دکتر عراقچی بر عزم راسخ ایران برای دفاع از کشور در برابر تجاوز تأکید کرد.



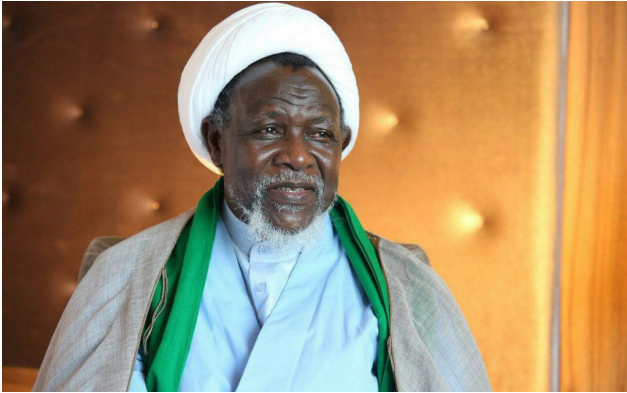
رئیس جمهور گوبا

میگل دیاز-کانل برمودز، رئیس جمهور گوبا، شهادت آیت الله خامنه‌ای را به ملت، دولت و رئیس جمهور ایران تسلیت گفت و آن را نقض آشکار حقوق بین الملل خواند. دیاز-کانل برمودز در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «ترور شنیع آیت الله سید علی خامنه‌ای، نقض فاحش تمامی موازین حقوق بین الملل و کرامت انسانی است.»



رئیس جمهور پاکستان

آصف علی زرداری، رئیس جمهور پاکستان، شهادت آیت الله خامنه‌ای را تسلیت گفت و گفت که فقدان ایشان در تمام جهان اسلام احساس خواهد شد. زرداری در پیام تسلیت خود در روز یکشنبه، نگرانی خود را در مورد هدف قرار دادن سران کشورهای مستقل ابراز کرد. او با ملت و دولت ایران در مورد ترور آیت الله خامنه‌ای و برخی از ژنرال‌های ارشد ایرانی توسط آمریکا و اسرائیل ابراز همدردی کرد و گفت که پاکستان در این لحظه غم بزرگ در کنار ایران ایستاده است.



شیخ ابراهیم زکزاکی

وقتی دشمنان این افراد را کشتند، فکر می‌کردند که کار رهبر معظم انقلاب و فرماندهان ارشد نظامی - از جمله هر چهل نفرشان - تمام شده است.

در ابتدا، دشمنان تصور می‌کردند که کل ماجرا فقط چهار روز طول خواهد کشید - نقشه آنها حذف رهبر و فرماندهان ارشد بود، پس از آن مردم، که از حکومت خسته شده بودند، علیه آن قیام خواهند کرد و منجر به فروپاشی آن و تغییر قدرت خواهد شد.

شهادت سید قائد نشان داد که آنها (دشمنان) با خود انقلاب اسلامی مخالفند و سعی در سرکوب آن دارند، اما اگرچه از گسترش جهانی آن می‌ترسیدند، اما این انقلاب از قبل گسترش یافته بود.



سید عمار الحکیم

سید عمار الحکیم، رهبر جریان حکمت ملی عراق، طی بیانیه‌ای ضمن ابراز تأسف از این حادثه، مراتب تسلیت خود را به امت اسلامی و تمامی دوستان و جویندگان حقیقت در سراسر جهان ابراز داشت.



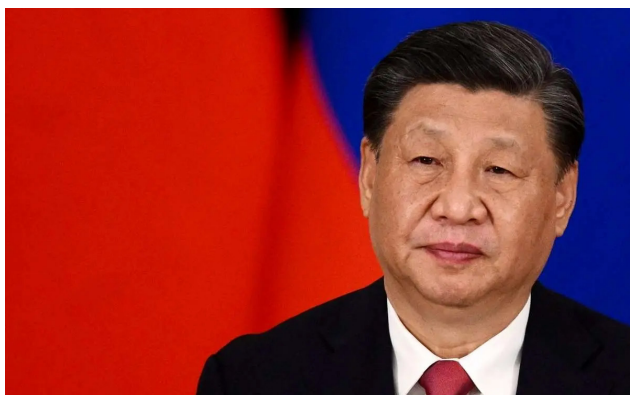
رئیس‌جمهور تاجیکستان

امامعلی رحمان، رئیس‌جمهور تاجیکستان، در پیامی خطاب به مسعود پزشکیان در تاریخ ۲ مارس، شهادت آیت‌الله خامنه‌ای را تسلیت گفت. رحمان بر نقش کلیدی آیت‌الله خامنه‌ای در توسعه مناسبات همه‌جانبه و روابط سازنده میان تاجیکستان و ایران تأکید کرد و برای آیت‌الله خامنه‌ای و تمامی شهدای حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران، از درگاه خداوند طلب رحمت کرد.



نخست‌وزیر پاکستان

شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، شهادت رهبر انقلاب اسلامی را به دولت و ملت ایران تسلیت گفت. وی اظهار داشت که این جنایت، نقض مقررات بین‌المللی بوده است.



چین

چین ایالات متحده و رژیم اسرائیل را به دلیل شهادت آیت‌الله خامنه‌ای محکوم کرد و این اقدام را مغایر با منشور سازمان ملل متحد دانست.



افغانستان

سخنگوی وزارت امور خارجه طالبان روز یکشنبه حملات آمریکا و اسرائیل به ایران را محکوم کرد و نسبت به گسترش درگیری‌ها ابراز نگرانی نمود.

وی اظهار داشت که آیت‌الله خامنه‌ای «در راه دفاع از مصالح جامعه خود کوشید و بنیان‌گذار رویکردی مبتنی بر ایستادگی و پابندی به اصول بود.»



شیخ نعیم قاسم

شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان، نیز شهادت آیت‌الله خامنه‌ای را تسلیت گفت و ترور ایشان را «لکه‌ای سیاه» بر پیشانی تاریخ بشریت توصیف کرد.



دبیرکل سازمان همکاری شانگهای

نورلان یرمک‌بایف، دبیرکل سازمان همکاری شانگهای، مراتب تسلیت خود را به مناسبت شهادت آیت‌الله خامنه‌ای، خطاب به مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، و عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، و همچنین سایر مقامات و غیرنظامیان، ابراز داشت.



نوری المالکی

نوری المالکی، نخست وزیر سابق عراق که برای بازگشت به قدرت تلاش می‌کند، شهادت آیت الله خامنه‌ای را تسلیت گفته است. مالکی در پستی در شبکه X، از آیت الله خامنه‌ای به خاطر ایفای نقش بزرگ در بیداری اسلامی و حمایت از امت اسلامی در مسیر جهاد و آزادی تقدیر کرد.



شیخ عیسی قاسم

شیخ عیسی قاسم، رهبر شیعیان بحرین، شهادت رهبر انقلاب اسلامی آیت الله سید علی خامنه‌ای را در حملات آمریکا و اسرائیل به تهران تسلیت گفت. شیخ قاسم روز سه‌شنبه در پیامی تسلیت تأکید کرد: «امروز، افزایش عزم جهاد برای عزت امت، یک فریضه دینی برای امت اسلامی است.»



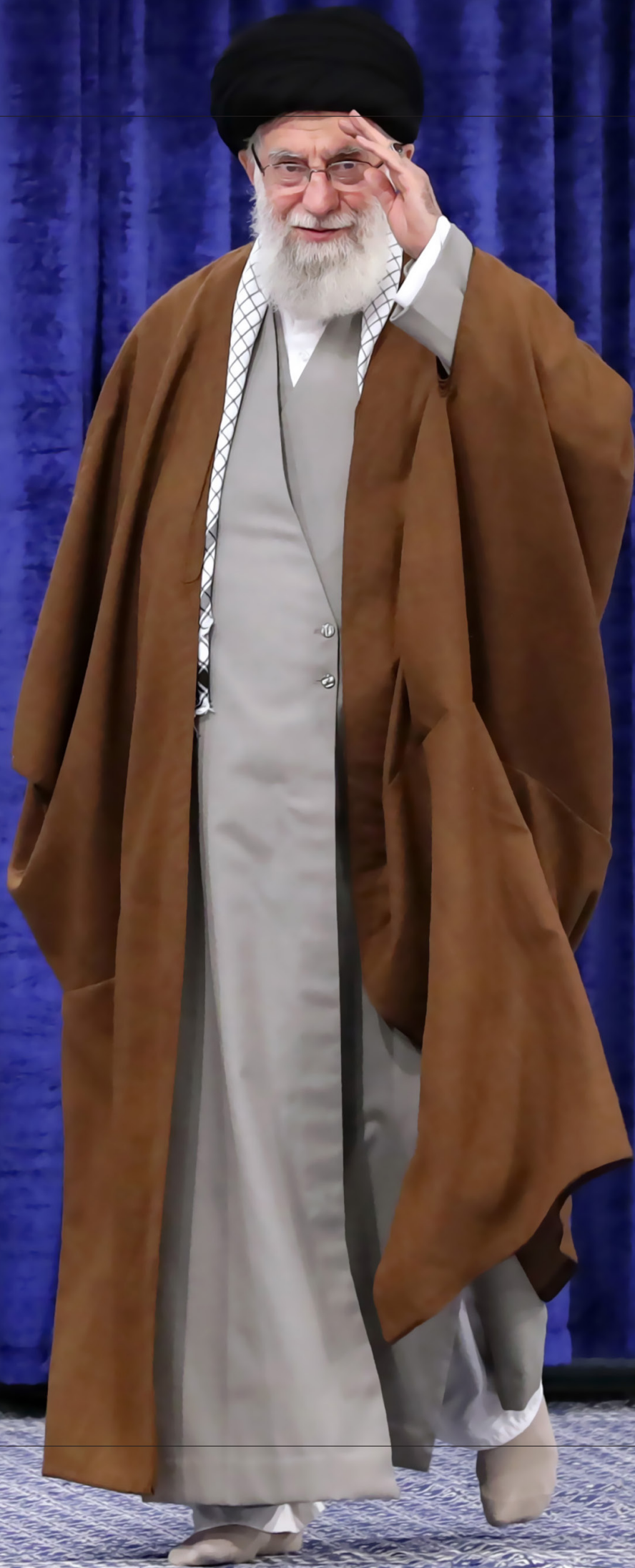
اسحاق جهانگیری

معاون اول پیشین رئیس‌جمهور، نیز روز یکشنبه با صدور پیامی، ترور آیت‌الله خامنه‌ای را محکوم کرد. وی خاطرنشان کرد که این شهادت، خونی تازه در کالبد ایران و نیروهای مسلح آن برای دفاع از کشور دمیده است.



وزیر امور خارجه عراق

وزیر امور خارجه عراق در گفتگوی تلفنی با همتای ایرانی خود، شهادت رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، را تسلیت گفت. به گزارش خبرگزاری رسمی عراق، فواد حسین طی تماس تلفنی با عباس عراقچی، مراتب تسلیت خود را به ملت و دولت ایران ابراز داشت. این دیپلمات ارشد عراقی بر لزوم پایان یافتن جنگ تأکید کرد.



دو شعر از احمد امور زبان، انگلستان

شجره طیبه

خدایا، لطفاً،

بگذار ببینند، لطفاً،

ایالات متحده یک کشور نیست،

ایالات متحده یک بیماری است.

به سوی رویاهایمان گام برمی داریم،

در پناه مهرآمیز خداوند.

تنها توشه‌ی ما امید است؛

امیدی که در چشمان کودکانمان می درخشد،

در خنده‌هایشان، در وزنِ سبکِ کیف‌های

مدرسه‌شان،

در معصومیتِ پرسش‌هایشان،

و در جهش‌های کوچکشان بر سنگ‌فرشِ مسیرِ

مدرسه.

پیش می‌رویم، غرق در عطرِ تاریخ،

که نفَسش بر اکنون می‌نشیند.

به سخنش گوش می‌سپاریم،

اما در سایه‌اش نمی‌آساییم.

رویاهای ما پلی معلق میان دو خلأ نیستند،

رویاهای ما «شجره‌ی طیبه» ای زنده‌اند،

که ریشه‌هایش در ژرفای خاک است،

و شاخه‌هایش در نیایش، به سوی آسمان‌ها

برافراشته.

صد و هشتاد غنچه‌ی گل سرخ؛

خونشان را ریختی.

صد و هشتاد:

عددی که در سیاهه‌ی طویل جنایات محو می‌شود،

عددی گم‌شده

در سکوتِ وجدانی مرده،

عددی که فریادکنان

از دفترهای خون‌آلودِ کودکان

سر برمی‌آورد.

تو دستِ شیطان هستی،

آغشته به خونِ گل‌ها؛

گل‌هایی که روبان‌هایشان هنوز از طراوتِ صبح

می درخشد،

حیاتِ مدارس که نامشان را طنین‌انداز می‌کند،

و زمین‌های بازی که سکوتشان را در خود نگه

داشته‌اند.

خدایا، لطفاً،

بگذار ببینند، لطفاً،

ایالات متحده یک کشور نیست،

ایالات متحده یک بیماری است.

مرگ فرصتی برای سوگواری برایمان باقی نگذاشت

ما نه اشکی بر گونه‌ای سوگواریم،
و نه سرخط خبری که با شتاب بلعیده
می شود.

ما آن لرزشِ اندوه در صدای گوینده نیستیم.
ما آینه‌های شماییم؛ آینه‌های ملتی، که به
قلمرو نادیدنی‌ها تبعید شده،
و میانِ چوپان و گله پراکنده گشته.

ما نه گفتگویی بر سر میز هستیم،
نه پیچ و گپ و گفت، و نه ستونی در
روزنامه‌ی فردا.

ما رخت‌شوی‌خانه‌ی وجدان‌های شما
نیستیم،
وجدان‌هایی که لکه‌دار شده‌اند،
از همان روزی که نخستین بار،
قدرت، خود را در جامه‌ی تقدس پنهان کردید.

ما انقلابی هستیم که زیر آوارها جوانه
می زند،
نبضِ حیاتی در ملتی که هزار سال است،
بر بستر خلیفه خفته است.

ما ویرانه‌های یک گذشته‌ی ساختگی
هستیم،
روزهای ما روایتِ مرگ است،
مرگ، رویدادهایش به هرزبانی،
مرگ، قهرمانانش، مرگ نویسنده‌اش.

کجا می‌توانیم تکه‌ای نان بیاییم،
و برای سیر کردنِ بیست جسد،
که نظاره‌گر زوالِ تدریجی خویش‌اند؟
کجا می‌توانیم قطره‌ای آب بیاییم،
آن‌گاه که تنها نوشیدنی ما،
اشک‌های فرزندانمان است؟

ما نام‌هایمان را بر تن‌هایمان می‌نویسیم.
ما نام‌های مردگان را از پاره‌هایشان
می‌خوانیم.

هر کس از میان زندگان مرا بیابد، آنچه از
من باقی مانده را با خود ببرد.
این دست من است، آن را تنها نگذارید.

آن را با بقیه بدنم دفن کنید.
آن قدر درگیرِ مرگیم که فرصت سوگواری نداریم،

آن قدر سرگرم خیره شدن به چشمان کسانی هستیم،
 که به زودی و پیش از ما کشته خواهند شد.
 تنها آرزوی ما به خاک سپردن پیکری کامل،
 نه تکه پاره‌ها، و نه بقایا.
 وقتی برای اشک ریختن نیست،
 سرگرم خاموش کردن گوشت در حال سوختن کودکان در جاده‌ایم.
 جسدی پیش رو، جسدی پشت سر،
 یکی سمت راست، یکی دیگر سمت چپ.
 کسی که هنوز در حال جان دادن است،
 زمین، گور است و مرگ ما در انتظار است.
 بالای ویرانه و درون ویرانه،
 دو عاشق و نگاهی از عشق،
 که از رنج در هم شکسته بود.
 او گفت: "من جنگ را با عشق شکست خواهم داد."
 "من از او خواستگاری خواهم کرد،
 قبل از اینکه مرگ به او برسد."
 مرگ احمق در اطراف ما بود،
 خودش را جمع و جور کرد،
 به سمت صحبت رفت، اما حرفی نزد.
 سرعت مرگ، بیشتر بود،
 او بر زمین افتاد، در حالی که گلوله‌ها پیکرش را شکافته بود.
 خون او، پیراهن نامزدش را غرق در خون کرده بود.
 فریادی از وحشت در چشمانش شعله می کشید،
 کاش دنیا هرگز آفریده نشده بود.
 ما قربانیان شماییم و خون ما تخت‌های (حکومت) شما را استوار نگه می‌دارد.
 بیابانی که از شمشیرهای شقاق بزرگ تا خون تازه شهیدان امتداد دارد.
 در زیر آن رودخانه‌هایی جاری است از نفت و از خون.
 مردمانی پرشمار، خبرگان امور نادیدنی:
 شکیبایی، گور، فرمان برداری، سرکوب، تن زنان، و دانش مرگ.
 جمعیتی میلیاردي، که گرچه همچون شیران می‌غرند،
 و در اختلاف و هياهو، پرخروشند،
 اما در برابر حقيقت، خاموشند.
 جمله‌ای حک شده بر دیوار:
 امید بستن به آن‌ها،
 همچون شستن صورت در لجن است.

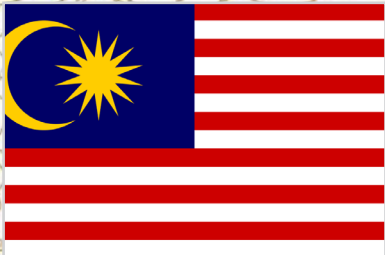


دین شمس الدین از اندیشمندان و شخصیت های برجسته اسلامی اندونزیایی

ما، مردم اندونزی، عمیق ترین تسلیت خود را به مناسبت شهادت امام خامنه ای، امام شهید، در نتیجه ظلم و تجاوز اسرائیل و ایالات متحده آمریکا ابراز می کنیم. این اقدام، عملی بسیار شنیع و بی رحمانه است که باید آن را رد و محکوم کنیم؛ زیرا در آن یک رهبر از کشور دیگری به قتل رسیده است.

از این رو بسیاری از ما در اندونزی با ایران ابراز همدردی می کنیم و حمله اسرائیل و آمریکا به ایران را به عنوان اقدامی تجاوزکارانه علیه حاکمیت یک کشور دیگر محکوم و رد می کنیم. ما از سازمان ملل متحد می خواهیم به دلیل نقض قوانین بین المللی و حقوق بشر توسط اسرائیل و آمریکا اقدام کند. همچنین از سازمان همکاری اسلامی (OIC) می خواهیم که یک نشست اضطراری برگزار کند و در چارچوب همبستگی اسلامی گام های قاطع بردارد. همچنین از رئیس جمهور اندونزی، پرابوو سوبیانٹو، می خواهیم که از «هیئت صلح» خارج شود؛ زیرا هیئت صلحی که توسط دونالد ترامپ ایجاد شده، در واقع پوششی است که عمداً برای دادن آزادی عمل به اسرائیل جهت کنترل فلسطین طراحی شده است. ما همه در کنار ایران ایستاده ایم. ما از جمهوری اسلامی ایران حمایت می کنیم و امیدواریم ایران اقدام متقابل انجام دهد تا تل آویو را نابود کند و در صورت لزوم با کشتن نتانیاهو انتقام بگیرد. باشد که خداوند متعال به ما، به جهان اسلام، به ملت ایران و به همه مسلمانان و دینداران در سراسر جهان قدرت عطا کند تا در کنار حقیقت و عدالت بایستیم و در برابر تجاوز و اقدامات ظالمانه اسرائیل مقاومت کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله.



محمد فیصل عبدالعزیز

**مالزی - رئیس سازمان پرسیه
مالزی، حقوقدان**

یکی از آثار برجسته آیت الله خامنه‌ای با عنوان «تهاجم فرهنگی» (الغزو الثقافي: المقدمات والخلفیات التاریخیه) را می‌توان سهمی بسیار مهم و تأثیرگذار دانست. مفهوم‌پردازی ایشان از «جنگ فرهنگی» از مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها و خطاب‌های عمومی استخراج شده است. ایشان معتقد بودند که شدیدترین و تعیین‌کننده‌ترین شکل درگیری از طریق نیروی نظامی نیست، بلکه در حوزه فرهنگ است. جنگ فرهنگی به عنوان شکلی ظریف از اجبار سیاسی و اقتصادی توصیف می‌شود که به شیوه‌ای غیرمستقیم و اغلب نامحسوس عمل می‌کند. هدف اصلی آن، تابع کردن جوامع به سلطه خارجی است؛ به شیوه‌ای قابل مقایسه با دستورالعمل‌های فکری و فرهنگی که تاریخاً با پروژه‌های شرق‌شناسانه مرتبط بوده است. بر اساس این چارچوب، جنگ فرهنگی از سه مرحله اصلی می‌گذرد:

نخست: فرسایش اعتقادات دینی؛

دوم: گسست مردم از هویت و باورهای انقلابی‌شان؛

سوم: تضعیف توانایی یک جامعه برای تولید دستاوردهای معنادار و اقتدار آفرین، از طریق ترویج ترس، توجیهات بی‌ارزش و بازدارندگی روانی از طریق درونی‌سازی این اندیشه‌ها، جامعه ایران در برابر اشکال نوین سلطه مقاومت بسیج کرده و از این طریق به خوداتکایی و استقلال از نفوذ غرب دست یافته است.

این نگرش به عنوان الهام‌بخش بالقوه برای جوامع سراسر جهان در تلاش برای حفظ حاکمیت، یکپارچگی فرهنگی و کرامت جمعی مطرح است.



پروفسور آدولفو مورگانی ایتالیا استاد دیالوگ بین ادیان

خبر شهادت رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران، هنگام تجاوز مسلحانه از سوی ایالات متحده و اسرائیل به ما رسید؛ تجاوزی که کاملاً بی‌دلیل بود، مگر در چارچوب تروریسم دولتی. مایل هستم به همه شما، که می‌توانم شما را دوستان در ایمان به خدا بنامم، صمیمانه‌ترین تسلیت‌های خود را عرض نموده و پرشورترین آرزوی قلبی‌ام را ابراز دارم که رنج‌های ملت ایران بتواند فصل جدیدی از شجاعت و دفاع از حقوق مشروعشان را آبیاری کند. در رابطه با شهادت رهبر معظم، مایلم پیش از هر چیز به خودم کلماتی را یادآوری کنم که پولس قدیس (پولس طرسوسی) اندکی پیش از شهادتش بیان کرد: در جنگ نیکو جنگیده‌ام، دوره را به پایان رسانیده و ایمان را نگاه داشته‌ام. از این پس، تاج عدالت برای من مهیا شده است که خداوند، آن داور عادل، در آن روز به من خواهد داد؛ و نه فقط به من، بلکه به همه کسانی که ظهور او را با عشق انتظار می‌کشند. بدون شک، این همان چیزی است که در انتظار رهبر معظم نیز هست. باشد که شهدای مقدس، ما را تا زمان ظهور ایشان هدایت فرمایند.

شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی و کودکان میناب؛ نقض عامدانه قوانین بین‌المللی و حقوق بشر





در صبح روز ۹ اسفند ۱۴۰۴، تصاویر هولناکی از کیف‌های مدرسه‌ی صورتی‌رنگ آغشته به خون دست‌به‌دست شد که ابعاد یک فاجعه‌ی ویرانگر را آشکار می‌ساخت. در جریان حمله‌ای مشترک از سوی نیروهای ایالات متحده و رژیم اسرائیل به خاک ایران، دبستان «شجره طیبه» در شهر میناب (استان هرمزگان) هدف اصابت موشک قرار گرفت. این حمله در ساعات حضور دانش‌آموزان در مدرسه رخ داد و منجر به جان‌باختن ۱۶۸ دختر بچه در رده‌ی سنی ۷ تا ۱۲ سال شد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، مسئولیت این حمله را رد کرد و کوشید تا تقصیر را متوجه ایران کند. با این حال، این ادعاها با شواهد میدانی و یافته‌های فنی تضاد آشکاری دارند. چندین رسانه بزرگ غربی، مسئولیت این حمله را به دولت ایالات متحده نسبت دادند. شبکه سی‌ان‌ان گزارش داد که حمله مرگبار به مدرسه میناب توسط ایالات متحده انجام شده و خاطر نشان کرد که وسعت تخریب، حاکی از استفاده از مهمات هدایت‌شونده دقیق بوده است.



روزنامه نیویورکتایمز نیز گزارش داد که حمله به مدرسه ابتدایی میناب توسط ایالات متحده صورت گرفته است. شهادت جانگاہ دانش آموزان در «میناب»، یادآور دردناک خشونت‌های مستمری است که هدف آن ایجاد رعب و وحشت در میان ملت‌هاست. در پی ترور و شهادت شخصیت برجسته‌ای همچون آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر عالی ایران اسلامی، این اقدام شوم تلاشی حساب‌شده از سوی دشمنان برای القای ترس به مردم ایران به نظر می‌رسد. دشمن با هدف قرار دادن کودکان بی‌گناه، در پی آن بود که جامعه ایران را دچار هراس سازد، تار و پود جامعه را متزلزل کند و با بهره‌گیری از ترور به عنوان سلاحی برای تضعیف ایمان و تاب‌آوری، به اهداف خود دست یابد. چنین اقدامات شنیعی با هدف قرار دادن قلب ملت و دامن زدن به ناامیدی در میان مردم طراحی شده‌اند. در این شرایط، بسیار حیاتی است که جامعه در برابر این جنایات متحد شود و دریابد که قدرت روحیه جمعی‌اش، بزرگ‌ترین سپر دفاعی در برابر چنین تلاش‌هایی برای ایجاد تفرقه و ویرانی است.



پژواک‌های عدالت: آفریقا در کانون دیدگاه امام سید علی خامنه‌ای

بنیادهای نبوی: برابری نژاد و کرامت انسانی

هرگونه بحثی پیرامون همبستگی اسلامی با آفریقا باید با آموزه‌های پیامبر اسلام (ص) آغاز شود؛ پیامبری که رسالتش نظام‌های عمیقاً ریشه‌دار سلسله‌مراتب نژادی و اجتماعی را به چالش کشید.

یکی از قدرتمندترین نمادهای این دگرگونی، «بلال بن رباح» بود؛ برده‌ای آفریقایی‌تبار که به مقام نخستین مؤذن در اسلام برگزیده شد. در جامعه جاهلی که بر پایه نظام قبیله‌ای و تبعیض نژادی بنا شده بود، ارتقای جایگاه بلال، بیانیه‌ای انقلابی محسوب می‌شد که نشان می‌داد ارزش انسان نه با نژاد، رنگ پوست یا تبار، بلکه با درستکاری و منش اخلاقی سنجیده می‌شود.

همبستگی با ستم‌دیدگان نهفته است؛ تعهدی که ریشه در آموزه‌های اسلام دارد و در پرتو انقلاب اسلامی تداوم یافته است.

بنابراین، تعامل امام سید علی خامنه‌ای با آفریقا را نباید صرفاً به عنوان یک راهبرد سیاسی معاصر تلقی کرد؛ بلکه این امر تداوم‌بخش سنتی اخلاقی است که با پیامبر اکرم (ص) آغاز شد، توسط امام روح‌الله خمینی احیا گردید و همچنان الهام‌بخش مقاومت در برابر ظلم در سراسر جهان است.

در کلام قرآن کریم: «و ما اراده داشتیم که بر آن طایفه مستضعف در آن سرزمین منت گذارده و آنها را پیشوایان (خلق) قرار دهیم و وارث گردانیم.» (سوره قصص، آیه ۵) این نگرش قرآنی، شالوده‌ای را تشکیل می‌دهد که درک اسلامی از عدالت بر آن استوار است.



شیخ عبدالله ماکوینجا

مدیر شورای هدایت اسلامی اهل بیت
(علیهم السلام)
در زیمبابوه

روابط میان آفریقا و جمهوری اسلامی ایران اغلب از دریچه دیپلماسی، اقتصاد و ژئوپلیتیک نگریسته می‌شود. اگرچه این ابعاد حائز اهمیت‌اند، اما به‌طور کامل تبیین‌کننده مبانی عمیق‌تر اخلاقی و فکری این رابطه نیستند. در پس عرصه مناسبات دولتی، تعهدی عمیق به عدالت، کرامت انسانی و



به تاکید قرآن کریم:

”ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است.“ (سوره حجرات، آیه ۱۳)

اسلام از طریق چنین آموزه‌هایی، دیدگاهی جهانی از کرامت انسانی را بنیان نهاد که فراتر از تقسیم‌بندی‌های قومی و نژادی بود. این میراث نبوی همچنان رویکردهای معاصر اسلامی به عدالت و همبستگی را شکل می‌دهد.

انقلاب اسلامی و بازتعریف مفهوم عدالت

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نقطه عطفی را در احیای نوین اندیشه سیاسی اسلامی رقم زد. این انقلاب به رهبری امام روح‌الله خمینی (ره)، نه تنها استبداد داخلی، بلکه نظام‌های جهانی سلطه و استثمار را نیز به چالش کشید.

محور اصلی گفتمان امام خمینی، تمایز میان «مستکبران» (ستمگران متکبر) و «مستضعفان» (ستم‌دیدگان) بود. این چارچوب، تحلیل سیاسی را از مباحث مربوط به قدرت و منافع، به سوی مباحث عدالت و مسئولیت اخلاقی سوق داد.

تعهد جمهوری اسلامی ایران به این اصل از همان روزهای نخستین آشکار شد. یکی از نخستین تصمیم‌های سیاست خارجی ایران، قطع روابط با رژیم‌های آپارتاید آفریقای جنوبی و اسرائیل بود؛ آن هم با وجود هزینه‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از این اقدام. انقلاب به‌طور علنی از جنیش‌های آزادی‌بخش حمایت می‌کرد و خود را هم‌سو

برابر سلطه خارجی و تلاش برای دستیابی به استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد.

مبارزات ضداستعماری زیمبابوه، نقطه تلاقی بسیار حائز اهمیتی را فراهم می‌آورد. تأکید این کشور بر حاکمیت، خوداتکایی و مقاومت در برابر فشارهای خارجی، بازتاب‌دهنده بسیاری از مضامین شاخص در اندیشه سیاسی امام سید علی خامنه‌ای است. این تجربیات مشترک، بستری مساعد برای گفتگوی فکری و اخلاقی میان آفریقا و انقلاب اسلامی ایجاد می‌کند.

توماس سانکارا، نلسون ماندلا و ادبیات مشترک مقاومت

میراث فکری و سیاسی «کاپیتان توماس سانکارا» (از رهبران انقلابی در آفریقای غربی) شباهت‌های چشمگیری با نگاه منتقدانه «امام خامنه‌ای» نسبت به بی‌عدالتی جهانی دارد. تأکید سانکارا بر استقلال اقتصادی و رد بدهی خارجی به عنوان ابزاری برای سلطه‌گری، بازتاب‌دهنده دقیق نظر مخالف امام سید علی خامنه‌ای نسبت به ساختارهای وابستگی نئوکولونیالیستی (استعمار نو) است.

هر دو رهبر، استقلال حقیقی را عنصری جدایی‌ناپذیر از کرامت و حق تعیین سرنوشت می‌دانستند. هر دو با نظام‌هایی که در پی تابع ساختن کشورهای در حال توسعه در برابر قدرت‌های خارجی بودند، به مقابله برخاستند.

این شباهتها صرفاً جنبه نظری نداشتند. اسناد تاریخی، دیداری قابل‌توجه را میان آیت‌الله علی خامنه‌ای جوان - که در آن زمان رئیس‌جمهور ایران بود - و کاپیتان توماس سانکارا ثبت کرده‌اند؛ دیداری که بازتاب‌دهنده تعهدی مشترک به رهایی ملت‌های تحت‌ستم بود.

به همین ترتیب، مبارزه نلسون ماندلا علیه آپارتاید، ارزش‌هایی را در خود جای داد که به شدت با گفتمان امام سید علی خامنه‌ای در مورد عدالت و مقاومت نزدیک است. تأکید رئیس‌جمهور ماندلا بر کرامت، استقامت و مشارکت مردمی در مبارزات آزادی‌بخش، در جمهوری اسلامی مورد تحسین قرار گرفت.

نلسون ماندلا در جریان سفر خود به تهران پس از آزادی

با مبارزات علیه استعمار، نژادپرستی و سلطه‌گری می‌دانست.

یک نمونه قابل توجه در این خصوص در جریان تسخیر لانه جاسوسی آمریکا رخ داد، یعنی زمانی که امام خمینی دستور آزادی گروگان‌های زن و سیاه‌پوست آمریکایی را صادر کرد. این اقدام منعکس‌کننده تمایز اصولی بین ستمگران و کسانی بود که خود مورد ستم قرار گرفته‌اند و تجسم دستور قرآن برای دفاع از آسیب‌پذیران بود.

پیام‌های سالانه امام خمینی (ره) به مناسبت حج، بازتاب‌دهنده دغدغه‌ای عمیق نسبت به مردمان ستمدیده سراسر جهان، از جمله مردم آفریقا بود. ایشان با تأکید بر رسالت جهانی انقلاب اسلامی، اعلام می‌داشتند: «فریاد ما برای آفریقا است؛ فریاد ما برای مستضعفان، گرسنگان و محرومان جهان است.» آن حضرت با چنین سخنانی تأکید می‌کردند که مبارزه آفریقا علیه استعمار، نژادپرستی و استثمار، بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه جهانی و گسترده‌تر برای عدالت و آزادی است.

در این چارچوب، تعاملات بعدی امام سید علی خامنه‌ای با آفریقا نه به مثابه عدول از سنت انقلابی، بلکه به عنوان یکی از طبیعی‌ترین تداوم‌های آن جلوه‌گر می‌شود.

آفریقا و آگاهی انقلابی در اندیشه امام سید علی خامنه‌ای

در جهان‌بینی امام سید علی خامنه‌ای، آفریقا جایگاهی منحصربه‌فرد در مبارزه جهانی برای عدالت دارد. تاریخ استثمار استعماری، مقاومت و آرمان‌های تعیین سرنوشت در این قاره، با نقد کلان ایشان نسبت به امپریالیسم و سلطه‌گری، پیوندی عمیق دارد. تعامل ایشان با کشورهای آفریقایی، از جمله زیمبابوه، فراتر از همکاری‌های دیپلماتیک بود. این تعامل ریشه در تجربه‌ای تاریخی و مشترک از مقاومت در

خارجی بدانند، بر پتانسیل آفریقا برای شکل‌دهی به روابط بین‌الملل، توسعه اقتصادی و نوسازی فرهنگی تأکید می‌ورزند.

حمایت ایشان از همکاری‌های جنوب-جنوب، استقلال فکری و اعتماد به نفس فرهنگی، بازتاب‌دهنده تعهدی گسترده‌تر به توانمندسازی ملت‌هایی است که از دیرباز در حاشیه ساختارهای قدرت جهانی قرار داشته‌اند. در نگاه امام سید علی خامنه‌ای، آفریقا از حاشیه به کانون تاریخ حرکت می‌کند.

نتیجه‌گیری

تعامل امام سید علی خامنه‌ای با آفریقا را نمی‌توان صرفاً از طریق چارچوب‌های متعارف ژئوپلیتیک به درستی درک کرد؛ بلکه این تعامل باید در بستر سنت اخلاقی اسلامی گسترده‌تری جای گیرد که بر عدالت، کرامت انسانی و همبستگی تزلزل‌ناپذیر با ستم‌دیدگان تأکید می‌ورزد.

با بازخوانی گفتمانی که از زمان بلال بن رباح تا مالکوم ایکس، توماس سانکارا و نلسون ماندلا امتداد دارد، ما یک آگاهی اخلاقی فراملی را کشف می‌کنیم که تأکید بر مقاومت در برابر سلطه و نیز تعهد به کرامت انسانی دارد. در این چارچوب، آفریقا و مهاجران آن نه به عنوان بازیگران حاشیه‌ای، بلکه به عنوان شرکت‌کنندگان اصلی در مبارزه جهانی برای عدالت و نوسازی ظاهر می‌شوند. افزون بر آن، در نگاه امام سید علی خامنه‌ای، آفریقا در کانون نبرد معاصر میان مستضعفان و قدرت‌های سلطه‌گر جای دارد. دفاع همیشگی ایشان از مستضعفان و مخالفت سرسختانه اش با نظام‌های سلطه، وی را به منبع الهامی فراتر از مرزهای ایران بدل کرده است.

به همین دلیل، شهادتی که قدرت‌های استکباری بر او تحمیل کردند، تنها زبانی برای ایران نیست؛ بلکه فقدان بزرگ برای آفریقا نیز محسوب می‌شود، چرا که آرمان‌های این قاره برای دستیابی به کرامت، حاکمیت و عدالت، در کلام او مدافعی صادق یافته بود. این رویداد همچنین برای مستضعفان جهان ضایعه‌ای است که در رهبری او، تداوم رسالت نبوی در حمایت از محرومان و ایستادگی در برابر استبداد را می‌دیدند.

از زندان، به‌طور علنی مخالفت تزلزل‌ناپذیر جمهوری اسلامی با آپارتاید را مورد اذعان قرار داد. چنین لحظاتی نشان می‌داد که همبستگی در برابر ظلم می‌تواند از مرزهای ایدئولوژیک و فرهنگی فراتر رود. اگرچه سانکارا و ماندلا در چارچوب سنت‌های سیاسی سکولار فعالیت می‌کردند، اما مبارزاتشان بازتاب‌دهنده اصول اخلاقی بود که با تأکید قرآن بر عدالت و دفاع از ستم‌دیدگان، همسویی نزدیکی داشت.

مالکوم ایکس و جهانی‌سازی مقاومت اسلامی

پیوند میان اندیشه امام سید علی خامنه‌ای و جامعه آفریقایی‌تباران دور از وطن، شاید بیش از هر چیز از طریق سخنرانیهای مالکوم ایکس به وضوح نمایان می‌شود.

آیت‌الله خامنه‌ای بارها یاد و خاطره شهادت مالکوم ایکس را گرامی داشته و حتی خواستار قرائت سوره حمد به یاد او شده‌اند. چنین اقداماتی، مالکوم ایکس را به‌صورت نمادین در چارچوب روایتی اسلامی و گسترده‌تر از مقاومت و ایثار جای می‌دهند.

سیر تحول فکری مالکوم ایکس، مبارزات سپاه‌پوستان آمریکا را از یک جنبش محلی حقوق مدنی به بخشی از مبارزه‌ای جهانی و گسترده‌تر برای کرامت انسانی بدل کرد. او پس از سفر زیارتی خود به مکه، نگرشی جهان‌شمول نسبت به بشریت را پذیرفت که فراتر از مرزهای نژادی بود، و در عین حال، همچنان بر تأکید بر مقابله با ظلم در هر کجا که وجود داشته باشد، پایبند و استوار باقی ماند.

از این منظر، مالکوم ایکس پل ارتباطی مهمی میان آفریقا، جوامع دور از وطن (مهاجران) آن و جهان اسلام و در چارچوب آگاهی اخلاقی و سیاسی مشترک محسوب می‌شود.

آفریقا در چشم‌انداز و گفتمان معاصر اسلامی

در گفتمان معاصر، امام سید علی خامنه‌ای به‌طور فزاینده‌ای آفریقا را به عنوان بازیگری محوری در نظم جهانی در حال شکل‌گیری معرفی می‌کنند. ایشان به‌جای آنکه این قاره را صرفاً پذیرنده منفعل تأثیرات

با این حال، تاریخ گواهی می‌دهد که شهادت، آرمان برحق را از میان نمی‌برد؛ بلکه اغلب آن را تقویت می‌کند. آن بینشی که میان بلال بن رباح، مالکوم ایکس، توماس سانکارا، نلسون ماندلا، امام خمینی و امام خامنه‌ای پیوند ایجاد کرد، همچنان الهام‌بخش نسل‌های جدید در سراسر آفریقا و فراتر از آن برای پیگیری عدالت، استقلال و کرامت انسانی است.



امام سید علی خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه) احیاگر روحیه حسینی



ماریا پاملا جی

ساگولو، پژوهشگر و دبیرانجمن

زنان فرهیخته فیلیپینی-ایرانی



امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، در مواجهه با سپاه هزاران نفری دشمن که کمر به قتل ایشان بسته بودند، این پیام نهایی را خطاب به آنان بیان فرمودند: «اگر به هیچ دینی باور ندارید و از روز رستاخیز هراسی به دل راه نمی‌دهید، دست‌کم در این دنیا آزاده باشید (و از قید ستم و تکبر‌رهای یابید).»

عشق به آزادی در نهاد انسان جای دارد؛ از همین رو، جنبش‌های رهایی‌بخش همواره بر تار و پود تاریخ بشر نقش بسته‌اند. اگرچه ممکن است بسیاری از انقلابیون به اهداف خود دست یافته باشند، اما شمار اندکی از آنان میراثی بر جای گذاشته‌اند که توانسته است در آزمون دشوار گذر زمان پایدار بماند.

است که به‌طور طبیعی در پی خالق خود و جلوه‌های اوست؛ این همان گرایش به امور متعالی و هم‌سو با حقیقت غیرمادی انسان - همچون شرافت، شجاعت، کرامت و اصالت - و نیز بیزاری فطری از بی‌عدالتی، تکبر، ستم، استبداد و ناراستی است. این ویژگی‌ها در وجود امام حسین علیه السلام، تجلی یافت؛ کسی که با ایستادگی در برابر استبداد، شجاعت، پابندی، تزلزل‌ناپذیری به اصول و آمادگی برای فدا کردن همه چیز را به نمایش گذاشت و همان‌گونه که در دشت کربلا نشان داد، مرگ با عزت را بر تن دادن به ذلت ظلم ترجیح داد.

در آیه ۵۶ سوره ذاریات، خداوند متعال به‌صراحت دلیل آفرینش انسان را بیان می‌فرماید: «و من جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا (به یکتایی) پرستش کنند.»

همچنین، در آیه ۳۰ سوره بقره، خداوند متعال می‌فرماید: «و [ای محمد، یاد کن] وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت، گفتند: آیا کسانی در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خونها بریزند و حال آنکه ما خود تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟! خداوند فرمود: من چیزی (از اسرار خلقت بشر) می‌دانم که شما نمی‌دانید.»

در حدیثی از امام حسین علیه‌السلام آمده است: «خداوند موجودی را آفرید تا او را بشناسد؛ و چون او را شناخت، عبادتش کند؛ و چون عبادتش کرد، جز او را نپرستد.»

امام سید علی خامنه‌ای (ره) - رهبر عالی‌قدر فقید و جانشین بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی ایران، امام سید روح‌الله خمینی (ره) - رهبری انقلابی و ممتاز بود که میراث او نه تنها ملت ایران را قادر می‌سازد تا در بحبوحه چالش‌های خفقان‌آور به بالندگی خود ادامه دهند، بلکه مسیری بی‌نقص را نیز برای دستیابی انسان به آزادی حقیقی ترسیم می‌کند؛ آزادی از قید و بندهای دنیوی که مانع از شکوفایی غایی ظرفیت‌های انسان - یعنی هم‌سو ساختن روح با ساحت قدسی الهی - می‌شوند. این میراث، در واقع نهاده‌سازی «روح حسینی» است؛ روحی که خداوند در وجود هر انسانی به ودیعه نهاده تا پروژه الهی خلقت انسان را به کمال رساند.

در آیه ۹ سوره سجده، خداوند متعال می‌فرماید: «سپس آن (نطفه بی‌جان) را نیکو بیاراست و از روح (قدسی الهی) خود در آن بدمید، و شما را دارای گوش و چشم‌ها و قلب‌ها گردانید، باز بسیار اندک شکر و سپاسگزاری نعمت‌های حق می‌کنید.» امام حسین علیه السلام دریافته بود که موجودی غیرمادی است؛ بارقه‌ای از ذات الهی که به‌طور موقت در کالبدی مادی جای گرفته است.

او دریافته بود که خداوند متعال از سر مهر و محبت خویش نسبت به انسان، سازوکاری درونی در وجود هر فرد تعبیه کرده

و هنگامی که از امام حسین علیه السلام پرسیدند: «معرفتِ خدا به چه معناست؟» ایشان پاسخ دادند: «معرفتِ خدا برای مردمانِ هر عصر، آن است که امامِ زمانِ خویش را بشناسند؛ چرا که اطاعت از او بر آنان واجب است.» بدین سان، امام حسین علیه السلام بیان فرمودند که: امامت، بخشی از توحید است. هدفِ امامِ زمان، به کمال رساندنِ انسان از طریق شناختِ خداوند و عبادتِ اوست.

بنابراین، روح حسینی همان روحی است که پروردگار جهانیان را می‌شناسد و در برابر او تسلیم است؛ و در این مسیر، نماینده‌ی او بر روی زمین - یعنی «امامِ زمان» - را به رسمیت می‌شناسد و از او اطاعت می‌کند.

تجلی این روحیه حسینی در دنیایی که تحت سیطره نیروهای شیطانی قرار دارد، قطعاً برای ایالات متحده آمریکا غیرقابل پذیرش است؛ از این رو، ایران آماج حملات بی‌وقفه و پرشماری از تمامی جهات قرار گرفت.

امام سید علی خامنه‌ای (رضوان الله علیه) با اعتقادی راسخ به مقام امامتِ آن دوازده امام معصوم و پایبندی به آن، همواره بر اساس این کلام امام حسین علیه السلام عمل می‌کردند که «کسی همچون من با کسی همچون او (یزید) بیعت نمی‌کند»؛ از این رو، ایشان تنها با امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیعت کامل داشتند. بدین سان، با وجود آنکه ایالات متحده تمام توان نظامی خود را درست در همسایگی و بیخ گوش ایران مستقر کرده بود، امام خامنه‌ای (رضوان الله علیه) هرگز در برابر ترامپ تسلیم نشدند.

همین روحیه حسینی بود که باعث شد امام سید علی خامنه‌ای (ره) آن سخنان جاودان را بر زبان آورند: «مهم نیست که ما بمیریم؛ ایران مهم نیست، اسلام مهم است.» امام آن نقشه راهی را که خداوند برای رهایی انسان فرستاده بود به جهانیان عرضه کرد؛ رهایی از قید و بندهای این دنیا و آزادی برای اوج گرفتن در جهان دیگر.

امام سید علی خامنه‌ای (رضوان الله علیه) بر این باور بودند که امام حسین علیه السلام نباید تنها مورد یادآوری و سوگواری قرار گیرد، بلکه باید به عنوان الگویی در عمل شناخته و پیروی شود تا انسان بتواند همچون او گردد.

ایشان به عنوان رهبر انقلاب اسلامی، این روحیه حسینی را هم در ارکان گوناگون ساختار نظام جمهوری اسلامی نهادینه کرد و هم آن را در منش و سلوک خویش - که در شیوه زندگی و حتی در لحظه رحلتش تجلی یافت - عینیت بخشید.

امام سید علی خامنه‌ای (ره) با نهادینه‌سازی آن در نظام جمهوری اسلامی، مقاومت در برابر بی‌عدالتی و استبداد را در ابعاد گوناگون مطرح کردند. ایشان در حوزه مقاومت سیاسی، بر ردّ تن دادن به زورگویی و خواسته‌های بیگانگان، و همچنین تضمین استقلال سیاسی و برخورداری از جایگاه قدرت تأکید ورزیدند. در حوزه مقاومت اقتصادی، او بر سیاست حیاتی توسعه ظرفیت‌های بومی، کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی و کاستن از پیامدهای تحریم‌ها تأکید ورزید. در زمینه مقاومت فرهنگی، تمرکز او بر حفظ و تقویت هویت اسلامی و ملی در برابر تهاجم فرهنگی غرب و مدرنیته بود. در عرصه مقاومت امنیتی و نظامی نیز، او بر ایجاد قدرت بازدارندگی و حمایت از «محور مقاومت» برای مقابله با تهدیدها و مداخلات در منطقه تأکید کرد.

منابع:

https://journals.isu.ac.ir/article_77726_4ba2ad6d881d56b96348994e45768789.pdf

<https://english.khamenei.ir/news/5396/Ayatollah-Khamenei-Announces-General-Policies-on-the-Economy>

<https://english.khamenei.ir/news/5396/Ayatollah-Khamenei-Announces-General-Policies-on-the-Economy>

عروج شخصیتی برجسته: هنگامی که ولی امر در مقام شهادت از مرکب فرود می آید

نویسنده: محمد البحر المحضار
مدیرکل دفتر برنامه ریزی - استان شبوه، یمن



در برابر این غیاب تلخ، واژه‌ها خاموش می‌شوند و در برابر سنگینی این فقدان سر تسلیم فرود می‌آورند؛ و حروف، در پس پرده‌های اندوه، عقب می‌نشینند. این صرفاً یک خروج نیست؛ بلکه شکافی در دیوار زمان است و غروب خورشیدی که دل‌ها دیرزمانی گرمای یقین را از آن وام می‌گرفتند. امروز با مظهر وقار، پدر مقاومت و پناهگاه مستضعفان وداع می‌کنیم: حضرت آیت‌الله امام سید علی حسینی خامنه‌ای؛ کسی که از مرکب این حیات دنیوی فرود آمد تا به عنوان شهیدی برگزیده از سوی پروردگار هستی، عروج کند.

دردی که در روح و جان خانه کرده است.

چگونه می‌توان از فقدان کسی نوشت که با تار و پود ایستادگی ما عجین شده بود؟ اندوهی که امروز بر دل‌هایمان چنگ انداخته، نشانه‌ی استیصال نیست؛ بلکه «اشک وفاداران» است. آری، دل‌ها خون می‌گیرند و جان‌ها از فراق صدایی که روزگاری لرزه بر ارکان مستکبران می‌انداخت و نگاهی که به انقلابیون حاضر در میدان‌ها اطمینان و آرامش می‌بخشید، به درد آمده و پاره‌پاره می‌شوند. امام سید علی خامنه‌ای روحی بود که در کالبد یک ملت تجلی یافته بود؛ رهبری که هرگز نه پیمانی را زیر پا گذاشت و نه سر تسلیم فرود آورد. او همان «خراسانی» بود که با شکیبایی‌اش بیش از سلاح، و با حکمتش بیش از فصاحت کلام، پایه‌های صهیونیسم را به لرزه درآورد.

این تراژدی آزمونی برای پایداری است.

با وجود حس تلخ یتیمی که احساس می‌کنیم، و حتی در حالی که این غم، وسعت هر قلب آزاده‌ای را دربر می‌گیرد، ما با وقار سرب‌ه فلک کشیده کوه‌هایی که رهبر دوست داشت، ایستاده‌ایم. ما نمی‌ترسیم، زیرا مکتب او به ما آموخته است که خون پاک، پشتوانه‌ی پیروزی است. ما عقب‌نشینی نمی‌کنیم، زیرا مسیری که او با دست خود ترسیم کرد، به یک مرام مقدس در قلب مبارزان مقاومت تبدیل شده است. ما شکست نخورده‌ایم؛ زیرا رهبری که نسل‌ها را بر اساس عشق الهی پرورش می‌دهد، واقعاً از بین نمی‌رود - او همچنان زنده است و در قالب هرتفنگ و هر مشیت برافراشته، گسترش یافته و تکثیر می‌شود. این رنج، آزمونی برای پایداری است؛ چرا که اگرچه امروز درد و رنج حکم فرماست، اما آن عزمی که او در وجود ما ایجاد نمود، سیمای فردا را رقم خواهد زد. او - چنان که در کشاکش مبارزه، مواضع، استقامت و دلاوری‌اش شاهد بودیم - «سفیر امام منتظر» و نایب آن حضرت بود؛ شخصیتی محبوب که مرهم‌بخش زخم‌ها بود و اکنون رخت برمی‌بندد تا در مسیر حقیقت، هم‌گواه باشد و هم شهید.

مرثیه‌ای برای وداع؛

ای پدرِ آزادگان؛ تو که در روزگار ما «شیرِ خدا» بودی و در راهِ جست‌وجوی حقیقت، از هیچ سرزنشی بیم نداشتی. مایه تسلائی ما این است که آن‌گونه که آرزو داشتی رخت بپستی، همچون شهیدی که نه در حال عقب‌نشینی، بلکه در حال پیشروی بود. مایه دلگرمی ما این است که مردانی را برجای نهادی که عصاره‌ی وقار و استواری را از دستان شما نوشیده‌اند؛ مردانی که طوفان‌ها تنها بر صلابت و تزلزل‌ناپذیری‌شان می‌افزاید. در پیِ درگذشتِ آن مظهرِ وارستگی و اخلاص، خداوند به ما و شما پاداش نیکو عنایت فرماید. خداوند به هر مؤمنی که در حریمِ اندوه، خاموش ایستاده است، و به هر انقلابی‌ای که محاسنش با اشک‌های وداع نمناک شده است. ما این ضایعه‌ی فقدانِ آن بنده‌ی صالح، آن پیشوا و مرجع دینی و آن راهنمای خستگی‌ناپذیر را به خود و به محضرِ مبارکِ سرور و مولایمان، حضرت صاحب‌الزمان (عج) تسلیت عرض می‌کنیم. برای آن ملت‌هایی که در باتلاقِ فرمان‌برداری و وابستگی فرو رفته‌اند، هیچ تسلائی وجود ندارد. آن‌ها نه معنای از دست دادنِ چراغِ هدایت را برای مردمانِ آزاده درک می‌کنند و نه زبانِ وفاداری را که از خونِ شهیدان می‌جوشد، می‌فهمند.

عهد ما همچنان پابرجاست.

ای رهبر ما، روحِ قرین آرامش باد؛ چرا که پرچمی که برافراشتی هرگز فرو نخواهد افتاد و مسیری که با مجاهدت خویش هموار ساختی، هرگز گسسته نخواهد شد. ما همچنان با اشک‌های حسرت بر تو سوگواری خواهیم کرد، با عزمی راسخ با تو تجدید بیعت می‌کنیم و تا رسیدن به آن سپیده‌دمی که بارها نوید آمدنش را داده بودی، پا جای پای تو خواهیم گذاشت. درود بر روح پاکت... و درود بر راهت که تا روز قیامت ادامه خواهد یافت.



ایران در میان جوشش و تپش، حافظ نخستین آب‌هاست



دکتر رونی آلفا
نویسنده، روزنامه‌نگار و مدیر دفتر شبکه المیادین در بیروت - لبنان

آیت‌الله سید علی خامنه‌ای صرفاً مردی نبود که از تاریخ ایران عبور کرده باشد؛ او پیشتر به رودی خروشان و بلند می‌مانست که جمهوری اسلامی در میان فراز و نشیب‌های محاصره، جنگ، انزوا و پیروزی، مسیر خود را در بستر آن پیمود.

بود که از فردوسی، حماسه‌سرای ایران، تا حافظ شیرازی، مفسر رازها، امتداد می‌یافت؛ از کوچه‌های مشهد تا سواحل خلیج فارس، از حوزه‌های علمیه تا آزمایشگاه‌ها، و از شعر الهام‌بخش تا موشک خیبرشکن. او در شهر مشهد، جایی که میلیون‌ها زائر با خشوع به زیارت امام رضا (ع) می‌روند و نام آن در سراسر جهان اسلام طنین‌انداز است، دیده به جهان گشود؛ شهری که در آن تاریخ و نیایش در هم می‌آمیزند. همان‌جا بود که نخستین پایه‌های اندیشه‌اش شکل گرفت. در آنجا آموخت که واژه‌ها نیز می‌توانند همچون سلاح به کار گرفته شوند و گاه منبر از تفنگ رساتر است. بهای این مسیر را نیز از همان سال‌های نخست پرداخت؛ در دوران حکومت پهلوی چندین بار بازداشت شد، زندان، تعقیب و تبعید داخلی را تجربه کرد، پیش از آنکه بر بزرگ‌ترین تربیون‌ها شناخته شود. سپس امام روح‌الله خمینی از راه رسید. رابطه این دو شخصیت بزرگ تنها رابطه رهبر و پیرو نبود؛ بلکه به تلاقی دو رود می‌مانست. امام خمینی انقلاب را آغاز کرد و آیت‌الله خامنه‌ای پاسداری از مسیر دشوار و طولانی پس از آن را بر عهده گرفت. هنگامی که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در سال ۱۹۸۹ درگذشت، جمهوری اسلامی با پرسشی سرنوشت‌ساز روبه‌رو شد: انقلاب چگونه پس از بنیان‌گذار خود ادامه خواهد یافت؟ چگونه این رود خروشان پس از سرچشمه جوشان خود همچنان جاری خواهد ماند؟ در همان لحظه بود که آیت‌الله خامنه‌ای از بزرگ‌ترین دروازه تاریخ وارد شد. در نزدیک به چهار

برخی رهبران از خود تنها سخنرانی‌هایی به یادگار می‌گذارند و برخی دیگر نهادهایی بنا می‌کنند؛ اما او زبانی کامل و الگویی ویژه از رهبری بر جای گذاشت؛ رهبری که شکوه و اقتدار را با آرامش، و سکوت سنجیده را با سخنی که در زمان مناسب بر زبان می‌آید، در هم آمیخته بود. هرگاه نام او برده می‌شود، بسیاری نخست رهبری را به یاد می‌آورند که دهه‌ها در برابر ایالات متحده و رژیم اشغالگر ایستادگی کرد. اما پشت این چهره سیاسی استوار، مرد دیگری نیز حضور داشت؛ شخصیتی که کمتر بر صفحه تلویزیون دیده می‌شد و بیشتر در میان کتاب‌ها زندگی می‌کرد. مردی که می‌توانست در یک نشست، از شرح بیتی و از متنی، به تحلیل موازنه قدرت در خاورمیانه برسد و از سخن گفتن درباره دستاوردهای امام خمینی، به بررسی یک رمان روسی یا شعری فارسی بپردازد. کاریزمای او نیز بخشی از حضور عمومی‌اش بود؛ صدایی آرام اما قاطع داشت که برای تأثیرگذاری نیازی به بلند شدن نداشت. هنگامی که سخن می‌گفت، جملاتش با آهنگ مردی ادا می‌شد که سال‌ها هم با مردم و هم با نخبگان سخن گفته بود. حتی جزئیات ظاهرش نیز به بخشی از تصویر او در ذهن جمعی ایرانیان تبدیل شده بود؛ عمامه سیاهی که نماد جایگاه دینی او بود، انگشتی که در بسیاری از مناسبت‌ها از دستش جدا نمی‌شد و چهره‌ای متین که حضورش را در میان سیاستمداران منطقه متمایز می‌ساخت. ایران برای او تنها یک کشور نبود؛ بلکه اندیشه‌ای تمدنی

دهه رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای هدایت کشوری عادی را برعهده نداشت؛ بلکه دولتی را رهبری کرد که در دل تحریم‌ها متولد شد، زیر سایه تهدیدها رشد کرد، جنگی طولانی و برنامه‌ریزی شده با عراق را پشت سر گذاشت و سپس با موجی از محاصره‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی روبه‌رو شد. با این همه، ایران در مسیر تحول قرار گرفت. در دوران رهبری او دانشگاه‌ها گسترش یافتند، توان علمی کشور چند برابر شد، ایران به جمع کشورهای دارای فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز پیوست، صنایع دفاعی پیشرفت چشمگیری کردند و جمهوری اسلامی به بازیگری منطقه‌ای تبدیل شد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در حالی که تحریم‌ها می‌کوشیدند پنجره‌ها را به روی ایران ببندند، تهران درهای تازه‌ای به سوی شرق و دیگر نقاط جهان گشود.

اما آنچه بیش از هر چیز با نام رهبر انقلاب گره خورده و در یادها خواهد ماند، فلسطین است. از نگاه او، مسئله فلسطین صرفاً بندی در یک سخنرانی سیاسی نبود؛ بلکه بخشی از هویت خود جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت. او باور داشت که دست کشیدن از فلسطین، به معنای دست کشیدن از روح انقلاب است. از همین رو، نام قدس همواره در سخنانش حضوری پررنگ داشت؛ همان‌گونه که شهرهای مقدس در حافظه دینی جای دارند و همان‌گونه که «بسم‌الله» و «الحمدلله» در دعاها جاری‌اند. از فلسطین تا لبنان، از لبنان

تا عراق و از عراق تا یمن، شبکه‌ای از هم‌پیمانان و نیروها شکل گرفت که رهبر انقلاب را مرجع سیاسی و معنوی خود می‌دانستند. هوادارانش او را پاسدار جبهه مقاومت می‌خواندند و مخالفانش نیز به همین دلیل مورد انتقاد قرارش می‌دادند. اما حتی مخالفانش نیز به یک حقیقت اذعان داشتند: او به آسانی عقب‌نشینی نمی‌کرد. رهبر انقلاب کتاب‌خوانی پرشور و دلباخته شعر بود. بارها شاعران را در محافلی پذیرفت که ساعت‌ها به طول می‌انجامید. ابیات فراوانی از شعر فارسی و عربی را از حفظ داشت و فرهنگ را نه زینت یک دولت، بلکه یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت آن می‌دانست. در دنیای سیاست، معمولاً مقام و منصب، انسان را در خود مستحیل می‌کند؛ اما آیت‌الله خامنه‌ای همواره بخشی از روح شاعرانه خود را حفظ کرد. او معتقد بود نبرد بر سر آگاهی و اندیشه، کمتر از نبرد بر سر مرزها اهمیت ندارد و گاهی یک شعر خوب می‌تواند کاری انجام دهد که از عهده طولانی‌ترین سخنرانی‌ها برنمی‌آید. از همین رو، توجه او به ادبیات یک علاقه شخصی صرف نبود، بلکه بخشی از نگاهش به تمدن ایرانی به عنوان «قدرت نرم» بود؛ قدرتی که از قدرت سخت پاسداری می‌کند و به آن روح می‌بخشد. با فرا رسیدن سال‌های پایانی عمرش، سراسر منطقه در حال دگرگونی بود؛ جنگ‌هایی شعله‌ور می‌شدند و جنگ‌هایی پایان می‌یافتند، نظام‌هایی سقوط می‌کردند و نظام‌های دیگری پدید می‌آمدند، نقشه‌ها تغییر

می‌کردند و ائتلاف‌ها از نو شکل می‌گرفتند. با این همه، او همچنان در دفتر کار خود باقی ماند؛ گویی مردی که تمام عمرش را در قلب طوفان گذرانده بود، جای دیگری را نمی‌شناخت. روایت‌هایی که از آخرین ساعات زندگی او نقل می‌شود، از رهبری فراری یا پنهان‌شده سخن نمی‌گویند؛ بلکه از مردی حکایت دارند که تا واپسین لحظه در جایگاه خود ایستاد. مردی که می‌دانست رهبران بزرگ همیشه زمان رفتن خود را انتخاب نمی‌کنند، اما می‌توانند شیوه مواجهه با آن را برگزینند. اما داستان با رفتن او پایان نمی‌یابد؛ چرا که مجتبی خامنه‌ای همان‌گونه که پوشیدن عبای پدر را آموخت، مکتب او را نیز به‌خوبی فرا گرفت. سال‌های طولانی را در کنار پدری سپری کرد که کشورها را همان‌گونه می‌خواند که شعر را می‌خواند و زمان را با معیارهای تاریخ می‌سنجید، نه با تقویم سیاست روزمره. در سایه آرام آن حضور بزرگ، شخصیتی شکل گرفت که می‌داند چه زمانی سخن بگوید، چه زمانی سکوت کند و چه هنگام کلمه را به موضع و موضع را به ارث نبرد، بلکه شیوه نگاه او به جهان را نیز فراگرفت؛ صبر راهبردی، ایمان به اینکه ملت‌ها با انباشت تجربه ساخته می‌شوند نه با شتاب‌زدگی، و این باور که قدرت در بلند کردن صدا نیست، بلکه در استواری زمانی است که صداهای اطراف به لرزه افتاده‌اند. جریان جنگ اخیر که ایران با آن روبه‌رو شد؛ جنگی که از شدیدترین رویارویی‌های جمهوری

فرهنگ و آگاهی تاریخی بنا شده‌اند، با رفتن افراد، هرچند نقش آنان بزرگ باشد، از حرکت باز نمی‌ایستند.

از همین رو، ایران امروز نه در پایان یک دوره، بلکه بر آستانه مرحله‌ای تازه ایستاده است. رودی که امام خمینی آن را جاری کرد و آیت‌الله خامنه‌ای در میان طوفان‌ها، محاصره‌ها و جنگ‌ها بستر آن را گسترش داد، دیگر صرفاً یک تجربه سیاسی نیست، بلکه بخشی از هویت یک ملت شده است. در ادامه این مسیر، مجتبی خامنه‌ای نه به عنوان سایه‌ای از پدر، بلکه به عنوان امتداد مکتبی کامل در رهبری، صبر و سازندگی مطرح می‌شود؛ مردی که دولت را از درون نهادهایش شناخته، جنگ را از قلب اتاق‌های تصمیم‌گیری تجربه کرده و دریافته است که امانت‌داری، نه در تکرار گذشته، بلکه در پاسداری از جوهر آن و گشودن راه آینده معنا پیدا می‌کند. امروز این تصویر در ذهن و وجدان ایرانیان نقش بسته است: امامی بنیان‌گذار که انقلاب را آغاز کرد، رهبری که چهار دهه از آن پاسداری کرد و رهبر تازه‌ای که در حالی مشعل را به دست می‌گیرد که آتش همچنان پیرامون او شعله‌ور است. این خود نه جزئی کوچک از تاریخ جمهوری اسلامی، بلکه فصلی تازه از آن است و اما شهید آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، از این پس بخشی از حافظه تاریخی ایران بزرگ خواهد بود؛ یکی از آن مردانی که اگرچه از صحنه می‌روند، اما در راهی که برای نسل‌های آینده ترسیم کرده‌اند، همچنان زنده می‌مانند.



و سرچشمه‌های اصیل آن را از دست بدهد. زیرا رهبران بزرگ را نه با آنچه به ارث برده‌اند، بلکه با توانایی‌شان در حمل بار آن میراث سنگین، بدون خم شدن شانه‌هایشان، می‌سنجند. امروز، پیش از آنکه پیکرش در شهری که دوستش داشت به خاک سپرده شود، ایران تنها یک مسئول سیاسی را بدرقه نمی‌کند، بلکه دوره‌ای کامل از تاریخ خود را به بدرقه نشسته است. برخی مردان، به کتاب‌ها می‌مانند؛ آخرین صفحه بسته می‌شود، اما داستان پایان نمی‌یابد و هنگامی که جسم فرو افتاد، اندیشه و راه او همچنان پابرجا ماند؛ زیرا اندیشه‌های بزرگ با صاحبانشان دفن نمی‌شوند و کشورهایی که بر پایه عقیده،

اسلامی از زمان تأسیس آن به شمار می‌رفت، مجتبی خامنه‌ای در لحظه‌ای حساس نقش‌آفرین شد؛ لحظه‌ای که به اعصابی آرام، ذهنی منظم و اراده‌ای شکست‌ناپذیر نیاز داشت. در آن ساعت‌هایی که دود و ابهام در هم آمیخته بود، او بیش از هر چیز به مردی می‌مانست که می‌داند طوفان با فریاد شکست نمی‌خورد، بلکه با حفظ سکان کشتی تا بازگشت آن به مسیر اصلی مهار می‌شود. اگر امام خمینی این رود را جاری ساخت و آیت‌الله خامنه‌ای مسیر آن را از میان صخره‌ها و طوفان‌ها گشود، امروز مجتبی در برابر مأموریتی متفاوت قرار دارد؛ اینکه جریان این رود را حفظ کند، بی‌آنکه آب‌های نخستین

امام شهید، آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای...

پروژه‌ای تمدنی که در آن رهبری سیاسی،
مرجعیت دینی، ذوق ادبی، آگاهی بخشی و
وحدت امت به هم می‌رسند

در روزگاری که بسیاری از پایتخت‌ها زیر فشار سلطه‌گری فرو ریختند و مسائل محوری، به‌ویژه مسئله فلسطین، در نگاه بسیاری به ابزاری برای مذاکره یا پرونده‌ای قابل تعویق تبدیل شد، امام شهید، آیت الله سید علی خامنه‌ای، به‌عنوان شخصیتی سیاسی و فکری ظهور کرد که از چارچوب رهبری متعارف دولت‌ها فراتر می‌رفت. حضور او تنها به اداره امور داخلی یک کشور محدود نبود، بلکه تجسم یک مکتب کامل در اندیشه راهبردی بود. مکتبی که می‌کوشید مفهوم درگیری‌های منطقه را از یک نزاع مقطعی، به نبردی بر سر هویت و جایگاه منطقه در نظام بین‌الملل بازتعریف کند. نام آیت الله شهید خامنه‌ای از دوران جوانی، با محافل علمی حوزه‌های علمیه مشهد و قم گره خورد. جایی که نزد بزرگ‌ترین استادان علوم دینی به تحصیل فقه و اصول پرداخت.



■ دکتر هناء سعاده

استاد دانشگاه و سردبیر – الجزایر



سپس به تدریج مسئولیت‌های مختلف را بر عهده گرفت تا اینکه پس از رحلت امام روح‌الله خمینی در سال ۱۳۸۹، به رهبری جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. با این حال، ابعاد علمی و سیاسی شخصیت او کمتر در رسانه‌ها بازتاب یافته اما در داخل ایران حضوری پررنگ دارد، از جمله این ابعاد، علاقه ژرف او به ادبیات، به‌ویژه شعر فارسی و عربی است. شهید خامنه‌ای بارها از شاعران بزرگ ایران، همچون حافظ شیرازی، سعدی شیرازی و فردوسی به عنوان ستون‌های هویت فرهنگی ایران یاد کرده است. در کنار این فعالیت‌ها، آثار مکتوب، پژوهش‌ها و سخنرانی‌های متعددی از او در زمینه اندیشه اسلامی، تاریخ و مسائل نهضت اسلامی منتشر شده و برخی از آنها به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. نوشته‌های او رویکردی تحلیلی را نشان می‌دهد که میان متن دینی و واقعیت اجتماعی پیوند برقرار می‌کند و بر نقش آگاهی تمدنی در مقابله با تهاجم فرهنگی تأکید دارد. در این چارچوب، او به مسئله انسان‌سازی از منظر معرفتی و اخلاقی اهمیت ویژه‌ای می‌دهد و آن را پیش‌شرط هرگونه پروژه سیاسی یا توسعه‌ای می‌داند. در موضوع زنان نیز، گفتمان عمومی او بر ایجاد توازن میان حفظ هویت فرهنگی و ارزش‌های دینی از یک سو، و توانمندسازی زنان در عرصه‌های آموزش، اشتغال و مشارکت اجتماعی از سوی دیگر استوار بود. در عین حال، با تبدیل مسئله زن به ابزاری برای فشار سیاسی یا معیار تحمیل الگوهای فرهنگی بیرونی مخالفت کرده است. به باور نویسنده، این رویکرد در افزایش حضور زنان در آموزش عالی ایران و مشارکت گسترده آنان در حوزه‌هایی مانند پزشکی، مهندسی و پژوهش‌های علمی بازتاب یافته است. در عرصه سیاست نیز، نام آیت‌الله خامنه‌ای با مدیریت یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ جمهوری اسلامی ایران گره خورده است. دوره‌ای که سال‌های پایانی جنگ ایران و عراق، دوران بازسازی کشور، چالش‌های ناشی از تحریم‌های اقتصادی، پرونده هسته‌ای و جنگ‌های تحمیلی علیه جمهوری اسلامی را دربر می‌گیرد. گفتمان او در این مسائل، بر دو اصل استقلال و حاکمیت ملی استوار بود. او همواره با هرگونه تحمیل خارجی مخالفت می‌کرد و در عین حال، بر ضرورت توسعه توانمندی‌های داخلی در حوزه‌های مختلف، از صنعت گرفته تا فناوری، تأکید داشت.

بعد فرهنگی نیز در نگاه کلان او جایگاهی برجسته داشت. او

همین چارچوب، او برداشت تازه‌ای از مفهوم «واقع‌گرایی سیاسی» ارائه کرد. در برابر دیدگاهی که به نام موازنه قدرت، عقب‌نشینی و امتیازدهی را توجیه می‌کرد، او واقع‌گرایی را در شناخت درست ماهیت نزاع می‌دانست، نه در سازگار شدن با آن. از این منظر، واقع‌گرایی به معنای پذیرش وضع موجود نبود، بلکه به این معنا بود که امتیازدهی رایگان نه صلح به همراه می‌آورد و نه ثبات، بلکه زمینه‌ساز شکستی طولانی‌مدت خواهد شد. شاید آنچه بیش از هر چیز عمق این رویکرد را نشان می‌دهد، توانایی او در پیوند دادن سطوح مختلف این رویارویی بود.

مخالفتش او را طراح یک محور منطقه‌ای می‌دانستند که موازنه‌های مورد نظر آنان را به چالش کشیده است و هوادارانش او را ستون استواری می‌دیدند که در حساس‌ترین و دشوارترین مقاطع، مانع از به حاشیه رفتن مسئله فلسطین شد. با وجود این دو برداشت متفاوت، او همواره بر تعریف واحدی از نقش خود پایبند ماند: رهبری که معتقد بود رژیم صهیونیستی بر منطق قدرت استوار است و هرگونه توافقی که حقوق اساسی ملت فلسطین را تأمین نکند، توافقی موقت و شکننده خواهد بود. مواضع او با تغییر دولت‌ها و قدرت‌های بین‌المللی دگرگون نشد و محاسباتش تابع تحولات زودگذر نبود، بلکه همواره این منازعه را در بستر تاریخی آن می‌نگریست. امروز، در بازخوانی این مسیر، تنها زندگی یک فرد مرور نمی‌شود، بلکه الگویی از رهبری مورد توجه قرار می‌گیرد که بر استقامت در برابر فشارها و شفافیت در تشخیص مسیر، حتی در پیچیده‌ترین شرایط استوار بود. او حمایت از فلسطین را بخشی از تعریف نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی قرار داد و میان کرامت ملی و توانایی اتخاذ موضعی مستقل پیوند برقرار کرد.

دلالت‌های این شخصیت را نمی‌توان در یک جایگاه یا یک مقطع تاریخی خلاصه کرد، بلکه اهمیت آن در اثری است که از خود بر جای گذاشته و در گفتمانی است که مسئله فلسطین را بار دیگر به مرکز آگاهی عمومی بازگرداند. مرجعیت دینی، پیوند میان اصالت متن و پویایی واقعیت: شناخت شخصیت امام خامنه‌ای مستلزم عبور از نگاه‌های تقلیل‌گرایانه‌ای است که او را تنها در قالب یک مقام سیاسی یا یک رهبر حکومتی تعریف می‌کند. با شخصیتی روبه‌رو هستیم که چندین لایه از آگاهی را در خود جمع کرده است: آگاهی دینی ریشه‌دار، آگاهی سیاسی راهبردی و آگاهی فرهنگی

معتقد بود که رویارویی در جهان معاصر تنها یک نبرد نظامی یا اقتصادی نیست، بلکه نبردی بر سر معنا، هویت و آگاهی است. در چارچوب همین اهتمام به آگاهی‌بخشی، امام شهید آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی مستقیم خطاب به جوانان عرب صادر کرد و آنان را به مطالعه آگاهانه تاریخ و پرهیز از پذیرفتن تصویری که رسانه‌های غربی از منطقه، دین و مسائل آنان ارائه می‌کنند، فراخواند. این رویکرد، بیانگر اعتماد او به ظرفیت نسل جوان جهان عرب و باورش به توانایی آنان در ساختن آینده‌ای مبتنی بر آگاهی تمدنی اصیل و نگاه نقادانه بود. رهبری سیاسی و منطق پایداری راهبردی: اگرچه ویژگی‌های یادشده برای ترسیم تصویری کلی از شخصیت امام شهید آیت‌الله سید علی خامنه‌ای کافی به نظر می‌رسند، اما برای شناخت دقیق‌تر پروژه فکری، سیاسی و تمدنی او باید ابعاد مختلف این شخصیت را با جزئیات بیشتری بررسی کرد. در میان این ابعاد، بعد سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا منطق حاکم بر نگاه او به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را آشکار می‌سازد. در حالی که بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، برنامه‌ها و سیاست‌های خود را به بهای کنار گذاشتن مسئله فلسطین بازتنظیم کردند، او همچنان فلسطین را معیار سنجش سیاست دولت‌ها و حتی شاخصی برای ارزیابی صداقت کل گفتمان بین‌المللی می‌دانست. از این رو، مواضع او واکنش‌هایی مقطعی نبود، بلکه ادامه یک نگاه منسجم بود که اشغالگری را پدیده‌ای نامشروع و مقاومت در برابر آن را حق اصیل می‌دانست؛ حتی که با تغییر موازنه قدرت از میان نمی‌رود. از آغاز دوران رهبری خود، به‌صراحت با پذیرش رژیم صهیونیستی به‌عنوان واقعیتی تغییرناپذیر مخالفت کرد و با موج عادی‌سازی روابط که منطقه را فراگرفت همراه نشد. و تحت فشار تحریم‌ها یا تهدیدها از مواضع خود عدول نکرد. از این منظر، حمایت او از مقاومت فلسطین صرفاً یک موضع تبلیغاتی یا شعاری نبود، بلکه یکی از ارکان سیاست‌های کلان به شمار می‌رفت. او مقاومت را تنها یک گزینه نظامی معرفی نمی‌کرد، بلکه آن را پروژه‌ای تمدنی می‌دانست که آزادی اراده را مقدمه آزادی سرزمین می‌شمارد. او بارها تأکید می‌کرد که شکست واقعی در میدان جنگ رخ نمی‌دهد، بلکه در عرصه آگاهی و اندیشه شکل می‌گیرد و بزرگ‌ترین خطر برای ملت‌ها، نه برتری نظامی دشمنان، بلکه باور کردن ناتوانی خویش است. در

[illegible]

ثم إني أحب أن أهدي هذا الكتاب إلى شباب العرب الذين يعيشون في نفس سن صاحب المذكرات حين كانت تمر عليه هذه الأحداث..

من كتاب: إن مع الصبر نصرا

مذگرات السيد علي الخامنئي العربية

نه صرفاً مجموعه‌ای از آیین‌ها و مناسک؟ از همین رو، او دین را پروژه‌ای تمدنی می‌دید که از فرد فراتر می‌رود و جامعه را دربر می‌گیرد. نگاهی که عبادت را با عمل، آیین را با معنا و ایمان را با مسئولیت اجتماعی پیوند می‌دهد. بُعد فرهنگی و تمدنی؛ ادبیات، آگاهی و انسان‌سازی؛ اما شاید برجسته‌ترین ویژگی شخصیت او، ارتباط عمیقش با ادبیات، به‌ویژه شعر، باشد؛ زیرا شعر را حامل احساس و حافظه جمعی و آینه هویت فرهنگی می‌دانست. علاقه او به شعر فارسی و عربی، یادکرد مکرر از بزرگان این عرصه و حضور آگاهانه‌اش در مباحث ادبی، نشان‌دهنده ذوقی بود که ادبیات را صرفاً زینتی فرهنگی نمی‌دانست، بلکه آن را عرصه‌ای برای بازسازی آگاهی و حفظ قدرت زبان در برابر سطحی‌نگری و تقلیل مفاهیم

عمیق که به این مجموعه انسجام و گستره‌ای تمدنی می‌بخشد. او در حقیقت، تنها یک بازیگر در تاریخ نبود، بلکه تاریخ را می‌خواند، مسیرهای آن را تفسیر می‌کرد و در پی جهت‌دهی دوباره به حرکت آن بود. در بُعد دینی نیز، او صرفاً فقیهی نبود که به بازتولید میراث گذشته بسنده کند، بلکه مجتهدی بود که می‌کوشید آموزه‌های دینی را در متن زندگی و واقعیت اجتماعی فعال سازد و عقیده را از حوزه انتزاع به عرصه عمل تاریخی وارد کند. پایه‌های علمی او در حوزه‌های علمیه بزرگ مشهد و قم شکل گرفت؛ جایی که فقه و اصول را نزد استادان برجسته فرا گرفت. اما این آموزش‌ها او را به انزوا نکشاند، بلکه او را با پرسش‌های عصر جدید روبه‌رو ساخت؛ چگونه می‌توان دین را به نیرویی مولد آگاهی تبدیل کرد،

می‌شمرد. از این منظر، رهبری که به شعر گوش می‌سپارد، همان کسی است که می‌داند نبرد برسر معنا، کمتر از نبرد برسر سرزمین اهمیت ندارد. همین پشتوانه ادبی، به گفتمان او رنگ و بویی ویژه بخشیده بود؛ به گونه‌ای که ارجاعات فرهنگی با تحلیل‌های سیاسی در هم می‌آمیخت و زیبایی‌شناسی ادبی با استحکام مفهومی همراه می‌شد. از این رو، سخنان او خشک و صرفاً گزارش‌گونه نبود، بلکه سرشار از اشارات فرهنگی بود که به آنها عمق و تأثیر می‌بخشید. در همین نقطه است که توانایی او در تبدیل مفاهیمی چون استقلال، هویت و مقاومت از شعارهای سیاسی به ارزش‌هایی وجودی و فرهنگ‌ساز آشکار می‌شود. در حوزه نگاه تمدنی نیز، آنچه اندیشه او را متمایز می‌سازد، درک عمیقش از این واقعیت است که مهم‌ترین میدان رویارویی در جهان امروز، پیش از آنکه برسر منابع یا جغرافیا باشد، برسر آگاهی انسان‌هاست. از همین رو، او همواره بر این نکته تأکید می‌کرد که ساختن انسان از نظر معرفتی و اخلاقی، شرط اساسی هر پروژه پیشرفت و تمدن‌سازی است. در همین چارچوب، نگاه او به مسئله زن نیز قرار می‌گیرد. او می‌کوشید میان حفظ هویت فرهنگی و ضرورت حضور فعال زنان در جامعه تعادل برقرار کند. در این دیدگاه، زن موضوعی برای کشمکش‌های ایدئولوژیک نیست، بلکه یکی از ارکان اصلی ساخت جامعه است که باید در چارچوبی توانمند شود که ضمن حفظ هویت فرهنگی، امکان مشارکت اجتماعی را نیز فراهم آورد. در گفتمان او، جوانان نیز جایگاهی ویژه دارند؛ نه صرفاً به‌عنوان یک گروه جمعیتی، بلکه به‌عنوان نیرویی تاریخی که می‌تواند معادلات را دگرگون کند. از



همین رو، بارها آنان را به کسب دانش، تقویت تفکر انتقادی و پرهیز از وابستگی به روایت‌های آماده‌ای که از سوی مراکز قدرت رسانه‌ای تولید می‌شود، فراخواند.

در نهایت آنچه از این شخصیت نمایان می‌شود، الگویی از رهبری است که می‌کوشد میان مرجعیت دینی و مقتضیات عصر، میان متن و واقعیت، و میان فرهنگ و سیاست توازن برقرار کند. الگویی که بر این باور است که پیشرفت و تمدن را نمی‌توان از دیگران وام گرفت، بلکه باید آن را ساخت، و هویت نیز چیزی نیست که تحمیل شود، بلکه حاصل انباشت آگاهی، تجربه و تلاش مستمر است.

بر این اساس، شناخت امام خامنه‌ای تنها زمانی کامل خواهد بود که او را پروژه‌ای فکری بدانیم که از مرزهای زمانه خود فراتر می‌رود و در پی آن است که جایگاه انسان را در جهانی بازتعریف کند که قدرت‌ها در آن، همان‌گونه که برای ترسیم مرزها رقابت می‌کنند، برای شکل دادن به آگاهی انسان‌ها نیز به رقابت برخاسته‌اند. او، در جوهره خود، نماد تلاشی برای جمع میان اصالت و کارآمدی است؛ تلاشی پیوسته برای تبدیل اندیشه به قدرت، فرهنگ به نیروی محرک و آگاهی به افقی گشوده به سوی آینده. زبان عربی در اندیشه او؛ زبان وحی و ظرف پروژه تمدنی؛ اگر این نگاه تمدنی در اتمام او به فرهنگ، آگاهی و انسان‌سازی جلوه‌گر شده است، یکی از روشن‌ترین نمودهای آن را می‌توان در نگرش او به زبان عربی مشاهده کرد؛ زبانی که او آن را صرفاً وسیله‌ای برای ارتباط نمی‌دانست، بلکه آن را یکی از پایه‌های تمدنی وحدت امت اسلامی و حامل مرجعیت معرفتی‌ای می‌شمرد که تمدن اسلامی طی قرن‌ها بر بستر آن شکل گرفته است. از همین رو، علاقه امام خامنه‌ای به زبان عربی، نگارش آثار، سخنرانی‌ها و پیام‌های او به این زبان و بهره‌گیری از آن در لحظات حساس، نشان‌دهنده درکی عمیق از این حقیقت است که هیچ پروژه تمدنی در جهان اسلام نمی‌تواند از زبان عربی جدا باشد؛ زیرا این زبان، ساختار متنی قرآن کریم و در نتیجه، عالی‌ترین مرجع فکری اندیشه اسلامی را تشکیل می‌دهد. در همین چارچوب، آنچه امام خامنه‌ای در خاطرات خود نوشته، اهمیت ویژه‌ای دارد. او می‌نویسد از اعماق وجودم با شنیدن زبان عربی به لرزه درمی‌آیم این جمله، رابطه‌ای عاطفی و معرفتی عمیق با زبان قرآن را بازتاب می‌دهد. اگر به بستر تاریخی گسترده‌تر بنگریم، خواهیم دید که توجه به زبان عربی در سنت اسلامی ایران، پدیده‌ای تازه یا مقطعی نیست،

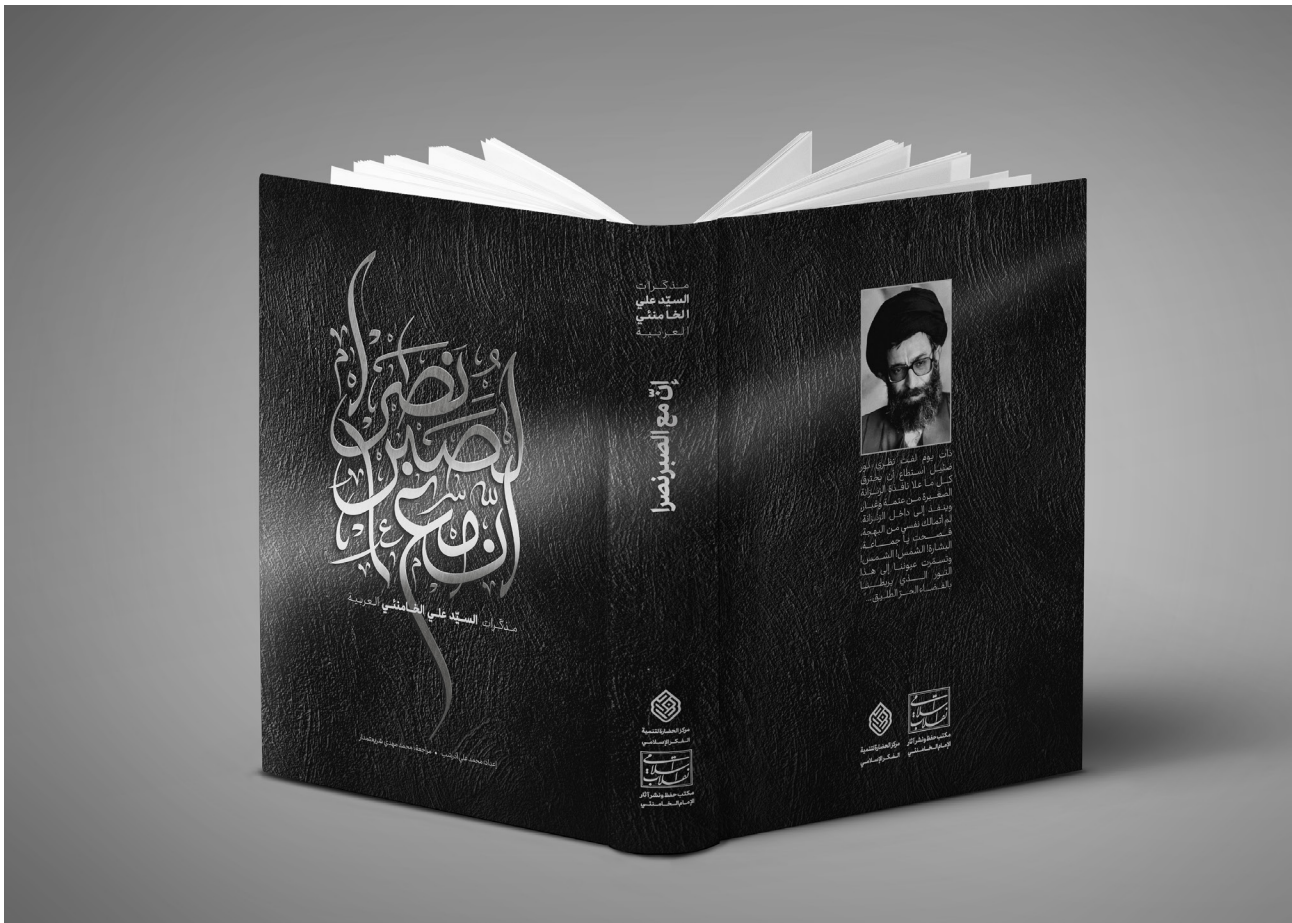
بلکه ادامه مکتبی علمی است که در حفظ، گسترش و دفاع از زبان عربی نقشی اساسی ایفا کرده است دانشمندان بزرگ ایرانی در طول قرن‌ها با تألیف، تدریس و تحقیق، خدمات فراوانی به زبان عربی کردند، تا جایی که این زبان در آثار آنان، همانند زبان فارسی، به زبانی برای تولید دانش و اندیشه تبدیل شد در این میان، امام خمینی نمونه‌ای برجسته از این پیوند عمیق علمی به شمار می‌آید. او آثار مهمی را به زبان عربی در حوزه فقه و اندیشه اسلامی تألیف کرد؛ از جمله: شرح دعای سحر تفسیری بر شرح فصوص الحکم کتاب الطهارة المکاسب المحرمة کتاب البیع کتاب الخيارات الخلل فی الصلاة رساله ای در قاعده لاضرر رساله استصحاب رساله اجتهاد و تقلید مناهج الوصول إلى علم الأصول مناسک حج تحریر الوسیله این آثار نشان می‌دهد که زبان عربی برای او تنها زبان دوم نبود، بلکه زبان اندیشیدن علمی و بنیان‌گذاری مباحث فقهی به شمار می‌رفت اما حضور امام شهید سید علی خامنه‌ای در این عرصه نیز از عمق کمتری برخوردار نبود، هر چند بیشتر در نقطه تلاقی سیاست، فرهنگ و ادبیات جلوه‌گر شد. او افزون بر جایگاه رهبری، ادیبی بود که زبان را عرصه‌ای زیبایی‌شناسانه و فکری می‌دانست؛ عرصه‌ای که اهمیت آن کمتر از کنش سیاسی نبود. از جمله نمونه‌های مطرح در این زمینه، اثر او با عنوان «إِنَّ مع الصبر نصراً» است؛ متنی با حال‌وهوای خاطره‌نگارانه و فکری که بخش‌هایی از زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی او را روایت می‌کند و بخشی از آن نیز به زبان عربی نوشته شده است؛ امری که نشان‌دهنده حضور مستقیم او در نگارش و بیان به این زبان است. این موضوع نشان می‌دهد که زبان عربی برای او تنها زبان سخنرانی یا مباحث نظری نبود، بلکه در تجربه‌های عمیق انسانی نیز جایگاهی محوری داشت. این پیوند عمیق با زبان عربی را نمی‌توان جدا از نقش تاریخی دانشمندان ایرانی در حفظ و توسعه این زبان دانست. در این میان، کافی است به نام‌هایی چون سیبویه، زمخشری، جرجانی و نیشابوری اشاره کنیم؛ دانشمندانی که هریک سهم بزرگی در پایه‌گذاری ساختار علمی زبان عربی و شکوفایی آن داشته‌اند.

در عرصه ادبی نیز، آثاری از شاعرانی چون حافظ شیرازی دیده می‌شود که به هر دو زبان فارسی و عربی شعر سروده‌اند؛ نمونه‌ای از درهم‌تنیدگی عمیق فرهنگی که در سنت اسلامی ایران وجود داشته است. این تعامل فرهنگی را می‌توان در



عبور از اختلافات مذهبی و قومی شد؛ به‌ویژه در برابر تلاش‌های خارجی که هدف آنها ایجاد فتنه، اختلاف و تضعیف انسجام مسلمانان بود. این رویکرد در دعوت‌های مکرر او به پرهیز از اهانت به شخصیت‌ها و نمادهای همه مذاهب اسلامی و تأکید بر این نکته آشکار بود که اسلام، در ذات خود، پروژه‌ای وحدت‌بخش است که از مرزهای تنگ وابستگی‌های فرقه‌ای فراتر می‌رود. در همین چارچوب، فتاوای صریحی نیز از سوی ایشان صادر شده است. او شخصیت‌های مورد احترام اهل سنت و نیز همسران پیامبر اکرم (ص) را حرام اعلام می‌کرد. این فتواها در مقاطع مختلف، با استقبال و بازتاب مثبت در میان محافل دینی و فکری روبه‌رو شد. همچنین این ابتکارها از سوی برخی نهادهای برجسته اهل سنت، از جمله دانشگاه الازهر مصر و شورای عالی اسلامی الجزایر، مورد استقبال قرار گرفت و گامی مثبت در جهت تقویت فضای وحدت اسلامی و کاهش تنش‌های مذهبی ارزیابی شد. در همین راستا، باید به ابتکارهای نهادی جمهوری اسلامی ایران نیز اشاره کرد؛ به ویژه کنفرانس‌های بین‌المللی وحدت اسلامی که با نظارت مجمع

میراث گسترده ترجمه، تألیف و ارتباط با متون عربی، از کلیله و دمنه تا رباعیات خیام نیز مشاهده کرد. از این رو، می‌توان گفت که رابطه ایران با زبان عربی، صرفاً رابطه‌ای مبتنی بر استفاده از یک زبان نبود، بلکه رابطه‌ای مبتنی بر تولید، پاسداری و توسعه آن بود؛ رابطه‌ای که در مقاطع حساس تاریخی، به حفظ زبان عربی و گسترش ظرفیت‌های علمی و ادبی آن کمک کرد. در مجموع، می‌توان تأکید کرد که توجه به ابعاد زبانی و فرهنگی در تجربه امام خامنه‌ای، موضوعی حاشیه‌ای نیست، بلکه راهی برای فهم نگاه تمدنی گسترده‌تری است که زبان عربی را بخشی از هویت مشترک اسلامی، ظرف انتقال دانش، ابزار آگاهی‌بخشی و پلی برای ارتباط میان ملت‌های جهان اسلام می‌داند. وحدت اسلامی؛ از گفتمان تقریب مذاهب و حرمت اهانت به مقدسات مسلمانان تا ساختن تمدن مشترک؛ افزون بر این، اندیشه امام سید علی خامنه‌ای را نمی‌توان جدا از افق وحدت اسلامی بررسی کرد؛ زیرا مسئله وحدت امت اسلامی یکی از محورهای اصلی گفتمان سیاسی و فکری او بود. او بارها بر مفهوم «امت واحده اسلامی» تأکید کرد و خواستار



سیاسی خود و شخصیتی را که نامش با دفاع از مسائل اساسی جهان اسلام، به‌ویژه فلسطین، و دعوت به وحدت مسلمانان و پاسداری از کرامت تمدنی آنان پیوند خورده بود، از دست داد. با این همه، اثر مردان بزرگ با پایان زندگی آنان سنجیده نمی‌شود، بلکه با اندیشه زنده، بینش منسجم، نهادهای ماندگار و نسل‌هایی که بر پایه آرمان‌های آنان پرورش یافته‌اند، اندازه‌گیری می‌شود. اگرچه شهید خامنه‌ای، مشعل را به نسل پس از خود سپرد، اما اندیشه نمی‌میرد، اصول و ارزش‌ها با صاحبانشان به خاک سپرده نمی‌شوند و پروژه‌های بزرگ تمدنی با رفتن بنیان‌گذارانشان متوقف نمی‌گردند؛ بلکه از فداکاری آنان نیروی ادامه و تجدید حیات می‌گیرند. خداوند، امام شهید سید علی خامنه‌ای را رحمت کند و بهترین پاداش را از سوی اسلام و مسلمانان به او عطا فرماید و زندگی فکری، فرهنگی و سیاسی او را گواهی قرار دهد بر اینکه ملت‌ها با علم، آگاهی و پایداری بر اصول ساخته می‌شوند و همان‌گونه که با مواضع استوار حفظ می‌شوند، با سخن راست و صادقانه نیز پاس داشته خواهند شد.

جهانی تقریب مذاهب اسلامی برگزار می‌شود. از همین رو، امام شهید آیت‌الله خامنه‌ای در بسیاری از سخنرانی‌ها و فتاوی‌ای خود، هرگونه اقدامی را که موجب گسترش نفرت میان مسلمانان شود، حرام دانست و تأکید کرد که وحدت امت اسلامی، صرفاً یک انتخاب سیاسی مقطعی نیست، بلکه ضرورتی دینی و تمدنی است. او در این زمینه به روح حدیث شریف پیامبر (ص) استناد می‌کرد که مؤمنان را به «یک پیکرو احد» تشبیه می‌کند و نیز به آموزه قرآنی که چنگ زدن به ریسمان الهی را اساس شکل‌گیری جامعه اسلامی می‌داند. بدین‌گونه، در اندیشه او سیاست با اندیشه، دین با زبان و تاریخ با فرهنگ درهم می‌آمیزند تا تصویری از پروژه‌ای شکل گیرد که در آن، زبان از جهان‌بینی، هویت از معرفت و گذشته از حال جدا نیست و همگی در ساختن افقی تمدنی و پایدار نقش دارند. در این نگاه، امام شهید سید علی خامنه‌ای تنها یک رهبر سیاسی یا مرجع دینی نبود، بلکه شخصیتی جامع بود که عمق اجتهاد، بینش راهبردی، غنای فرهنگی و ذوق ادبی را در وجود خود جمع کرده بود. با رحلت او، امت اسلامی یکی از برجسته‌ترین چهره‌های فکری و

امام خامنه ای شهید، رهبری بزرگ و استثنایی در رویارویی با استکبار جهانی



شیخ ماهر حمود

رئیس اتحادیه جهانی علمای مقاومت - لبنان

بسم الله الرحمن الرحيم
و گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند؛ بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند سوره آل عمران، آیه ۱۶۹

امام سید علی حسینی خامنه ای (اعلی الله مقامه) رهبری بزرگ و استثنایی، در رویارویی با استکبار جهانی به رهبری صهیونیسم جهانی به شهادت رسید. این شهید بزرگ، همه توان و تلاش خود را به کار گرفت و تمام زندگی‌اش را وقف امت اسلامی نمود تا شایسته نام اسلام و انجام رسالت جاودانه الهی آن باشد. از سوی دیگر، قدرتهای استکباری توانسته بخش عمده‌ای از ظرفیت‌های امت ما را در عرصه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و حتی دینی در اختیار بگیرد و در برابر گسترش آرمان‌های بزرگی که ایران برافراشته و برای آنها گرانباترین سرمایه‌های خود را تقدیم کرده بود، سد

برجسته‌ترین ویژگی‌های دوران رهبری امام خامنه ای



محمدصادق الهاشمی

مسئول مرکز مطالعات عراق - عراق

طبیعی است که رهبران بزرگ، ویژگی‌ها و اثرگذاری‌های خاص خود را داشته باشند. آنان با خصوصیات و توانمندی‌هایی شناخته می‌شوند که مأموریت و نقششان را از دیگران متمایز می‌سازد و به دوران رهبری‌شان هویتی ویژه می‌بخشد. رهبران بزرگ، با اتخاذ مواضع و تصمیم‌های خود، نشانه‌های آشکاری بر جای می‌گذارند که ماهیت دوره زمامداری آنان را مشخص می‌کند. نشانه‌هایی که حاصل تلاش‌ها، اندیشه‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و

ایجاد نماید. در این رابطه بخشهایی از مردم، دروغ‌های آمریکا و صهیونیسم را باور کرده و بدون آگاهی، اتهام‌هایی را که علیه ایران مطرح می‌شد، تکرار کردند. لذا آگاهانه یا ناآگاهانه، به بخشی از جنگ علیه اسلام تبدیل شدند. امروز این مرحله دردناک را پشت سر می‌گذاریم. مرحله ای که یادآور تلخ‌ترین مراحل امت اسلامی است که آن را پشت سر گذاشته است، اما این امت، با سرمایه عظیم ایمان و پشتوانه‌های اعتقادی، فرهنگی و تمدنی خود، دوباره برخاسته و مسیر الهی خویش را ادامه داده است. شکی نیست که شهادت این رهبر بزرگ تاریخی از یک سو و دست یافتن دشمن آمریکایی صهیونیستی به برخی موفقیت‌ها علیه امت اسلامی، هرگز حرکت اسلام و جهاد را به تأخیر نخواهد انداخت. چنین لحظات دردناکی، به اذن خداوند، نشانه‌های سرنوشت‌سازی در مسیر تحقق وعده بزرگ الهی هستند. شعارهای بزرگی که ایران بیش از چهاردهه پیش مطرح کرد، همچنان همان شعارهایی خواهند بود که امت را از حضيض ذلت بیرون کشیده و به سوی عزت و پیروزی رهنمون خواهد کرد. از جمله این شعارها مرگ بر آمریکا، اسرائیل غده‌ای سرطانی است. ای مسلمانان، به وحدت روی آورید. و نه شرقی، نه غربی. بی تردید وعده خداوند راست بوده و در آینده نزدیک حقیقت را آشکار خواهد ساخت إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ سوره بقره، آیه ۱۵۶ هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند بزرگ و بلند مرتبه وجود ندارد.

نگاه راهبردی عمیق آنان است. در این نوشتار کوتاه، مهم‌ترین ویژگی‌های دوران ولایت امام خامنیه‌ای (قدس سره) را به خواننده ارائه می‌کنیم. امام خامنیه‌ای و ژئوپلیتیک شیعی امام خامنیه‌ای توانست نقش امت اسلامی، اعم از شیعه و سنی، را در غرب آسیا و منطقه خاورمیانه فعال نماید و جغرافیای سیاسی جریان انقلاب را از ایران تا قلب شبه‌جزیره عربستان در یمن، و نیز در میان شیعیان، مسلمانان و آزادگان خلیج فارس، عراق، لبنان، سوریه و غزه گسترش دهد. به باور نویسنده، در دوران رهبری امام خامنیه‌ای، این جغرافیای سیاسی مقاومت شکل گرفت و تثبیت شد. از آنجا که ژئوپلیتیک به معنای به‌کارگیری همه عناصر قدرت یک کشور، به همراه ظرفیت‌های موجود در کشورهای همجوار، در قالب یک وحدت ایدئولوژیک برای هدایت حرکت نسل‌ها و ملت‌ها به سوی هدفی مشترک است، این مفهوم در دوران رهبری امام خامنیه‌ای به‌روشنی تجلی یافت. وی با بهره‌گیری از توان انسانی، ظرفیت‌های توسعه‌ای، صنایع، منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی و اقتصادی ایران، و همچنین توان ملت‌های منطقه که از قابلیت‌های مستقل برخوردار بودند، تلاش کرد این ظرفیت‌ها را در کنار یکدیگر قرار دهد تا یک حوزه جغرافیایی گسترده و منسجم شکل گیرد. حوزه‌ای که بتواند در برابر رژیم صهیونیستی موضع واحدی اتخاذ نموده و از توانایی‌های متنوع کشورهای مختلف بهره ببرد. امام خامنیه‌ای دریافته بود که نظام بین‌الملل بر پایه ائتلاف‌ها

و بلوک‌های ژئوپلیتیکی استوار است. این ائتلاف‌ها و بلوک بندیها در اتحادیه اروپا و دیگر اتحادیه‌های منطقه‌ای در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین قابل مشاهده است. از این رو، با هدف ایجاد یک بلوک جمعیتی و جغرافیایی منسجم، در جهت هم‌افزایی ظرفیت‌های کشورهای اسلامی گام برداشت. بنابراین، از دیدگاه نویسنده، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های امام خامنیه‌ای، نقش او در شکل‌دهی و برجسته‌سازی «جغرافیای سیاسی مسلمانان» بود. جغرافیایی که بر پایه مقاومت در برابر استکبار، تحقق استقلال و حاکمیت، و بهره‌گیری از توان انسانی و منابع طبیعی استوار است.

امام خامنیه‌ای؛ انتقال ایران از مرحله انقلاب به مرحله دولت

به اعتقاد نویسنده، دوران رهبری امام خمینی، دوران انقلاب بود؛ دوره‌ای که در آن بنیان‌های انقلاب، ایدئولوژی، نهادهای نظام، قانون اساسی، تثبیت باورهای دینی جامعه و چارچوب روابط خارجی شکل گرفت. این اقدامات، ویژگی‌های طبیعی مرحله تأسیس و استقرار انقلاب به شمار می‌رفت. اما دوران رهبری امام خامنیه‌ای، به باور نویسنده، مرحله «دولت‌سازی» بود. مرحله‌ای که مستلزم ایجاد و تقویت نهادهای پایدار در حوزه‌های صنعت، کشاورزی، دفاع، اندیشه، فرهنگ و اجتماع بود. بسیاری از اندیشمندان بر این باورند که دستاوردهای امام خمینی بدون حفظ، تثبیت و توسعه آن‌ها در دوران امام خامنیه‌ای کامل نمی‌شد. به

اعتقاد نویسنده، امام خامنیه‌ای ایران را به کشوری تبدیل کرد که توان دفاع از خود و حمایت از مسلمانان را دارد و با گسترش توانمندی‌های علمی، فرهنگی و فناوری در حوزه‌هایی همچون پزشکی، مهندسی، فناوری نانو، فناوری هسته‌ای و ده‌ها عرصه اساسی دیگر، پایه‌های قدرت ملی را استحکام بخشیده است. در همین چارچوب، وی توان دفاعی کشور را نیز توسعه داد تا ایران به جایگاهی مؤثر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابد. نویسنده معتقد است که ثمره این سیاست‌ها آن بود که ایران توانست از مسلمانان حمایت کند، در برابر ایالات متحده آمریکا ایستادگی نماید و به موفقیت‌های مهمی در این رویارویی دست یابد. نویسنده همچنین تأکید می‌کند که امام خامنیه‌ای در هیچ‌یک از حوزه‌های توسعه و پیشرفت کشور از اهداف اصلی خود عقب‌نشینی نکرد. زیرا باور داشت که همین زیرساخت‌ها، ایران را به دولتی کامل و توانمند، آن‌گونه که امروز شناخته می‌شود، تبدیل کرده است.

امام خامنیه‌ای و ساخت تمدن اسلامی از نگاه نویسنده، دوران رهبری امام خامنیه‌ای، دوره‌ای روشن و مشخص در مسیر دولت‌سازی، تعمیق مفهوم مقاومت و حرکت امت و دولت به سوی تحقق تمدن اسلامی بود. بیانیه‌ای که امام خامنیه‌ای درباره مفهوم «تمدن نوین اسلامی» صادر کرد، از دیدگاه نویسنده، چارچوب این پروژه را بر پایه مفاهیم اسلامی و قرآنی ترسیم می‌کند.

به اعتقاد نویسنده، این پیام و دیگر نامه‌های مشابه، تأثیر قابل توجهی بر افکار عمومی غرب گذاشت. زیرا تصویری متفاوت از اسلام ارائه کرد. از نگاه او، اگر در گذشته اسلام در غرب به عنوان یک پدیده «اسلام‌هراسی» معرفی می‌شد، اکنون بیش از گذشته به عنوان مکتبی شناخته می‌شود که از حقوق انسان‌ها حمایت می‌کند، حرمت جان انسان‌ها را پاس می‌دارد، کرامت انسانی را حفظ می‌کند و با ظلم و تروریسم مخالفت می‌ورزد. نویسنده همچنین معتقد است این پیام‌ها، تناقض‌ها و کاستی‌های تمدن غرب را آشکار ساخته و در نتیجه تلاش‌های امام خامنه‌ای مبنی بر گفت‌وگو با جوامع غربی، نگاه‌ها به نظام‌های سیاسی و تمدنی جهان دچار دگرگونی شد. امام خامنه‌ای و بازترسیم نقشه نظام بین‌المللی به باور نویسنده، دوران رهبری امام خامنه‌ای با تحول مهمی در روابط بین‌الملل همراه بود. او معتقد است که با گسترش روابط

هدف این طرح، شکل‌گیری دولتی پیشرو برای ملت‌هاست. دولتی که از توانمندی و خودکفایی لازم برخوردار باشد تا بتواند ارزش‌های اسلامی، انقلابی، اخلاقی و اجتماعی را گسترش دهد و به مسلمانان هویتی تمدنی ببخشد. همچنین این دولت، از طریق دستاوردهای علمی، فرهنگی و اجتماعی خود، جایگاه تمدن اسلامی را در جهان تثبیت کند. امام خامنه‌ای و صدور اندیشه اسلامی به غرب از دیدگاه نویسنده، پیام‌ها و نامه‌هایی که امام خامنه‌ای خطاب به دانشجویان و جوانان کشورهای غربی صادر می‌کرد، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوران رهبری او به شمار می‌آید. وی به‌ویژه به پیام امام خامنه‌ای خطاب به دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا که در حمایت از فلسطین، مردم غزه و در اعتراض به جنایت‌های رژیم صهیونیستی تحصن کرده بودند، اشاره می‌کند؛ پیامی که در آن خطاب به آنان گفته شد: «شما در سمت درست تاریخ ایستاده‌اید



ایران و آمریکا، نتیجه همین رویکرد راهبردی است و این همگرایی به شکل‌گیری مواضع مشترک و حتی افزایش فاصله میان اروپا و آمریکا انجامیده است. امام خامنه‌ای و تبیین اسلام (میراث فکری) به اعتقاد نویسنده، امام خامنه‌ای در طول دوران طولانی رهبری خود، میراثی ارزشمند از اندیشه اسلامی برای امت اسلامی بر جای گذاشت. این میراث، حوزه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد. از تفسیر قرآن کریم و تاریخ اسلام گرفته تا تبیین هویت اسلامی، مبانی اعتقادی، شیوه تربیت فرد و جامعه و دیگر آموزه‌های اسلامی. نویسنده می‌افزاید که امام خامنه‌ای صدها کتاب و اثر در زمینه‌های مختلف اجتماعی، علمی، سیاسی، فلسفی و کلامی از خود به یادگار گذاشته است؛ آثاری که از نگاه او، سرمایه‌ای فکری برای نسل حاضر و نسل‌های آینده جهان اسلام محسوب می‌شود.

ایران با کشورهای آسیایی، به‌ویژه روسیه و چین، و نیز با پیوند دادن محور مقاومت با این همکاری‌ها، روند کاهش نفوذ نظام تک‌قطبی جهان آغاز شد. نویسنده با اشاره به برخی بیانات امام خامنه‌ای می‌گوید: ایشان بارها بر ظهور قطب آسیایی در نظام جهانی تأکید کرده و معتقد بوده است که ایران و جریان مقاومت جایگاه خود را در نظم جدید بین‌المللی تثبیت کرده‌اند. نظامی که به تدریج از سلطه نظام تک‌قطبی فاصله می‌گیرد. در همین راستا، امام خامنه‌ای از سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری‌های شانگهای و بریکس و دیگر سازوکارهای همکاری آسیایی حمایت می‌کرد. از دیدگاه نویسنده، این نهادها ابزارهایی برای ایجاد توازن در نظام بین‌الملل و کاهش سلطه یک‌جانبه بر جهان به شمار می‌روند. نویسنده همچنین بر این باور است که مواضع کنونی روسیه و چین در قبال تحولات منطقه و تنش‌های



بسم الرحمن الرحیم

«در التّجاء به صدر نشین سریر رضا حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام»

فارغ مرا ز بکند صبح شام کن کار مرا به گردش چشی تمام کن
 بگشای صحن ای دگر از دق جمال بیتی من دون این نخل نام تمام کن
 ای یاد کار ساقی کوثر آب حسن گاهنی نظریه جانب این تشنه کام کن
 ای حکمران کشور دل با کبر شمای زیر وز برفتار دل خاص عالم کن
 بنمای به ملک رضا جان خسته مرغ رمیده آب شکر خند رام کن
 ایکن هزار دست تنما گشود دست گرم کشا و به رسم کرام کن
 دارا اشفای آتش آب است این سوز دل مرا به بنی التیام کن
 دیری است ز آشیانه جلا نده این غربت بس است روسوی آکنجی مایم کن
 دانم که مستمند و تهدید و بی کسی از بارگاه فیض رضی تشنه وام کن

و آنجا که آمد و شد حیل ملائک است

کنجی کرین و تا به قیامت مقام کن
 سید مصطفی



KHAMENEI.IR



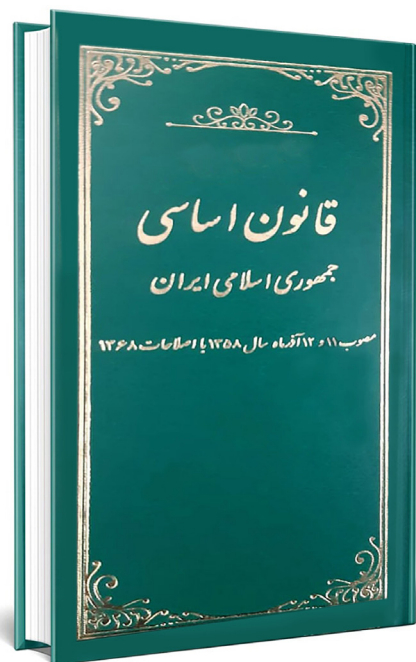




اعمال روند قانون اساسی برای معرفی جانشین رهبر شهید



**For further information on Ayatollah
Sayyid Mojtaba Hosseini Khamenei
click on the link to Echo of Islam**



شرایط و صفات رهبری حسب اصل ۱۰۹ قانون اساسی ایران عبارت است از صلاحیت علمی فقهی برای افتاء، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام، بینش صحیح سیاسی، اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری؛

مجلس خبرگان از سال‌ها قبل افراد متعددی را برای جانشینی بررسی کرده بود؛ اما پس از ترور و شهادت رهبر از میان گزینه‌های مختلف و با تطبیق شرایط افراد با شرایط مندرج در قانون اساسی به آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رسیدند؛ در حالی که ایشان دومین فرزند رهبر شهید می‌باشد هرگز رهبر شهید در مورد جانشینی ایشان نفیاً یا اثباتاً با هیچ یک از اعضای مجلس خبرگان گفتگو نکرده بود و کمتر کسی این احتمال را می‌داد؛ اما ۸ روز پس از شهادت رهبر شهید با چندین روش بررسی و اظهار نظر و جلسه نهایتاً با رای بیش از دو سوم، مجلس خبرگان رهبری که خود منتخب مردم است؛ رهبر جدید انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران را تشخیص و اعلان نمود؛ که پس از آن با بیعت‌های متعدد و متکثر نخبگان و مردم در داخل و خارج ایران قوت این اعلان مضاعف شد.

اعضای مجلس خبرگان رهبری در جمهوری اسلامی ایران با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود و اعضای این مجلس، خبرگان و نخبگان فقهی، اجتماعی و از رجال مدیریتی- علمی می‌باشند؛ که به عدالت و تقوا شناخته می‌شوند.

این مجلس حسب اصول ۵ و ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی ایران وظیفه دارد که با بررسی افراد واجد شرایط به تشخیص و معرفی رهبر بپردازد و حفظ شرایط تداوم رهبری او را همواره رصد نماید.

پس از شهادت رهبر ایران طی حملات مکرر آمریکا شرایط امنیتی و جنگی سختی در ایران ایجاد شد لذا حسب قانون اساسی شورای موقت سه نفره رهبری متشکل از رئیس جمهور و رئیس قوه قضاییه و منتخب مجمع تشخیص مصلحت نظام، رهبری موقت کشور را به عهده گرفت.

اما جلسات مجلس خبرگان رهبری در شرایط بسیار سخت تهدیدات و در زیر بمباران مکرر رژیم اسرائیل و آمریکا برگزار شد و با بررسی افراد واجد شرایط با بیش از دو سوم آرا رهبر جدید را کشف و معرفی نمود.



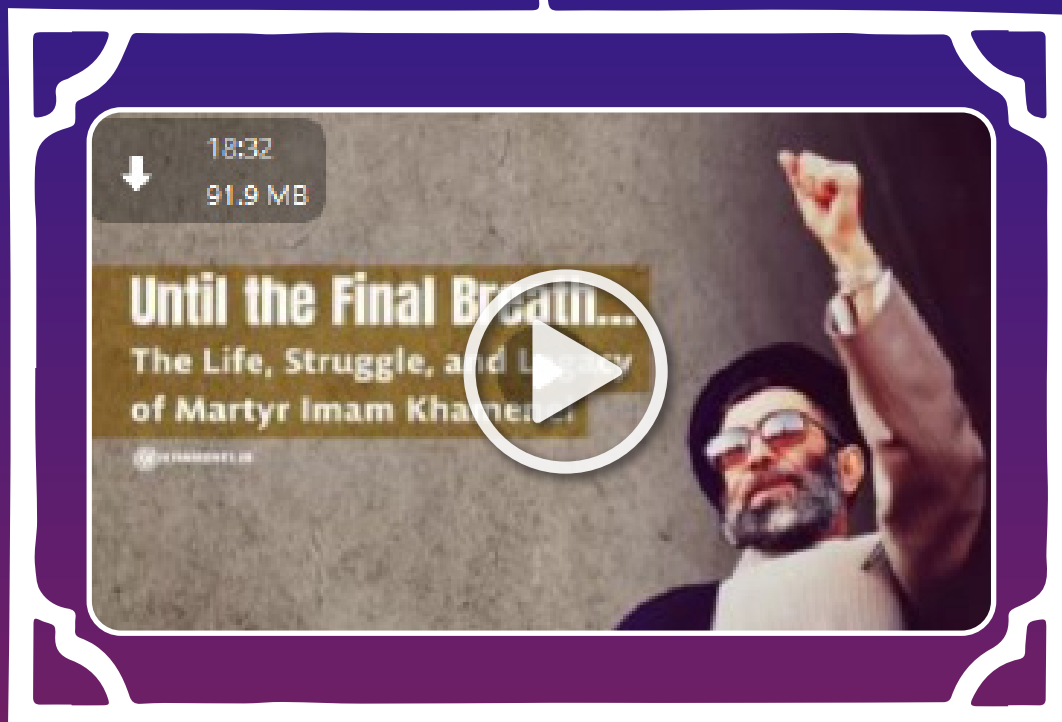
For further information on Ayatollah Sayyid Mojtaba Hosseini Khamenei click on the link to Echo of Islam



در حالی که صفحات تاریخ در حال ورق هستند، شما در سمت درست آن ایستاده‌اید

در ۱۰ خرداد ۱۴۰۳، هنگامی که جنبش دانشجویی حامی فلسطین در دانشگاه‌های آمریکا با سرکوب شدید مواجه بود، امام خامنه‌ای با ارسال نامه‌ای، تصویری کاملاً متفاوت و جدید از این مقطع زمانی ارائه کرد. او به آن دانشجویان گفت که آنها دیگر صرفاً هوادارانی در حاشیه نیستند، بلکه شاخه‌ای از «جبهه مقاومت» را تشکیل داده‌اند و مبارزه‌شان مبارزه‌ای شرافتمندانه است. او آن‌ها را به انس با قرآن توصیه کرد و بیداری‌شان را به جریان دیرپای حقیقتی پیوند داد که در حال درهم شکستن دیوارهای تبلیغات جهانی است.





ویژه تا آخرین نفس

زندگی، مبارزه و میراث امام خامنه‌ای شهید
امام خامنه‌ای شهید که بود و چگونه زندگی‌ای که با زندان،
تبعید، جنگ و رهبری شکل گرفته بود، میراثی ماندگار از ایمان،
مقاومت و استقامت بر جای گذاشت؟

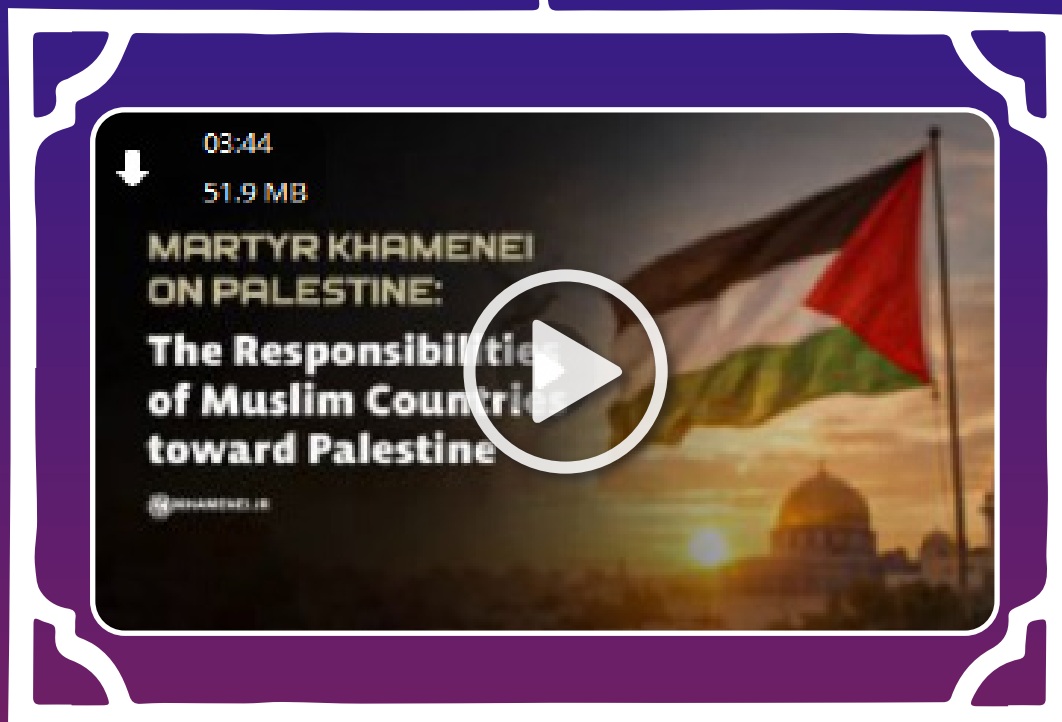




دیدگاه‌های شهید خامنه‌ای درباره فلسطین

قسمت اول: فلسطین، آرمانی برای تمام بشریت
«دیدگاه‌های شهید خامنه‌ای درباره فلسطین» یک بسته
رسانه‌ای است که بر نظرات شهید امام خامنه‌ای نسبت به آرمان
فلسطین تمرکز دارد.





دیدگاه‌های شهید خامنه‌ای درباره فلسطین

قسمت دوم: مسئولیت‌های کشورهای اسلامی
در قبال فلسطین
«دیدگاه‌های شهید خامنه‌ای درباره فلسطین» یک بسته
رسانه‌ای است که بر نظرات شهید امام خامنه‌ای نسبت به آرمان
فلسطین تمرکز دارد.





MARTYR KHAMENEI
ON PALESTINE:
What is the Nature
of the Zionist regime?

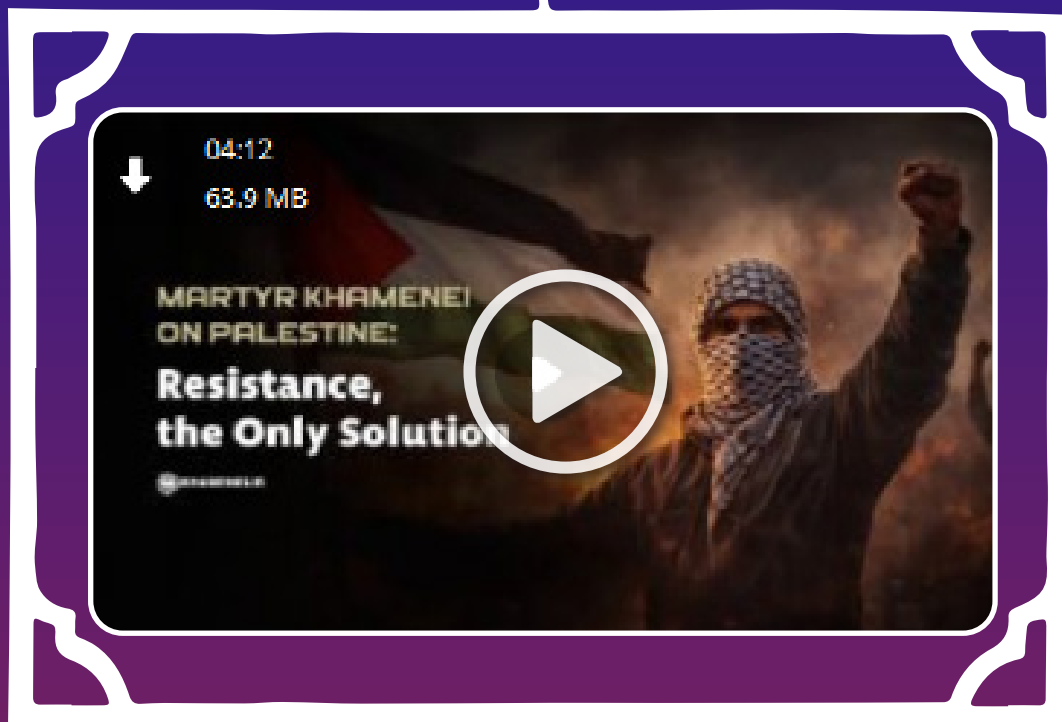
KHAMENEI.IR



دیدگاه‌های شهید خامنه‌ای درباره فلسطین

قسمت سوم: ماهیت رژیم صهیونیستی چیست؟
«دیدگاه‌های شهید خامنه‌ای درباره فلسطین» یک بسته
رسانه‌ای است که بر نظرات شهید امام خامنه‌ای نسبت به آرمان
فلسطین تمرکز دارد.

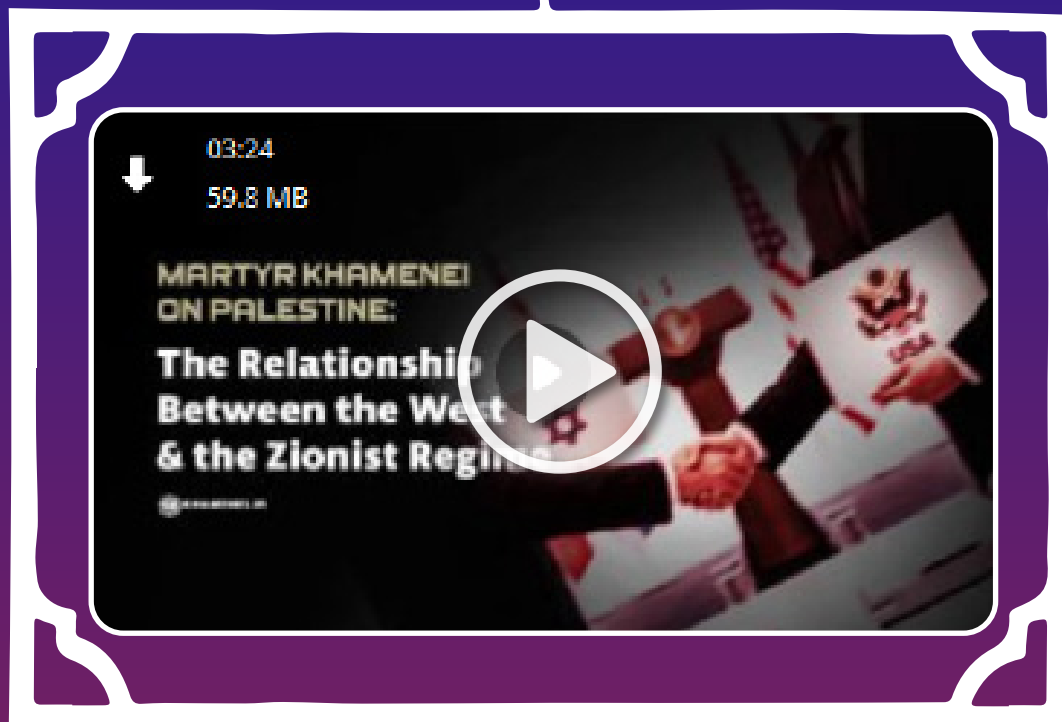




دیدگاه‌های شهید خامنه‌ای درباره فلسطین

قسمت چهارم: مقاومت، تنها راه چاره
«دیدگاه‌های شهید خامنه‌ای درباره فلسطین» یک بسته
رسانه‌ای است که بر نظرات شهید امام خامنه‌ای نسبت به آرمان
فلسطین تمرکز دارد.





دیدگاه‌های شهید خامنه‌ای درباره فلسطین

قسمت پنجم: رابطه میان غرب و رژیم صهیونیستی
«دیدگاه‌های شهید خامنه‌ای درباره فلسطین» یک بسته
رسانه‌ای است که بر نظرات شهید امام خامنه‌ای نسبت به آرمان
فلسطین تمرکز دارد.

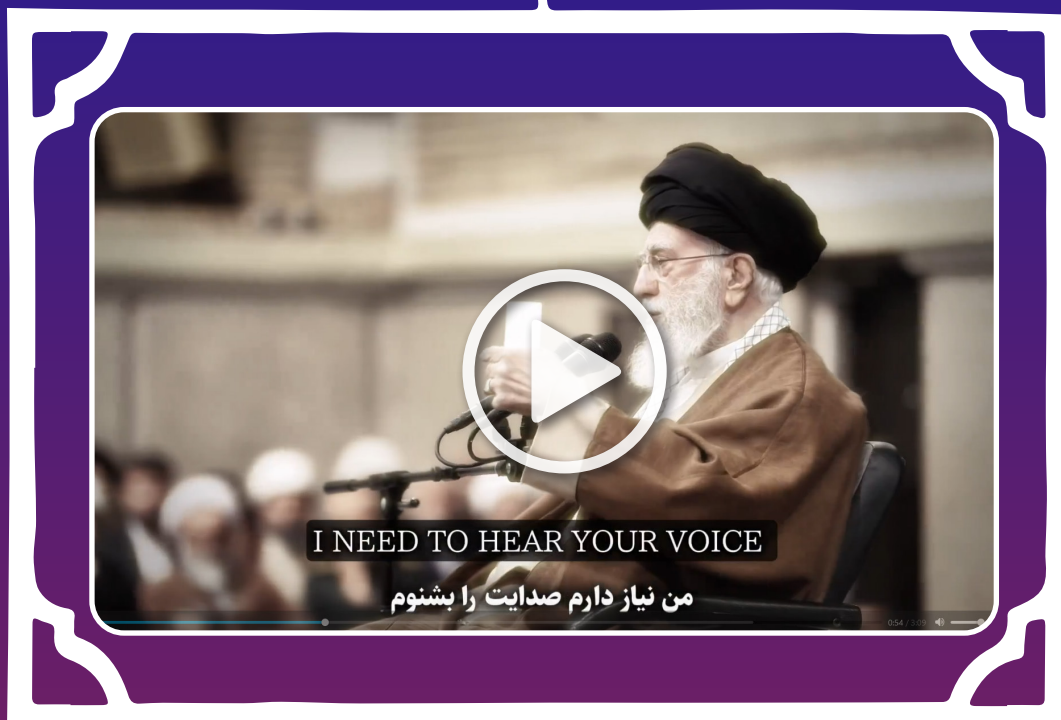




پروردگار من با من است

در این ویدیو، شهید خامنه‌ای ایمان عمیق خود را نسبت به خداوند متعال را ابراز می‌دارد و بیان می‌کند که با وجود مواجهه با انواع تهدیدها و خطرات، ایمانش به خداوند همواره رو به فزونی است.





پیروزی نهایی

در این ویدیو، رزمنده‌ی جوان عشق و ارادت خود را به رهبر شهید ابراز داشته و برای دستیابی به پیروزی نهایی، از ایشان طلب راهنمایی می‌کند و امام شهید، این‌گونه او را پند می‌دهد:
«اگر مقاومت کنی، بلندترین قله را فتح خواهی کرد؛ قله حاکمیت حق و حاکمیت عدالت.»





برجسته‌ترین و بهترین کتابخانه جهان



KHAMENEI.IR







روزگار

جدیدترین انتشارات

آینده‌نگاری رهبر شهید جمهوری اسلامی ایران

آیت الله العظمی شهید

سید علی خامنه‌ای

برای ۴۰ سال آینده

چه تحلیلی دارد؟



امید
خودباوری
مامی توانیم
قله
مردم سالاری دینی
خودسازی
جامعه‌پردازی
نظام‌سازی
تمدن‌سازی
گام دوم انقلاب
تمدن نوین اسلامی
نظم‌نوین جهانی
جوانی جمعیت
جوان‌گرایی
عدالت
مبارزه با فساد
طهارت اقتصادی
استقلال
آزادی
معنویت
اخلاق
سبک زندگی
شهادت
عزت
حکمت
مصلحت
نهضت ترجمه



نهضت علمی
جهاد علمی
دانش بنیان
وجدان کاری
کار مضاعف
همت مضاعف
مدیریت جهادی
اقتصاد مقاومتی
جهش تولید
جنگ نرم
شبیخون فرهنگی
ناتوی فرهنگی
آتش به اختیار
تحول بنیادین
پیوست فرهنگی
مهندسی فرهنگی
حماسه سیاسی
جهاد تبیین
سلطه‌ناپذیری
استکبارستیزی
غرب آسیا
بیداری اسلامی
محور مقاومت
عمق استراتژیک
شبکه‌سازی
بعثت مردم
مشارکت مردمی

برخی از کلیدواژه‌های
راهبردی آینده‌نگارانه‌ی جریان ساز
رهبر شهید

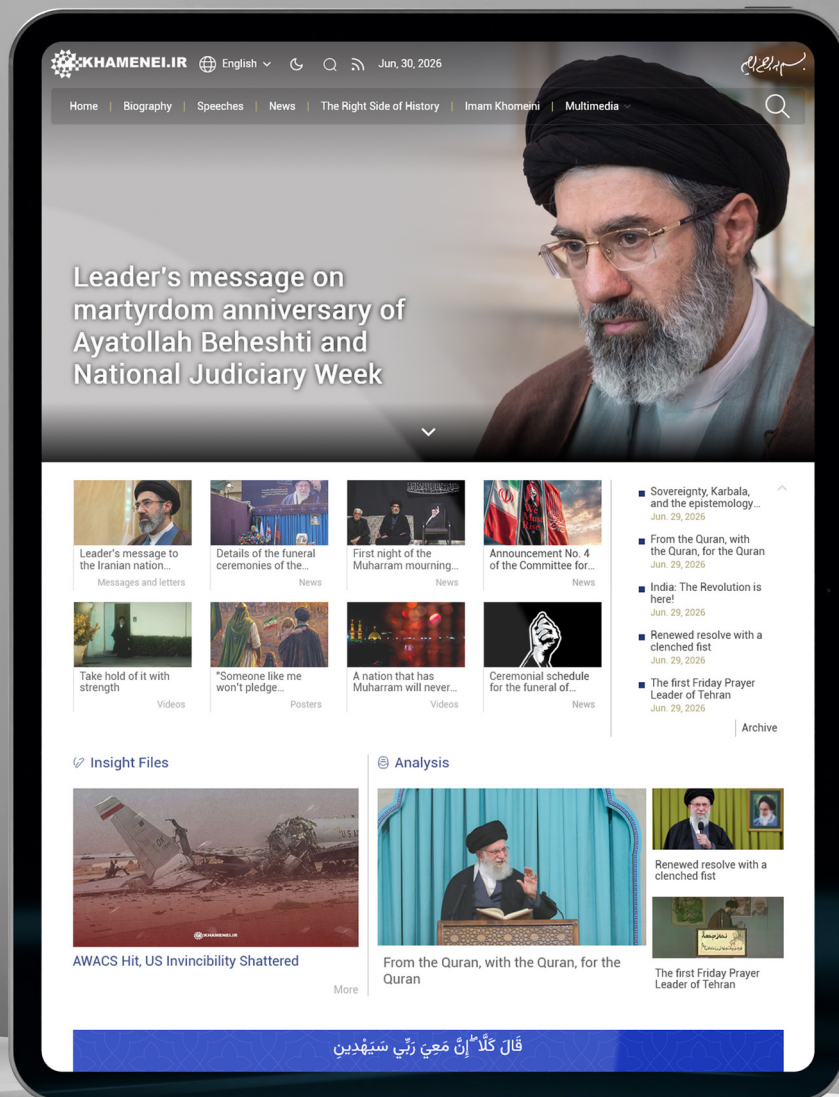




جشنواره بین‌المللی شعر امام شهید (ع)

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با همکاری سایر نهادها و سازمان‌های فرهنگی، به مناسبت سالگرد شهادت رهبر امت، آیت‌الله امام خامنه‌ای، جشنواره شعری برگزار کرد که در آن شاعرانی از سراسر جهان اشعار خود را به زبان‌های گوناگون ارائه کردند. این اشعار به‌زودی در قالب کتاب منتشر خواهند شد.





khamenei.ir

دفتر حفظ ونشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

Office for the Preservation and Publication of the Works
of the Grand Ayatollah Sayyid Ali Khamenei

مکتب حفظ ونشر تراث آية الله العظمی الخامنئي

این خبر را برسانید به ایرانی ها شانه آماده کنید داغ پدر می آید



موسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین المللی الهدی
Alhoda International, Cultural, Artistic
and Publishing Institution
مؤسسه الهدی الثقافية والفنية للنشر الدولي
alhodapub.com



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
Islamic Culture & Relations Organization
منظمة الثقافة و العلاقات الإسلامية
icro.ir

English-Iran Cultural & Research Institute



The Office for the Preservation and Publication
of the Works of Ayatollah Sayyid Ali Khameenei